

دُڙون

اطلاعاتی مرکز



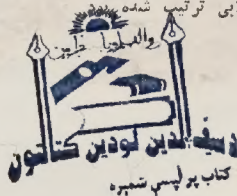
LIBRARY OF THE
FEB 3 - 1981
COPY COPY
ORDER DIVISION



15321/221400



بروک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ایراد بیانیه در محفلیکه بمناسبت شانزدهمین سالروز تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تالار قفسر گلخانه مقر شورای انقلابی ترتیب شده بود.



اقتصاد و قایم مهم مکتبه

رئیس، مشاورین مر بوط ریاست میکا نیزه و مدیران عو می زراعت و لایات جو ز جان، بغلان، کندز، بلخ و هرات حاضر بودند.

روز نهم جدی در آنوزات دایر و روی مو غو عات مر بو ط به سیشن های میکا نیزه زراعتی در ولایات متذکره و چگونگی فعالیت آنها در آینده بحث و مذاکره صورت گرفته و در زمینه تجاویز لازم اتخاذ گردید.

دافغانستان د خلك د دیمو کرا تیک گووند د مر کزی کمیته غری او د گوند د بین المللی اړیکو مسئول او دافلا بی شورا غری معهود بریالی د جدی په نهمه نیته پسه اولنبا تور کی د فلسطین د خلکو د افلا بی

گوند د مر کزی کمیته له لومړی منشی او د هغه هیواد دستر خورال د رئیس هیئت له صدر تسد نبال سره وکتل.

د کابل په ښار کی د فلم جوړولو دستدیو د سا ختمانی پروژی دافتصادی او تخنیکي رپون په بڼ د خیر نی پروژو کول داطلاعاتو اوکلنور وزارت دافغان فلم دریاست او په کابل کی د شوروی اتحاد ددو لتی سینماوو گرافی د سا ختمانی پروژو د تخنیکي مرستو مو سسی تر منځ لاس لیک شو.

دایبراهیم زاده د سینسیو ټوگرا نیو دفا بریکي د بنسټ ډبره دجدی په لسمه نیته د کانو او صنایعو د وزارت د صناعتی سیمو د پرمختیا د امر له خوا دکابل په صنعتی پارک کی کینودل شوه.

مر کزی در دفتر کارش با میلا دین نیکولوف میلاد یتوف سفیر گبر و نماینده فوق انعاده جمهوری مردم بلغاریا در کابل ملاقات نمود.

دوکتور انا هیتا رانپ زاد عضو بیرونی سیاسی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان، رئیس سازمان دمو کرا تیک زنان و رئیس سازمان صلح و همبستگی دوستی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان بنا بر دعوت لندرا سیون ملی زنان هند جهت

اشترک در دهمین کنگره فدراسیون متذکره ویمینک مشورتی منطقوی در راس هیاتی تمام اجزی عازم دهلی جدید گردید.

بخاطر بزر گداشت نخستین سالگرد تحول ششم جدی مر حله نوین و نکا ملی انقلاب شکر همند تور یکتعداد از مجبو سین سیاسی که بنا بر فیصله محکمه اختصاصی افلا بی به میعاد مختلف حبس معکوم شده بودند. باتر پیشنهاد خاروالی اختصاصی انقلابی و منظوری هیات رئیس شورای افلا بی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان ایام بافی مانده حبس شان مورد عفو قرار گرفت.

دترانسپورت او گر څلموی وزیر شیر جان مزدور یار د جدی په لسمه نیته له شوروی اتحاد څخه وطن ته راغی.

مجلسی تحت ریاست فضل الرحیم مومند وزیر زراعت و اصلاحات ارضی در حالیکه

دافغانستان د خلك دمو کرا تیک گو نسه د مر کزی کمیته د عمومی منشی دافغانستان د دمو کرا تیک جمهوریت دافلا بی شورا د رئیس او صدراعظم بروک کارمل له خوا د کیوبا د کمو نست گوند د مر کزی کمیته د لومړی منشی د دولتی شورا د رئیس او د کیوبا د جمهوری حکومت د رئیس فیدل کاسترو په نامه د هغه هیواد د انقلاب د دوه ویشتمو کالیزی له امله هاوا یا ته د مبارکی پیغام مخابره شوی.

سفارت کبرای دپورت کیوبا مقیم کابل روزملی کشورش راسام ۹ جدی ضمن ضیافتی تجلیل نمود. درین ضیافت که از طرف شار زدا فیسر سفارت کبرای آنگشور در هوئل کابل برگزار گردید. سلطان علی کشمند عضو بیرونی

سیاسی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان معاون شورای افلا بی و معاون صدر اعظم بعضی از اعضای کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان اعضای هیات رئیس شو را ی انفلا بی پرخی از اعضای شوری وزیران عده از کارمندان عالیرتیه دولتی اعم از ملکی و عسکری و سفرای گبار کشور های متحابه مقیم کابل شرکت ورزیده بودند.

دکتور انا هیتا رانپ زاد عضو بیرونی سیاسی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان، رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و رئیس سازمان صلح و همبستگی دوستی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان قبل از ظهر ۷ جدی در مقر کمیته

ششم جدی ۱۳۵۹ نخستین سالگرد مرحله نوین و نکا ملی انقلاب تور، مر حله نجات انقلاب مردم و وطن بود.

بخاطر تجلیل ازین روز نظر آفرین به اشتراک بروک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کرا تیک افغانستان، اعضای بیرونی سیاسی و کمیته مرکزی حزب، اعضای هیات رئیس و اعضای شورای انقلابی، اعضای شورای وزیران، کدر های حزبی و کارمندان عالیرتیه دولتی، نمایندگان سازمان های اجتماعی و سازمان های صنفی و نمایندگان

تمام ملیت هاوقبایل غیور و سلحشور کشور بمنظور فراهم آوری و تدارکات مقد سات تشکیل چپه ملی وسیع پدر وطن در کابل مر کز افغانستان انقلابی کنفرانس عظیم تاریخی در تالار سلا مخانه مقر شورای انقلابی تشکیل گردید.

شانزدهمین سالگرد تأسیس حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان بعد از ظهر روز ۱۱ جدی از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی جلسه در تالار گلخانه مقر شورای انقلابی تجلیل گردید.

دافغانستان د خلك دمو کرا تیک گو ند د مر کزی کمیته د عمومی منشی دافغانستان د دمو کرا تیک جمهوریت د افلا بی شورا د رئیس او صدر اعظم بروک کارمل له خوا د ۱۹۸۱ نوی عیسوی کال له امله د دوستو هیوادو د مشرا نو په نامه د مبارکی پیغامونه مخابره شوی.

درین شماره

یکسال در يك هفته

...

جبهه ملی پسر وطن متحد کننده همه مردم

...

علل کمبود وگرنه مواد سوخت در شهر کابل

...

شاعری از فلسطین ابوسلما

...

ویشام در قلب ما جاه دارد

...

موضعگیری زنان در جامعه بین المللی

...

در پرتگاه يك حادثه

...

نگرشی بر سینمای شوروی، این سینمای انسانی

...

عشق و شکیلا پیونده

...

آبا میدانید که دستکول از کدام زمان رواج داشته است

...

دکارتین و سمنگرکی اوستی سیاسی و الهیادی

...

شرح روی جلد :

...

احمدی و آواخوان جوان رادیو تلویزیون کشور

...

شرح پشتی چهارم :

...

تابلوی نقاشی از کوچه قدیم شوبازار

۲۷-۲۷

جبهه ملی پسر وطن سیستم وسیع توده ای سازمان های اجتماعی، سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحادیه کارگران و دهقانان تشکیل میدهد و تمام طبقات، اقشار و گروه های ملی و دموکراتیک، همه نیرو های اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری بغاظر منافع وطن مان افغانستان انقلابی متحد می سازد.

«بیرک کارمل»

۱۳ جلدی ۱۳۵۹ ۳ جنوری ۱۹۸۱

اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی

انقلاب يك تحول کیفی و بنیادی شروع نمودند به عملی نمودن دسیس، يك چرخش عظیم و اساسی در حیات نقشه های شوم و غیر انسانی شان. جا معه محسوب می شود. ازینرو انقلاب اجتماعی، عمیق ترین و این خائن به حزب و مردم بنابر سازندگی، شکو فانی و بهسازی و بنیادی ترین تحول را در حیات دستور سی، آی، ای ایسی سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک ساز مان استخبات رات امریکا به جا معه بو جود می آورد این تحول نیرو های ملی و دمو گرا تیک بنیادی و عمیق زمینه را مساعد انقلاب بی و ترقی خواه ضر بات مرکزی حزب دمو گرا تیک خلق می سازد تا در عرصه های مختلف جبران نا پذیری را وارد نمود يك زندگی اجتماعی تحول چشمگیر پدید آمده و طو مار مناسبات فرسو ده و کهن غیر عادلانه را در هم پیچید و جای آنرا مناسبات عادلانه و نوینی پر نماید.

انقلاب اجتماعی قدرت را از طبقات حاکم و ستمگر گرفته و به طبقات استثمار شده و محکوم و به توده های وسیع زحمتکشان و رنجبران می سپارد و به خود کامگی و استعبداد جباران خاتمه میدهد.

انقلاب نور که مطابق با قانونمندی تکامل جا معه ما به پیروزی رسید ثمره نبرد طولانی مردم، اقوام و ملیت ها، اقشار و طبقات وسیع و گسترده زحمتکشان کشور ماست که بر هبری حزب دمو گرا تیک خلق افغانستان این پیشا هنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان به پیروزی رسید و مردم مارا از ظلم و ستم قیودالان، از با بنان و صاحبان قدرت رها یی بخشید مگر محافل ارتجاعی و وابسته به امیر یا لیزم جهان خوار امریکا مانند همیشه دست به حیل و توطئه زدند و می خواستند مسیر اصولی انقلاب نور را به بیراهه بکشاند و در برابر نهضت و تحول سنگ اندازی نمایند بدین ترتیب اجتناب نمایند سیاه خود حقیقت الله امین، جلاوختون آشام قرن را رویکش کار نمودند و سر زمین در چو کات جبهه ملی

یدرو طن چون در آهنین بدور هم جمع آمده و با دستان توانا و نیروی شکست نا پذیر و سازنده رسالت عظیم خویش را در برابر مام وطن. حقیقت الله امین این جبار به شایستگی انجام دهند و در- سازندگی، شکو فانی و بهسازی میهن محبوب ما افغانستان از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نورزند.

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو گرا تیک افغانستان رئیس شورای انقلاب پی و صدر اعظم جمهوری دمو گرا تیک افغانستان در کنفرانس با شکوه هزاران هزار فرزند بی گناه مارا نیرو های ملی و وطنپرست پیرا- ریخت و پدران، مادران، زنان و مون اهمیت تشکیل و نحوه کار اطفال رنجکشیده ما را برای همیشه جبهه وسیع ملی پدر وطن گفتند :

« وظیفه اساسی جبهه ملی مگر مرحله نوین و تکاملی پدر وطن عبارت از آنست که ضمن انقلاب، کاخ ظلم و بیداد رژیم پیروی از منشی عمومی حزب دمو - استبدادی طراز فاشستی امین کراتیک خلق افغانستان و تبلیغ، جاسوس، این چهره آشنا و شناخته توضع و ترویج سیاست شورای شده امیر یا لیزم و باند تبهکارش انقلابی و حکومت جمهوری دمو - را و از گون کرد، باب و مرحله کراتیک افغانستان توده های اعضای کیفی و نوین را در تاریخ حما سه - خود و تمام مردم نجیب افغانستان ساز این کشور عقابان بلند پرواز را در جهت اشتراک فعال و آگاهانه و دلیران غیور گشود.

مرحله کنونی پرو سه انقلابی شکو فان با رعایت و احترام اصول کشور ما، مرحله ای انقلاب ملی و دین مقدس اسلام و در نظر داشت دمو کراتیک است و حزب دمو گرا - سنن تاریخی، ملی و معنوی تیک خلق افغانستان این گردان بخصوص جا معه ما بسیع نمایند.

بیش آهنگ با در نظر داشت جبهه پایه حاکمیت زحمتکشان رسالت و مسو- لیت سترگ در رادر جمهوری دمو گرا تیک افغا - برابر مردم و در جهت تشکیل و بسیع نستان تشکیل میدهد، جبهه کلیه نیرو های ملی و دمو گرا تیک وظیفه دارد و حدت مردم را به اعم از روشنفکران، کارگران، منظور فعالیت مشترک برای به دهقانان، کسبه کاران، سر بازان پیروزی رسانیدن کا مل انقلاب و افسران، روحانیون و وطنپرست ملی و دمو گرا تیک و تکا مل و غیره اقشار و اقوام ساکن بعدی آن تحکیم بخشند و همچنان افغانستان سعی و تلاش خستگی در امر تربیت و وطنپرستانه اهالی افغانستان تا همه طبقات، و جلب وسیع اتباع جمهوری دمو- گروه ها، نیرو های ملی و دمو گرا - کراتیک افغانستان در اداره امور تیک و تمام ملیت های برادر این دو لت و جا معه مساعد نمایند.

سر زمین در چو کات جبهه ملی بقیه در صفحه ۵۱

تجربه

جبهه ملی پدر وطن

متحد کنند همه مردم

سیاسی و فرهنگی کشور و بهروزی مردم، شرط حیاتی لازمی است، دولت مردمی ما با درک این حقیقت قدم های فراخی درین جهت برداشته است که اقدام به خاطر تر کیب و توظیف کمیسیون عالی تدارک کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدر وطن در جمهوری دموکراتیک افغانستان که به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۹ با شرکت نمایندگان همه طبقات و اقشار و گروه های

ملی، دموکراتیک و وطنپرست دایر گردید اقدام بس ارزنده درین راه محسوب می شود. مقدمات این کار سترگ و سازنده با پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب آغاز شد، کنگره موسس معلمان، کنگره داکتران و مستخدمین طبیبی کنفرانس روحانیون، کنفرانس مؤثریت کار وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی، کنگره موسس اتحادیه نوپسندگان، علماداران و کنفرانس همبستگی بین المللی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و بالاخره کنفرانس بین المللی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و امثالهم در جمله اقدامات مقدّماتی در راه اتحاد و بسیج مردم برای اعمار وطن بهروزی خلق و مبارزه بی امان با ضد انقلاب و دشمنان وطن می باشد.

ببرک کار ملی منشئی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنفرانس پر شکوه و تاریخی تدارک کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدر وطن بیانیه اساسی را ایراد فرمودند و طی این بیانیه بر جهات مختلف موضوع روشنی انداخته شد ایشان در بخشی از بیانیه اساسی چنین فرمودند: «... جبهه ملی پدر وطن سیستم وسیع توده ای سازمان های اجتماعی، سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحاد بقیه در صفحه ۴۸

امین این جاسوس سی، آی، ای و باند فاسد و ستم پیشه اش انقلاب مردم و وطن ما را در لب پر نگاه سقوط قرار دادند و لی باز هم مردم د لیر و سلحشور افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به یاری اردوی دلیر و سر سپرده خویش طومار ارتجاع امینی را به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ درهم پیچیدند و انقلاب را وارد مرحله نوین و تکاملی نمودند و مردم، وطن و انقلاب را از تباهی و ناکامی نجات دادند تحول شگرف و قهرمانانه ۶ جدی ۱۳۵۸ بمثابه صفحه درخشان و سازنده ای است در تاریخ انقلاب ثور که دامان حزب وطن و انقلاب را از دشمنان شان پاک ساخت و می توان آنرا (تحول ۶ جدی ۱۳۵۸) ادامه دهنده قانونمند انقلاب بر گشت ناپذیر و آغازگر مرحله نوین آن شناخت.

حال که انقلاب به سیر اصلی خویش روانه است و حزب و دولت مردمی ما پیوسته و خستگی ناپذیر در جهت بهروزی مردم و شگوفائی وطن در تکاپوست باید راه های مؤثر و شمر و سریع آبادانی وطن و خوشبختی مردم را جستجو کرد و به کار گرفت در قدم اول همبستگی و اتحاد همه نیرو های انقلابی، ملی و وطن پرست درین مرحله حساس تاریخی کشور و به خاطر نایل به استقلال افغانستان محبوب ما و به خاطر رشد همه جانبه اقتصادی اجتماع

دیگر عوامل در همبستگی و اتحاد آنها نهفته است. در کشور محبوب و سر بلند ما افغانستان اکثریت قریب به اتفاق مردم طی سده ها و هزاره های متمادی در تحت شرایط ناگوار و ضد انسانی که از مناسبات ناهمگون و غیر عادلانه اجتماعی و تسلط دولت های جبار و ضد مردمی رنج می کشیدند، فقر، مرض، بیسوادی و بی خانمانی بیداد می کرد و خلق عمداً در تاریکی و جهل نگه داشته می شدند، حزب دموکراتیک خلق افغانستان چون ستاره رهنمای مردم در آسمان کشور ما پدید شد و راه طرد آن شرایط را علما و عملا در برابر خلق گذاشت و پیوسته آنها را برای کسب پیروزی نهایی بسیج و آگاه می ساخت. بالاخره در ثور ۱۳۵۷ یوغ جباران و ستمگران شکست و فرو غلطید. انقلاب ثور چون آفتاب درخشانی قلب و جان زحمت کشان و وطن پرستان را گرم کرد و ظلمت ناشی از حاکمیت طبقات جبار حاکمه را محو نمود و دست ستمکاران را از دامن پاکی وطن و مردم کوتاه ساخت. با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور نه تنها طبقات حاکمه ستمگر داخلی بلکه متحدین جهانی شان را نیز به یزمت جهانی، ارتجاع بین المللی و منطقه و دیگر مر جعین را نیز از حلقه ملت مردم افغانستان محروم نمودند لذا همه یکدست علیه انقلاب ثور مردم افغانستان قرار گرفتند و با آله دست قرار دادن حفیظ الله -

انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالیسم و ضد امپریالیستی ثور که بر رهبری علمی و عاملانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه کارگر و همه زحمت کشان وطن» و به یاری و دلاوری اردوی قهرمان و با اتکاء به پشتیبانی با الفعل و بالقوه مردم باشپاهت افغانستان به پیروزی رسید نه تنها راه نوین و انقلابی را در برابر مردم و وطن ما برای شگوفائی و خوشبختی گشود، بلکه بشکل همه جانبه زمینه اتحاد و همبستگی و یکدلی همه مردم را نیز مهیا گردانید آری پیروزی انقلاب شکوهمند ثور صفحه گشای یک حیات نوین را باز نمود.

در جوامع طبقاتی منجمده افغانستان (قبل از انقلاب ثور) طبقات حاکم تمام نعمات مادی جامعه را به خود و در خدمت خود قرار داده و طبقات مؤلده و زحمت کش چون کارگران، دهقانان و سایر زحمت کشان هم چون بردگان و مزدوران در بند کشیده شده صرف به خاطر آنکه زندگی بمانند کار می کنند و تلاش می ورزند، ولی این شرایط پایا بی ملایم ندارد زیرا طبقات زحمت کش درک می کنند که مؤلده اصلی نعمات جامعه آنها هستند و طبقات حاکم مفت خوارانی بیش نیستند لذا تحت رهبری حزب پیش آهنگ مرفقی و انقلابی خویش به مبارزه بر می خیزند، راز موفقیت این طبقات و اقشار دموکراتیک در پهلوی

یکسال در یکے

تعالی و ترقی مردم زحمت کش و مسلمان افغانستان دعا کردند .
۲۸- اسد :

شصت و یکمین سالگرد استر داد استقلال افغانستان آزاد و مستقل در سراسر مین عزیز تجلیل گردید .

سعید فطر را در عید گاه ما و مساجد جامع مرکز و ولایات کشور در فضای نهایت آرام اخوت اسلامی ادا کردند و از بارگاه خالق بی نیاز ترقی و تعالی افغانستان عزیز را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آرزو برده دشمنان وطن و انقلاب را سر نگویند و سر سار خواستند .

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ۹ قبل از ظهر روز ۲۱ اسد نماز عید سعید فطر را به امامت قاری محمد عمر در مسجد مقر شورای انقلابی ادا نمودند و برای

دموکراتیک زنان افغانستان در تالار لسه استقلال نمایش یافت .

یکهزار و چهار صد و سیزدهمین سالگرد نزول قرآن عظیم الشان این کتاب آسمانی بعد از افتار از طرف پوهنهی شرعیات پوهنتون کابل بایرگزاری محضی در ادیتوریم پوهنتون تجلیل گردید .

هموطنان مسلمان و متدین ما در سر اسر کشور روز ۲۱ اسد حلول عید سعید فطر را با سرور و شادمانی استقبال نموده و نماز عید

ختم های قرآن عظیم الشان در ضمن نماز تراویح که شام اول ماه مبارک رمضان دوه مسجد شهر و حومه کابل آغاز شده بود شام ۳۱ سرطان پایان یافت .
هزاران نفر از شهر یان کابل درین ختم ها اشتراک داشتند در پایان ختم کلام الله مجید برای رفاه و آسایش مردم متدین و مسلمان افغانستان و شگوفانی مین عزیز در تحت رهبری حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان دعا نموده و از خداوند بزرگ استدعا نمودند تا دشمنان انقلاب و خاک مقدس کشور مانیت و نابود گردند .

...

پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بتاریخ اول اسد ۱۳۵۹ دایر گردید .

درین پلینوم بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره وظایف حزب و دولت به خاطر تشدید مبارزه علیه نیرو های ضد انقلاب و تقویه قوای مسلح و نیرو های امنیتی دولتی و نظامی اجتماعی بیانیهای ایراد کردند .

...

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قبل از ظهر ۱۳ اسد در جلسه فالحین حزبی شهر ولایت کابل که پیرامون تطبیق تصامیم تاریخی بزرگ و پیراهیت پلینوم سوم کمیته مرکزی در محیط سرشاد و روح رفاهت همبستگی و وحدت خدشه ناپذیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور در تالار سلامخانه مقر شورای انقلابی دایر گردیده بود اشتراک ورزیدند .

۱۸ اسد :

بلاقرات پیام بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان نخستین سیمینار تربیوی برای بالا بردن سطح دانش اعضای سازمان



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو تمیکه بیانیه شانرا به مناسبت شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور عزیز و محبوب ما افغانستان از طریق رادیو تلویزیون ایراد می نمایند .

هفت

سو مین جلسه شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان مطابق ماده سی و هشتم
اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان
ساعت چار و نیم عصر سی و یکم سنبله ۱۳۵۹
در مقر شورای انقلابی تحت ریاست ببرک کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و
صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر
گردید.

اول میزان:

کنگره موسس اتحادیه هنرمندان جمهوری
دموکراتیک افغانستان ضمن مراسم باشکوهی
در تالار کابل ننداری افتتاح گردید.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
ح ۱۰، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم

جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲ میزان
یکمده از روسای هیات های سازمان های جوانان
دموکراتیک کشور های مختلف جهان را که
جهت اشتراک در کنفرانس سر تاسری سازمان
دموکراتیک جوانان افغانستان و ایران همبستگی
با افغانستان انقلابی به کابل آمده بودند در مکر
گلخانه پذیرفت در این ملاقات نمایندگان چهل

و چهار سازمان ملی از سراسر جهان و پنج
سازمان بین المللی جوانان اشتراک ورزیده بودند.
د میزان ۲:

د افغانستان دموکراتیک جمهوری و شوروی
اتحاد تر مینځ د افغانستان د خلک دیموکراتیک
گونه د مرکزی کمیته د تولیزو علومو دانستنیوت
دودانو د جوړولو موافقه لیک د افغانستان
د خلک دیموکراتیک گونه د مرکزی کمیته په
مقر کی لاسلیک او سندونه یی یو بل ته ورکړ
شول.

۸ میزان:

اولین پلیتوم شورای شهری اتحادیه های
صنعتی شهر کابل طی مراسمی در تالار اتحادیه
های کارگری افغانستان بر گزار شد.

۱۳ میزان:

کنگره موسس اتحادیه نویسندگان و شعری
جمهوری دموکراتیک افغانستان طی مراسمی
بایغش سر دملی جمهوری دموکراتیک افغانستان
در تالار لیسه استقلال گشایش یافت.

۲۲ میزان:

موزیم ملی افغانستان بعد از یک دوره غم
اتکیز رکود مجددا در عمارت سابقه آن واقع
دارالامان افتتاح شد.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس
شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان بنابه دعوت کمیته مرکزی حزب
لغلا ورق بزیید

دوش جوانان ارگان کمیته اجرائیه سازمان
دموکراتیک جوانان افغانستان روز ۱۹ سنبله
انتشار یافت.

کنگره موسس اتحادیه ژورنالیستان جمهوری
دموکراتیک افغانستان قبل از تاسر
۲۴ سنبله ضمن مراسم ۱ سم با شکو هی
در تالار موسسه صحت عامه افتتاح گردید.

د سنبله ۳۱:

دوات دبانگو نوله لاری دوطن پلاستیک له
فابریکی سره سپر کال خه نا خه شپيته ملرونه
اړونی مرسته کړیده.

پلو سره په کابل کی پای ته ورسیده.

پتاسی از مصوبه بیروی سیاسی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
راجع به تطبیق مواد کنفرانس ارتقاء موثریت
فعالیت وزارت خانه ها، ادارات و موسسات
د و لسی روز ۱۲ سنبله سیمینار
روسا آمرین موسسات، پروژه هیا
ونصدی های وزارت معادن و صنایع توسط
وزیر معادن و صنایع افتتاح گردید.

روز بین المللی سراد ۱۷ سنبله طی محافل شاندار
در سراسر کشور تجلیل گردید.

ژمون د پښتو او پښتو وړو وړو ملي ورځ
سنبله ۹ په کابل او هیراد د ولایاتو په مرکز
نوکی د څنگر وټو ګډو په ورځ کی ونه اخل شوه.

د سمنه ښی ورځ د سنبله په یوولسمه نېټه

د افغانستان د خلک دیموکراتیک گونه د مرکزی
کمیته ارگان (حقیقت انقلاب نور) لومړنی ګډه
خپره شوه.

د سنبله ۱۲:

دهواد دنامتو عالم دختیج دستراو یوه حکیم
سیخ رئیس بلخی اوعلی سینادزی بدنی دوزم
کال علمی سیمینار دپریکړه لیک په صادر



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان هنگام ملاقات با خان عبدالغفار خان مبارز نهضت آزادی بخشمی و د هیر بزرگ پښتون ها.



ببرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب د هو کرا تیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه با یگنده از مردم ولسوالی خلم ولایت سمنگان مصافحه می نمایند .

در دوران این مذاکرات که در یک فضای

مذاکرات رسمی بین جمهوری دموکراتیک صمیمانه دوستانه و تفاهم متقابل صورت

گرفت روی مسائل اساسی روابط افغانستان

و اتحاد شوروی تبادل نظر به عمل آمد

وانکشاف پیروزمندانه و عثمرا این روابط بر مبنای

لیستی روز چهارشنبه ۲۳ میزان در راس

یک هیات عالی رتبه حزبی و دولتی برای یک

مسافرت رسمی و دوستانه به اتحاد شوروی

لیستی روز ۲۴ میزان در قصر کریملین در

مسکو صورت گرفت .

یکسال در یک هفته

کمونست اتحاد شوروی هیات رئیس شورای

عالی و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست

عزیمت کردند .



ببرک کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه سو میسن جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را افتتاح می نمایند .



یگسال در یک هفته

معاهده دوستی حسن همجواری و همکاری میان دو کشور متعقد سال ۱۹۷۸ ابراز وضاحت عمیق شد *

دیزان ۲۷ :

دلولی اختر لومری نیکمرغه ورخ او زمون مسلمانواو خپلواکو خلکو په دیره خوښی او خوشحالی داختر د نیکمرغو ورخوهر کلی وکړ *

د ملگرو ملتو د موسسی د جوړیدو پنځه دیرشمه کالیزه د عقرب لمړی نیټه په هیواد کسی ونمانځله شوه *

د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل شوروی اتحاد ته له یورسمی او دوستانه تاریخی سفر څخه وروسته د عقرب ۱۴ نیټه په خیر سره گران وطن ته راستون شو او د هیواد دلس گونوزرو تنو زیارکینو وطنواو لو لخوا یی له لوولو ډکاوی ساری هرکلی وشو *

د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس اوصدراعظم ببرک کارمل د عقرب ۱۶ نیټه له غرمی وروسته په یوه بچه په هغه درنده غونډه کی برخه واخیسته چی دافغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی د افغانستان د دیموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا او وزیرانو شورا او افغانستان او شوروی اتحاد دوستی د ټولنی له خوا داکتوبردستر سوسیال

لیستی انقلاب ددوی شپټمی کالیزی دنمانځلو له امله د کابل ننداری په تالارکی شوی وه *

هیات مدیره بانک انکشاف زراعتی تحت ریاست عبدالوکیل وزیر مالیه وریس هیات مدیره با نک روز ۱۹ عقرب ۱۳۵۹ د رعمارت با نک تشکیل جلسه دادهو بعداز غور وبردسی راپور های هیات عامل ، هیات نظار داخلی وادیتوران بین المللی بیلانشیت و صورت حساب نفع و ضرر سال

۱۳۵۸ آن بانک را منظور و تصویب نمود *

نخستین کنفرانس شورای شهری نمایندگان زنان شهر کابل تحت رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بغاظر تشکل زنان افغانستان درامر دفاع از انقلاب و مردم بعداز ظهر ۲۸ عقرب ۱۳۵۹ د رادیتوریم لیسه اهانی دایر شد *

کنفرانس بزرگ وبا عظمت سرتاسری زنان بقیه در صفحه ۴۹



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه یکعده از روسای هیات های سازمان های جوانان کشور های مختلف جهان را در قصر گلخانه پذیرفته وبا آنها صحبت مینماید *

سلسله گفت و شنود ها و نشست های اقتصادی ژوندون در میزبان

يك بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

علل کمبود و گرانی مواد سوخت در شهر کابل

دشواریهای خانواده ها به این سبب

و کاوش راههای حل و عملی این معضله

به جدل می آورد که خوش بختانه علی الرغم همه سنگ اندازی ها و تلاش گسترده دشمنان انقلاب اقدام بموقع دولت مشکل کمبود و گرانی چوب سوخت را از میان بر داشته و خانواده ها را از نگرانی وارهال نیده است .



حشمت او رنگ معاون کمیته ولایتی کابل

در این جدل این اشخاص شرکت داشتند :

- ۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل
- ۲- محرم علی معاون شاروالی کابل
- ۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره میاشت
- ۴- دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلی ملی موسسه
- ۵- دیپلوم انجنیر عبد الستار صافی رئیس برق کابل
- ۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل
- ۷- دگر من او کان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی
- ۸- دیپلوم انجنیر محمد قاسم پوپل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
- ۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی
- ۱۰- انجنیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ
- ۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخنیک ریاست انحصارات دولتی
- ۱۲- عبد الله بشیر شور «به نمایندگی از خانواده های کابل» و برخی از اعضای گروه مشورتی ژوندون

یاد داشت گونه یی به عنوان پیشنهاد

مشکلات ترانسپورته در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است .

بدون شك هر دشواری راه حلی كند و چگونه عمل كنند كه ساده دارد و مشکل انرژی هم . ترین راه های حل ممكن در زود اما این مشکل را باید کدام يك ترین فرصت ممكن به تطبیق آید ؟ از ارگان های مسوول حل ژوندون این تنها هفتگی نامه همه

خانواده های کشور که تاکنون نیز اما از آنجا که باید مساله به عمیق ترین ، اساسی ترین و صورت اساسی ریشه یابی گردد و دشوار ترین مسائل زندگی خانواده از همین اکنون اقداماتی به اجرا آید ها را در بوته نقد و انتقاد قرار که در سال های آینده به مرور داده و با راه اندازی جدل های تمامی مشکل محروقاتی راه حل باید و تعویض انرژی نیاز ما را به يك میز گرد آورده و به طرح و قطع درختان از میان بر دارد ، این بررسی و انگیزه یابی و راه حل جویی دشواری مورد بحث پرداخته اینك يكبار دیگر این مشکل همه خانواده های شهر را در شرایطی نفت و گاز برق ، ترا نسپورت و



گوشه‌یی از میزمدور ژوندون پیرامون علل کمبود وگرانی مواد سوخت در شهر

ایستگاه خانواده‌ها

لطفا دست نگه‌دارید، ورق‌نژید!

به شما خانواده‌ها، به شما که تاکنون نتوانسته‌اید مواد محروقاتی مورد نیاز خود را تهیه کنید و بد شما که در آستانه زمستان و با احساس سوز سرما، به یاد یخندان سال پیش می‌افتید دردمسزده می‌دهیم که این مشکل در اثر توجه دولت انقلابی و مردمی شما مرفوع گردیده است

معذالك برای خانواده‌های محترم با این گام نافع دولت اذین با بت دیگر گندام نگرانی باقی نمی‌ماند.

ژوندون این تنها مجله هفتگی خانواده‌های کشور با ارج گذاری به خواست شما باز هم پیش گام و پیش آهنگ به انجام رسالت نشراتی خود پرداخت و با دایر ساختن يك گرد هم آیی با شرکت تمام مسؤولان سازه‌انها و ارگانهای مربوط به موضوع، دشواری فرا رسیدن سرما و مساله نیاز مندی مواد محروقاتی را به طرح آورد و از آن نتایج سودمند گرفت ما از شما دعوت می‌داریم این جدل جالب را دنبال کنید و با ارائه نظریات پیشنهادات و انتقادات خود، همیشه سپاسگزاران سازید.

ما باز هم نظرات شما را با مسؤولان امور در میان می‌گذاریم و میکوشیم طرح‌های عملی و تطبیقی در شرایط کنونی زمینه پیاده شدن به عمل آید.

یکبار دیگر از شما - از فرد فرد شما - از همه خانواده‌ها به خاطر علاقه‌شان به این مجله و این سلسله جدل‌ها متشکریم.

آدرس ما این است: انصاریات - مطبعه دولتی، مجله ژوندون

مشکلات ترا نسپورتی در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است

• • •

نمایندگان ادارات دیگری که به نحوی با موضوع زیر بحث رابطه دارند، میکوشند زمینه مطالعه و بررسی موضوع و طرح راه‌های حل عملی و تطبیقی را فراهم آورد.

یکبار دیگر از فرد فرد خواننده مشکل‌پسند ژوندون و از همه خانواده‌هایی که ما را در پیشبرد موقف فعلی نشراتی مان مشوق می‌گردند سپاس داریم و باز هم در انتظار نظرات، انتقادات و پیشنهادات تازه و جالب شما می‌باشیم.

• • •

را حله راسخ خرمی مدیر مسؤول هفتگی نامه خانوادگی ژوندون

بقیه در صفحه ۱۹

مسایل

سیاستی و اجتماعی، فرهنگی و

هنر، نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها

شاعری از فلسطین

ابوسلما (عبدالکریم الکریمی)



بخاطر فلسطین و برای رسیدن به پیروزی فلسطینی ها چه کسی که جان خود را از دست نداده اند. مبارزه کرده اند، ولی باز هم ندای آزادی و پیروزی در این نقطه جهان خفه نشده است. ندای آزادی در این جای بیشتر از دیروز زانکاس می کند و همه گیر تر میشود و برای صهیونیست ها مسجل می شود که دیگر نمی توانند از مسئله فلسطین رو بگردانند.

ابوسلما از شمار شاعران شناخته شده ادبیات فلسطین است. او مانند سایر همستگرا ن راه آزادی فلسطین چون عنان کنفانی پیروز مند از محک آزمایش تاریخ بدرآمده و لحظه ی نخواستنه است خلق فلسطین بی هدف بزیته.

ابو سلما در سال ۱۹۰۹ در تو لکریم فلسطین به دنیا آمد. پدرش سمید الکریمی نام داشت. تحصیلات ابتدایی اش را در تو لکریم به آغاز گرفت و تحصیلات اش را در شهر دمشق (سوریه) ادامه داد.

در سال ۱۹۲۷ بحیث استاد ادبیات در دیور شلم بکارش شروع کرد و در این زمان بتحصیل حقوق پرداخت و درین سالها دوست دیرینش

ابراهیم توکان را ملاقات کرد.

این ملاقات در زندگی و کارهای

ادبی وی تاثیر خیلی ارزنده داشت. از او اشعار و مقالاتی در روزنامه ها و مجلات عرب و فلسطین بنشر رسیده است. که بعدا او پرکارترین

نویسنده فلسطینی عنوان شد. ابو سلما مجددا در سال ۱۹۲۹ بادیو

منتشیرا هیم توکان که حالا بر گرداننده برنامه های رادیوی عرب

در دیور شلم بود پیوست. ابو سلما شاعر و انقلابی گرانمایه

فلسطین است در اشعار او بخش های مختلفی از زندگی خلق فلسطین یعنی

جریان آوارگی شده نومبارزه برای بازگشت به فلسطین، عملیات وحشیانه دولت تروریست اسرائیل

و نهایت پیروزی خلق فلسطین به بختگی تصویری گشته است. او بنا

امیرا لیسیم، فاشیسم و صهیونیسم این دشمن مشترک را جها نیان سخت

در نبرد است. او میداند در این نبرد آشتی ناپذیر او نهانیست، همه انسانهای صلح طلب و بشر دوست

در این مبارزه بزرگ با ابو سلما ها و کنفانی ها همستگر اند. این مبارزه

مبارزه حق بر باطل است و حق نیست داعیه فلسطین را بدرستی اش مسجل

می کند. در اشعار زیبای او چهره

تبعید شدگان و آوارگان که بحکم

ظلم و تعدی و وحشت از وطن شان

رانده شده اند نقش خوبی یافته است.

و نهایت پیروزی خلق فلسطین به

بختگی تصویری گشته است. او بنا

امیرا لیسیم، فاشیسم و صهیونیسم این دشمن مشترک را جها نیان سخت

در نبرد است. او میداند در این نبرد آشتی ناپذیر او نهانیست، همه

انسانهای صلح طلب و بشر دوست در این مبارزه بزرگ با ابو سلما ها

و کنفانی ها همستگر اند. این مبارزه مبارزه حق بر باطل است و حق نیست

داعیه فلسطین را بدرستی اش مسجل می کند. در اشعار زیبای او چهره

تبعید شدگان و آوارگان که بحکم ظلم و تعدی و وحشت از وطن شان

رانده شده اند نقش خوبی یافته است.

و نهایت پیروزی خلق فلسطین به بختگی تصویری گشته است. او بنا

امیرا لیسیم، فاشیسم و صهیونیسم این دشمن مشترک را جها نیان سخت

در نبرد است. او میداند در این نبرد آشتی ناپذیر او نهانیست، همه

انسانهای صلح طلب و بشر دوست در این مبارزه بزرگ با ابو سلما ها

و کنفانی ها همستگر اند. این مبارزه مبارزه حق بر باطل است و حق نیست

داعیه فلسطین را بدرستی اش مسجل می کند. در اشعار زیبای او چهره

تبعید شدگان و آوارگان که بحکم ظلم و تعدی و وحشت از وطن شان

رانده شده اند نقش خوبی یافته است.

ابوسلما بزودی از عهده اش باز

نشسته شد و در حقیقت دفتر محاکمات

گشود و کارش را تا سال ۱۹۴۸ و شروع تراژدی فلسطین ادامه

داد. این سو سلما سنگر مبارزه قلم را هیچگاه رها نکرد. از

سال ۱۹۴۸ به بعد در سوریه مسکن گزید و دور از میهنش به هنر و ادبیات

عمیقانه رو کرد. سه مجموعه شعر (مهاجر) در سال

... عشق تو در من نمی میرد وطن من

الهام او در چکامه هایش همان کودکان گرسنه و بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان گرسنه در

کرد.

مجموعه شعر (مهاجر) که در سال ۱۹۵۳ از چاپخانه پر آمد میشود گفت که از بهر رین اشعار حماسی و انقلابی او است. که این کارنامه های او مردم اش را در شناسایی صهیونستان این غا صیان آزا دی کمک کرده است. در مجموعه الهام من فلسطین او با هر چه نوآوری دگرگونی و تحرك است همپا میشود و میتوان این خصوصیات را در آنها به آسانی لمس کرد.

او میداند در دنیا ی شکفتن و شکفتنی هازندگی میکند. و از این جا ست که در اشعارش بویندگی، تلاش، و تقلا رنگ میگیرد. او به شکفتگی و تکامل سخت معتقد است و لحظه ای درنگ نمیکند و تو قف و باز گشت را گناه میدانند و به پیشروی سازنده ادامه میدهد. او در سال ۱۹۷۸ جا یزه مجمع ادبی نو یسنه کان آسیا - افریقا را از آن خود ساخت.

بلکان نور، آنها آینده شانرا و خاک شانرا با خود خواهند داشت. او نیم قرن تمام برای مردم اش شعر سرود. و آنها را در برابر دشمنان میهن بسیج

سند و بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان گرسنه است اما فردا از آنهاست فردا، عروج شتابناک و

۱۹۵۳، (ترانه های میهنم) در سال ۱۹۵۹ و (فلسطین الهام من) در سال ۱۹۷۱ از او منتشر شده است. الهام او در چکامه هایش همان کودکان گرسنه



ترجمه : خان محمد کواری

ویتنام در قلب ما جا دارد

مردم قهرمان ورزم جوی ویتنام پیوسته دوتلاش و بهسازی کشور محبوبشان اند.

راه ها و تاسیسات زراعتی کمک نموده اند. کارگران اتحاد شوروی از مسکو، منسک والگا، نراد و کیف و غیره شهرها و اطراف اتحاد شوروی فرمایشات ویتنام را اجرا کرده و حقوق روزهای رخصتی (روزهای شنبه یا سبوتنیک ها) خود را به خواهران و برادران بقیه در صلحه ۴۰

برجسته زندگی ماست، با اطمینان می نواد گفت که حتی یک نفر هم در اتحاد شوروی وجود ندارد که درین احساس عمومی شریک نباشد. دوکتوران، استادان، انجینیران، کارکنان زراعتی و کارگران ساختمانی اتحاد شوروی مردم ویتنام را در امر اعمار و تاسیس فابریکه ها و مکاتب شفاخانه ها، استیشن های برق

سی و پنج سال قبل بتاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ دولت مستقل جمهوری دموکراتیک ویتنام در نقشه سیاسی جهان پدید آمد. اگر از هر کسی در اتحاد شوروی بپرسید که ویتنام برای او چه معنی دارد، او به یقین خواهد گفت که ویتنام کشور شجاع و ملت آن مبارز و زحمت کش و ساعی و دوستان وفادار ما و شریک ما در مبارزه بغاطر صلح و سوسیالیسم می باشد. همبستگی با ویتنام یکی از خصوصیات

خبرنار عبدالله «محب حیرت»

موضعگیری زنان

در مجامع

بین‌المللی و امور جهانی و موقف

شان از نگاه منشور ملل متحد



اشتراک زنان در مجامع بین‌المللی و سمینارهای مختلف مربوط به ارگانهای ملل متحد .
در تثبیت مقام زن نقش اساسی دارد .

پس منظر موضوع :

«کارهای شبانه زنان کارگرمایه» در حقیقت تداوم کار گزایندهای «جامعه ملل سابق» می باشد که در سال ۱۹۴۸ از طرف «موسسه» ملل متحد، بر بعضی محتوای آن تجدیدنظرهای بعمل آمد . زیرا با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تنها در حدود ناصفه دول جهان مصونیت فردی و آزادی زنان را مزید برگذاشته حمایت و تأکید کردند .

زیرا از ورا ی نشرات متعدد ملل متحد چنین استنتاج شده است که :

یکی از مفاصل براننده ملل متحد به‌وجه منشور آن، موضوع تساوی حقوق زن و مرد اعلام گردیده است . چنانچه برای تقییب و تطبیق این منظور در اوایل سال ۱۹۴۶

مجلس اقتصادی و اجتماعی ملل متحد کمیسیونی را جهت رسیدگی بوضع و موقف سیاسی اقتصادی ، اجتماعی ، مدنی و تعلیمی زنان کشور های جهان بشمول مناطق غیر آزاد تعیین نمود تا برای اعطای تبعیض و اختلافات میان تبهی تجاویز مؤثری را اتخاذ کند و زمینه را برای پیشرفت زندگی ، تثبیت مقام و موقعیت انسانی آنان فراهم سازد . از آنوقت تاکنون کمیسیون هجده‌عضوی مذکور سالانه

مساله تساوی حقوق زنان با مردان و وهایی آنان از زیر بار های طاقت فرسای مظالم گونه در اواخر قرن نژده و اوایل قرن بیست مورد توجه برخی کشور ها و مجامع بین‌المللی قرار گرفت ولی چند سال بعد از جنگ عوومی اول با تأسیس «جامعه ملل» این موضوع بیشتر شکل رسمی و قاطعی را پیدا کرد . بطور مثال :

در سال ۱۹۳۵ اقتصاد کنوانسیون عدم استغنام زنان در کار های زیر زمینی توسط موسسه بین‌المللی کار و در همین سال مطالبه سر منشی جامعه ملل در مورد وضع مقرراتی مبنی بر «تثبیت و حمایت اساسنامه حقوق نسوان» که در سال ۱۹۳۷ مورد تأیید و پذیرش افتا نستان نیز واقع شد از جمله اقدامات زیربنایی این موضوع برنمرده می شود .

سپس در سال های ۳۸-۱۹۳۹ کنوانسیون نمبر (۴) و (۴۱) پیرامون «حقوق شبکازی زنان» و تعیین اجرت های عادلانه در برابر هر ساعت کار ، کنوانسیون نمبر (۱۰۰) و توصیه نامه نمبر (۱۰) راجع به مزد مساوی برای کارگران ذکور و ناث، کنوانسیون نمبر (۸۹) راجع به

مردانند . مذكلك هنوز هم چند كشورى وجود دارد كه به زنان حق انتخاب كردن يا انتخاب سدن را نداده اند يا اينكه از آنان حين تقاضاى اشتغال كار در دواير خدمات عامه ، شرايطى مطالبه مى نمود كه مقابل مردان آن شرايط وجود ندارد .

حقوق سياسى زنان :

بگفته همین منابع اطلاعاتی چنین برمی آید که جنبه دیگر پروگرام کمیسیون، کاریست که در همه موقعیت زنان مناطق غیر آزاد انجام میدهد . در مورد مناطقی که تحت قیمومیت ملل متحد قرار دارند و هم مناطق فاقد حکومت خود مختار می باشند به مجلس قیمومت سر منشی گزارشهای ارائه می شود و کمیته اخذ اطلاعات موضوع راجع غور و مداخله قرار میدهد و نگاه راجع بگونه موقف زنان در سرزمینهای مورد نظر به کمیسیون زنان هم سالانه راپوری توسط آن کمیته احاله می گردد .

سپس «کمیسیون مقام زن» در سال ۱۹۴۷ طی نخستین جلسه بحث یکی از غایب های اساسی وعده خود برابری کامل تمام حقوق مدنی را بدون کدام تبعیض و ملاحظه ملیت، نژاد ، زبان یا دین توصیه نموده و حقوق مربوط به ازدواج، وصایت، صلاحیت قانونی مسکن و وطن را ترتیب و تقسیم کرده است .

در یکی از نشرات ملل متحد که پیرا مون بهلوهای مختلف اقدامات آن موسسه روشنی افکنده شده است در باره «حقوق سیاسی زنان» چنین مطالبی را ارائه کرده اند: چون حقوق سیاسی ناوای اهمیت حیاتی است لذا کمیسیون در پروگرام کار خود این مساله را زیاد ترجیح داده است . با اثر تقاضای این کمیسیون ، اسامیله عوومی در سال ۱۹۴۶ بهمه دول عضو توصیه نمود تا برای زنان هم عیناً مثل مردان حقوق سیاسی مساویانه داده شود . از آن وقت بهمد کمیسیون مذکور هر سال موقعیت سیاسی زنان را از نظر حقوق ملی شان نیز تجدید نظر نموده و تحولاتی را که در زمینه تساوی حقوق زن با مرد صورت گرفته باشد ، مطالعه می کند . تاکنون بیش از یکصد و بیست و پنج مملکت برای زنان حق رای دهی و انتخاب رادر دواير عامه داده است و متبائی کشور هادر حال بررسی و مطالعه موضوع میباشند تا آنرا مطابق شرايط اجتماعى و محیطى خویش وفق دهند و سازگار



از نگاه شعایر ملل متحد و محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر حق اجتماع زنان با مردان

یکسان ارزیابی شده است .

ژولون

نخستین سیمیناری که تحت پروگرام خدمات مشورتی در زمینه بشر در سال ۱۹۵۵ صورت گرفت بر موضوع مسوولیت های مدنی زنان آسیا و اشتراك شان در حیات اجتماعی غور کرد. همچنان در سال ۱۹۵۹ عین چنین سیمیناری درباره زنان امریکای لاتین در بوکوتا پایتخت کولمبیا دایر شد. سیمینار سوم دوی همین مساله به سال ۱۹۹۰ در ادیسه بابا مس کز ایتو پیای امر و ز و حبستان آنروز منعقد گردید و راجع بدین موضوع از نظر ممالك آزاده غیر آزاد افریقای بحث کرد. پروگرام خدمات مشورتی در قسمت حقوق بشر شامل فیلوشپها، سکانر سپا و سیمینار ها ست که باتر درخواست حکومت مستقل مساعدت می گردد.

حقوق خانوادگی و تملک :

بتاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۶۰ کمیسیون مقام مزن جلسات خود را پیرامون حقوق سیاسی و مدنی زنان و موقف آنان از لحاظ قوانین خصوصی و خدمات مشورتی بر حقوق بشردو یونس آیرس دایر نمود و با اتخاذ چندین تصمیم ، حداقل سن ازدواج را برای زنان پانزده سال تعیین کرد. در سال ۱۹۶۱ که با پانزدهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد مصادف بود موضوع « ترقی و پیشرفت زنان » هم طرف مطالعه و غور فرا گرفت و میناق جهانشمول و بر محتوایی ترتیب گردید و سه

بفیه در صفحه ۴۰



عده ازدو شیزگان و زنان ایتویایی (حبستان سابق) دریک فابریکه نختابی و نساجی واقع ادیس بابا مصروف کار اند که به کمک باند جهانی ملل متحد تمویل و تقویت شده و تحت نظر متخصصان ملل متحد فعال گردیده است .



حق توطن و مسکن آزادیکی از اهداف منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر است که در پهلوی همه خواستهای انسانی حق تملک قانونی نیز برای زن و مرد مساویانه تاکید شده است .



در پروژه های شهرسازی و مسکن که بعضا از طریق بانک بین المللی تعمیر مجدد و انکشاف (دبلیو-بی) ملل متحد تمویل و امداد میشود، متخصصان و مشاوران آن مؤسسه شامل زنان و مردان نیز همکاری می کنند .

کمیسیون بژودی موضوع تعلیم و تربیت سیاسی و مدنی زنان را بخصوص در کشور هاییکه آنجا زنان از حقوق سیاسی محروم اند و اینکه تازه به آن حق سیاسی خویش نایل شده اند، تحت غور و مطالعه قرار داد.

یکی از زنان معروفیکه در مجمع بین المللی به نفع جامعه نیوان نقش قابل ملاحظه را بازی کرده است میرمن «وجا بالکشی پندت خواهر «جواهر لال نهرو» صدراعظم هندوستان می باشد که در سال ۱۹۴۸ باری بیث نخستین سفیر کبیر کشور خود را در مسکو پایتخت کشور شوروا ها تعیین شدو سپس در سال ۱۹۵۳ به مدت یکانه و اولین زن آسیایی در جهان، بریاست هشتمین جلسات عمومی سازمان ملل متحد بر گزیده شدو از حقوق زنان هم بار بار و بسیار دفاع کرد. مطابق پالیسی های مشخص و طرح شده

در یکی از فقرات «مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر» مصوبه سال ۱۹۴۸ اسامبله عمومی که بعد از «مقدمه منشور ملل متحد» تنظیم و بخش گردیده است ، به ارتباط نامین تساوی «حقوق مرد و زن» و تثبیت موقف آن دو گروه همپایه همدیگر چنین آمده است :

«از آنجا که مردم ملل متحد عقیده خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن، مجددا در منشور اعلام کرده اند ، تصمیم راسخ گرفته اند تا به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزادتر وضع زندگی بهتری را بوجود آورند .

در همین سال طی سومین جلسات اسامبله عمومی ملل متحد تحت ریاست «مادام روز-ولت» نخستین زنیکه در جهان بیث رئیس مجمع عمومی بر گزیده شده بود، مواد «اعلامیه حقوق بشر» مورد تجدید نظر قرار

گرفت . بعدا کمیسیون مقام زن در باره حقوق سیاسی زنان میناقی را تهیه و تدوین کرد که در ماه دسامبر ۱۹۵۱ از طرف اسامبله عمومی تصویب گردید و در سال ۱۹۵۳ برای اعضاء باز گذارده شد . این میناقی برای زنان حق میدهد تا همپایه مردان در انتخابات شرکت کرده و خود هم انتخاب شوند و در موسسات اجتماعی ممالك شان مقامات اداری و اجتماعی را چون مردان بدست آورند . لیکن حقوق سیاسی بدون اینکه قابلیت استفاده بفرده و عاقلانه از آن موجود باشد ، کافی نبود و نیست .

مادر

نوشته بر تولت برشت

فهرست اخیر

ترجمه دكتور نجيب الله يوسفى

بر تولت برشت

در طول تاريخ جوامع بشرى ، در نبرد حق و باطل و بالاخره در
بيروزي مبارزات طبقاتى قلم نويستندگان هميشه نقشى موثرى
داشته است. هنرمند و نويسنده متعهد ، به خاطر دفاع از منافع توده
ها و بسيج ساختن اذهان جوان معشرى ، نظر به وظيفه و درك
مسئوليت خویش، هميشه درين راه كار و پيكار نموده است.

به اساس همین درك سياستى و ادبى بود كه بر تولت بر شست
قلمش را در دست گرفت و به ميدان پيكار شتافت و از آنجا بر ضد
فاشيستم جهان سوز ، مبارزه خود را آغاز نموده و در رهاى جهان آزاد ،
به سرودن اشعار پرازش ايجاد و نمايش نامه هاى موثر پرداخت.

نمایش ايو ن بر تولت فرید ر ش برشت بود و به تاريخ دهم فيروزی
سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود . در طول دوره تحصيلات تشی در
رشته هاى فلسفه و طب پو هنتون مونشن (۱۹۱۷) ، به خاطر ضدیتش
با جنگ ، به مبارزه اساسى دست يازيد . اولين نمايشنامه اشى در
سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل در شب)) مورد نمايش قرار گرفت .
بعدا منحيث دراما تورك و رژيسور به كار تياتر پرداخت .

در سالهاى قبل از جنگ جهانى دوم ، هنگاميكه هيتلر براى نابودى
بشرى ، توطئه مى چيد وى بعنوان مخالفش با اين شرايط ، المان را ترك
گفت و روانه سوئيس ، دنمارك ، سوئد (۳۹-۱۹۳۳) ، فنلند ، اتحاد
جماهير شوروى و بالاخره دهسپار كاليفورنيائى ايالات متحده گرديد .
(۴۷-۱۹۴۱)

در سالهاى (۴۹-۱۹۴۸) وى دوباره راه جمهورى ديمو كراتيك
المان را در پيش گرفت و به كمك خانمش تياتر را دوباره در انگشور
پى افكند .

وى در طول دوره زندگى اش (۱۹۵۶-۱۸۹۸) اضافه تر اژسى
نمایشنامه ، يکپزار و سه صده پارچه شعر و يك سلسله كتابها در
مورد موضوعات روز نوشت .

نمایشنامه زیر که تحت عنوان (مادر) در اینجا پیشکش خوانندگان گرامی
میکردد ، يکى از عمده ترين اثرين نويسنده بزرگ ميباشد .

مترجم

پيش ميكند ... يکى از زنان ديگر همسايه
كه كاسه شوربا را با خود آورده است ميگويد:
شما اصلا دري روزها نان نخوردين ، ايشورواوه
بگيرين و هر وقت كه دلتان خواست گرم كنين
و بخورين *

مادر : باتشكر ميگيرد و ميگويد : شما مردان
مهربانى هستين . همه شما قلب مهربان داريد
تشكر از اينكه به فكر ما افتادين و اينجا آمدين
يکى از زنان همسايه ميپرسد : عكس پاول
پيش شماست ؟

مادر : خير ، هميکى دو قطعه عكس اوره
داشتيم ولي از ترس پوليس همه هره سوزاندم
زن همسايه : كاش افلا عكس اوره به يادگار
ميداشتين ، هر وقت طرفش ميديدن شايد
كه دل تان كمى صبر ميشد *

صاحب خانه : سر خود را شورداده ميگويد:
او جوان بسيار مقبولى بود .
كاش شما اوره كمى نصيحت ميكندين *

مادر : چه نصيحتي ؟
زن صاحب خانه : كه دنبال اينكار مى رفت .
مادر : به نظر ما وظيفه خوده قهرمانانه
انجام داد *

زن همسايه خطاب به زن صاحب خانه : ما
برى شما گفته بودم كه خانم والسوا عقايد
ديگري دارد تا ما شما ...

زن صاحب خانه : اما امشب ، شنيدم كه
شما از غم و غصه جيج ميزدين و گريه ميكندين .
ما صداى بلند شماره شنيديم *

مادر : مره به بخشين اگر مزاحمت ايجاد
كرده باشم .
زن صاحب خانه : شما به بخشين منظوره
از انتقاد شما نبوديد . منظوم اى بوده كه
شما اوره نصيحت ميكندين شايد او امروز
زنده ميبود .

مادر : زنده ؟ ولي چه زندگى ؟ اصلا نمى فهمم
چرا شما اينقدر از مرگ ميترسين پاول از مرگ
نمى ترسيد . او مرگ تدريجى را كه در سرورده
سايه انداخته . ميدي و بخاطر زندگى از جنگال
اى مرگ تدريجى مبارزه ميكند بخاطر مرگ
تدريجى كه شما به طول او علاقمند هستيد .

زن صاحب خانه : به طرف ديگران نگاه
ميكند و همه آهسته از جاهايشان ميخيزند . بعلامت
سرازمادر خدا حافظي كرده ميروند *

مادر تنها به آشپزخانه نشسته و مکتوب
ماتم را به چشمانش ميمايد و آهسته پاول ميگويد
و گريه ميكند *

مرگ فرزند و بختگى سن مادرو ديگران
مبارزه مانع ميشود . او در بستر مريضى
در آشپزخانه معلم است كه خبر جنگ جهانى

مادر : خدا حافظ ، اميلس كه در ديوار آينده
اقلابرت يك لقمه نان تپيه بتانيم .

پاول : فكر شه نكو .. خدا حافظ رها ...
پاول و زيگورسكى از اتاق خارج ميشوند *

معلم خطاب به مادر : خداوند او را محافظت
كند .
مادر به علامت سرازوى تشكر نموده بطرف
ماشين برميگردد . كارگران به كار چايدامه
ميدهند . مادر آهسته با خود ميگويد : اوه
كه اى دقيق چه زود گذشت *

مرگ پاول : پاول در انتاييكه ميخواست
از سرحد فنلند عبور كند . دستگير شده و
تير باران ميگردد *

مادر در آشپزخانه معلم نشسته و خطى را بدست
دارد . اى خط كه از طرف يکى از دوستان پاول
براى مادرش نوشته شده حاوى خبر مرگ
پاول است . او نوشته ميكند :

مادر عزيز : رفيق مبارز ، فرزند شما را بيرحمانه
كشتند . من شاهد اين منظره غير انسانى
بودم او را در حاليكه دست و پايش را زنجير
زولانه نموده بودند بطرف ديوارى كه بدست
كارگران اعمار شده بود فرستادند . عساکر
سپه پاول را نشانه گرفتند و بعد از آن گلوله به
سروروى او ريختند . اين زنجير ، اى زولانه ها و
بالاخره اى گلوله ها همه محصول كارماكارگران
بود كه رفيق ما را بواسطه آن قربان كردند .
سرو گله سه زن همسايه از لای دروازه
نمايان ميگردد ، يکى از آنها كتاب مقدس ، كاسه
آب و لقمه نانسى را به دست دارد .
زنى به نمايندگى از ديگران ميگويد : خانم
والسو ا ، مادر غم شما قلبا شريك هستيم
شما درين حادثه تنها نيستين بلكه همه ده
باشما سه ... دو نفر از زن همسايگان آهسته
ميگريزند *

مادر : بعد از لحظه سكوت ، لظا چاى
بخورين و او پياله چاى را بطرف همسايگان

اشخاص نمایشنامه

شوليتوشكى : دهقان
تيريك : دهقان
توبرايا : نام محله
زيمرووف : خان محله (فئودال)
واسيل : قصاب خان
الكساندروف : همسايه
عيسى : كارگر

زخار : رفيق معلم
تيور : نام دهكده
خانم نيلونا : نام زن علاقمند به جنبش
اوديسه : نام دهكده (محله)
لوشين : دهقان
پيروكود : نام محله
گريفتا : نام محله

ماشا : (خواهر سيسلور كارگر)
خانم كورسونوا : (فروشنده در صحن فابريكه)
كارپوف : نماينده كارگران
سملكين : (پير مرد) كارگر
شالينوف : صاحب ورئيس فابريكه
تيكولاى ايوانوويچ : معلم
زيگورسكى : كارگر

خانم والسوا : مادر
پاول : (كارگر فرزند خانم والسوا)
اندرپچ : ناخود كا : كارگر
ايوان : كارگر
اندري : كارگر
انتون : كارگر
سيسلور : كارگر



را برایش میاورند .

معلم خطاب به داکتر : از روزیکه بپیش مرده اصلا حرکت ده اونیس . منظوم از کارخانه نیس بلکه کارهای دیگی که او انجام میداد .

داکتر : وجود او بسیار ضعیف شده و او نباید از جایش بلند شود شما می‌فهمین که کبرسن و مرگت فرزند

داکتر بعد از گفتن این کلمات می‌رود . معلم به طرف آشپز خانه رفته و به کنار بستر مادر می‌نشیند .

مادر : خوب ، ده اخبار چه نوشته س ؟

معلم : جنگ .

مادر : جنگ ؟ مادر چه موقعیتی هستیم ؟

معلم : تزار شرایط نظامی ده اعلان کرده . چند نفر از رهبران حزب هم دستگیر شده اند و فعلا زندانی هستند . تاحال تنها بلشویک ها بر ضد تزار اعلان جنگ دادن .

مادر : ای خوب شد . اگر تزار شرایط نظامی ده اعلان میکنه و رهبران حزب ده بندی میکنه ما هم باید بر ضد او ، دیگران ره بسیج کنیم و مبارزه ده ادامه بدم . ما باید بوم .

معلم : شما به هیچ وجه از جای تان نباید حرکت کنین . مادر برابر تزار چه کرده میتانیم شما آرام باشین . ما هم که آخرین اخبار امروزه بخرم و ببینم که وضع چطورس

معلم می‌رود و بعد از چند لحظه دوباره وارد اتاق میشود . در اخبار آروز بقم یکی از شعراى انقلابی قطعه شعری در وصف مادر سرودشده و بجاپ رسیده است . متن این شعر :

به افتخار مادر انقلاب

برخیز که حزب در خطر است .

اگر تو می‌ریزی باشی حزب خواهد مرد .

گرچه ضعیفی ولی مارا کمک کن .

برخیز که حزب در خطر است

آیا تردد در توراها یافته است ؟

اگر چنین باشد ، طولش مده

از فرصت استفاده کن

برخیز که حزب در خطر است

.....

برخیز که حزب در خطر است

هر چه زود تر برخیز

گرچه تو می‌ریزی ولی نیروی مایی

مرگ تو ، مرگ ماست

برخیز که حزب در خطر است

برخیل

شماره ۴۱

مادر با خواندن این قطعه شعری پامی خیزد و آهسته آهسته کنترل پاهای ضعیفش را دوباره در اختیار میگیرد . بعد از یک لحظه در هر چه سریعتر می‌رود . در بین شلیک گلوله ها ، در جاده ها ، در خیابانها . شعار میدهد . فریاد انقلابی میکند ناگهان پاهایش از کار می‌افتد . وی آهسته آهسته به طرف زمین می‌رود کارگران به کمک وی می‌نشینند و او را در یکی از خانه های کنار سرک انتقال میدهند .

کارگر اولی : حالش چطورس ؟

کارگر دومی : ای وحشی هازیا در زندنی

کارگر اولی : چطور ؟

کارگر دومی : او در بین مادر حرکت بود ،

کارگر ان را تشویق میکرد . لحظه هم

ساکت نبود . و وقتی که شعار میداد که مرگ

برجنگ وزنده باد انقلاب پولیس ها به

او حمله ور شدند و یکی از آنها با چوبی که در

دست داشت بر پیشانی او آهسته بطرف

زمین رفت

یکی از کارگران با ظرف آب خون سروروی

او را می‌شوید .

کارگر اولی : شما هر چه زود تر باید بخانه

برین والی که اونا شماره بیشتن زندانی خاد

کن

مادر : خریطه ام کجاس ؟

کارگر اولی : ایته ، اینجاس .

مادر : صبر کنید ، در بین خریطه تپانمه

هاس . درین راجع به شرایط جنگ و موقف

ما کارگران چیز های نوشته شده .

کارگر اولی : شما خانه برین ، انتقال چنین

چیزی برای همه خطرناک اس آخرای برای

شما کافی نیس که سرو کله شماره پر خون

کنن ؟ بلکه شما به فکر شنبامه هاستین .

مادر : تغیر . ای درست نیست . شما باید

مطالب ای شنبامه هاره بفرماید ای نادانی ست

که باعث شکست میگردد .

کارگر دومی : خوب ، پولیس ها ؟

مادر : آنها هم ای موضوع ره نفهمیده اند .

کارگر اولی : ما بر ضد جنگ در تمام فابریکات

اعتصاب ربه راه انداختیم . ای اعتصاب از

طرف خائنین به شکست هواچه شد . به نظر

ما پیروزی مانا ممکن است . پس زن ، شما خانه

برین ، هوشیاری خوده از دست تنین ، پیروزی

دیگه ناممکن شده ناممکن ...

مادر : شما یکم تبه ای شنبامه هاره بخوانین

بخوانین و ببینین که در باره وضع فعلی چه نوشته کدیم . آخر یکبار بخوانین مادر سینه ها را به آنها توزیع میکند کارگران جرات گرفتن شنبامه هارا ندارند ، یکی از آنها میگوید و شرایط بسیار حادس و مادر ای وقت نمیتانیم خطر به جان قبول کنیم . مادر : بلی ، اما کمی فکر کنین (بعد به صدای بلند فریاد میکند . آواز او به اندازه بلند است که کارگری مجبور میشود دهان او را به بند د و لسی ما در باز هم ادامه میدهد) : تمام دنیا در مرگ تد ر بیجی لرو می‌رود . و شما یگانه نیروی هستین که دنیا به ان ایمان دارد . شما ناجی ای زندنی از جنگال مرگ تد بیجی هستین . هوشیاری خوده از دست تنین ، کمی فکر کنین

سال ۱۹۱۶

جمع آوری مس با خطر دفاع از همین .

در جلو دروازه بسته هفت زن ایستاده اند .

همه ظروف مسی در دست داشته و خانم والسوا

(مادر) که قندانی کوچک مسی در دست دارد نیز

در بین آنها دیده میشود صدای باز شدن

دروازه از درون شنیده میشود بعد سرو کله

مأموری ازای دروازه به چشم می‌خورد . وی

خطاب به زنان میگوید : همین لحظه اطلاع رسید

که قوای ما مبارزه خسته گی تا پذیر خود را

مردانه وار علیه دشمن ادامه میدهند . آنها

برای چهار دین بار قوای دشمن را سر کوب

کردماند . مأمور شعار میدهد : زنله باد میهن

عزیز ما بعد میگوید : پنج دقیقه دیگر

ظروف شماره جمع آوری میکنم و بعد از

ای دروازه ناپدید میشود .

یکی از زنان : عالیست که قوای مادشمن ره

سر کوب کرد .

مادر : ما فقط یک قندانی کوچک مسی

داشتیم . شاید از ذوب این پنج یاشش کالتوس

ساخته شوه چند تانه اوبه دشمن اصابت خاد کرد

شاید از شش کالتوس یکی یادوی آن ، و ازین دو

یکی آن هم نباید کشتند .. اما دلچسپ مسی شما

کهاز کم بیست کالتوس خاد داد و از دولچه

لگچه اونا (بدست اشاره میکنم) کم از کم

یک نارنجک ساخته خاد شد خوب جمله

چند کالتوس خاد شد (حساب میکنم)

یک ، دو ، سه ، چهار ، پنج ، شش ... نی صبر کن

اوزن دوحانه داره دولچه ولگن چه پس

به کمک ای کالتوس ها میشه یک حمله دیگه

ره آماده ساخت (آهسته می‌خواند) نزدیک بود که می‌ای قندانی ره از راه پس بزم و هیچ نیارم . می‌فهمین دروازه دو عسکر ره دیدم یکی از آنها همین گفت که : بیا ، ای قندانی مسی ره هم ببر که جنگ هیچ پاین نباید و عسکر دومی نه می‌بیره نه میاره میگه : بزیر

شماره باره چی میگین ؟ مادر جواب گفت

که ما قندانی خوده بمب تازی دو گلوله بسازن

واو ده سینه شما بزین . ولی از خود می‌برسم

که چرا ای قندانی ره بمب ؟ البته بخاطر ای

میتیم که جنگ ادامه پیدا کنه ...

یکی از زنان : ما بخاطر ای ظروف هاره

میتیم که جنگ هر چه زودتر تمام شوه .

مادر : به نظرم های ظروفه بخاطر ای میتیم

که جنگ تمام نشه .

یکی از زنان دیگر که لباس سیاه به تن دارد

میگوید : اگه ماس های خوده بشیم و اونا با نماند

به کمک کالتوس هاییکه ازی مس هسای ما

میسازند ، دشمن ره هر چه زودتر نابود کنند

جنگ هم هر چه زود تر تمام خاد شد .

مادر : آخ ، اگه آنها کالتوس داشته باشن ،

هرگز جنگ تمام نماند شد . دشمن هم به فکر

جمع کدن مس و ساختن کالتوس س . لهذا

هر دو طرف تا وقتی که کالتوس دارند می‌جنگند

جنگ به این ترتیب تا ابد ادامه خاد یافت .

یکی از زنان به اوچه که بروی دروازه دفتر

نوشته شده اشاره میکند میگوید : اونچه ره

بخوان که نوشته س . هر کسیکه مس را در

اختیار ما بگذارد به ختم جنگ کمک میکند .

مادر : کسیکه مس را در اختیار اینها میگذارد

جنگ را تمديد میکند شما همه چیز

را که اونچه نوشته س نباید باور کنید .

زن لباس سیاه : پس شما جرمای خواهید

که جنگ ادامه پیدا کنه ؟

مادر : براینکه ای جنگ بالاخره جنگ

آزاد بخش خواهد بود .

یکی از زنان : خوب گیرم که جنگ آزادی بخش

باشد ، اما مجبور نیس که یک عمر دوام کنه .

مادر : چرا ؟ می‌فهمین که با ای کار ما جنگ

دوام میکنه ؟

زن لباس سیاه : منظوری شما از مس س ؟

هر قدر که ماس بیتیم به همان اندازه جنگ طولانی میشه .

بقیه در صفحه ۴۵

دیدار از آستینای میانه

بخش سوم

نقدی تعلق میگیرد. در سرا سر شوروی کود کان مسند از دهسالگی یعنی از صنف چهارم مکتب در رشته نقاشی بفعالیت آغاز مینماید. و به ارزیابی استعداد هاتو جبهی شایسته میشود. هر که بخواهد می تواند تادر جبهی لیسانس و بیش از آن در رشته نقاشی که شعبات زیادی را دربر میگیرد بتحصیل ادامه دهد.

موسیقی آهنگ سازی

هنر موسیقی بشکل و محتوی امروزین در جمهوری معاصر تر - کمستان جوان است و چهل پیشینه دارد ساز مان آهنگ سازان چهل سال پیش بنیاد نهاده شد بیش از انقلاب ملت تر کمین موسیقی آشنایی لازم نداشته سازها بسیار ابتدایی و محلی بود و اصولا در اثر تبلیغات فتنه انگیزانار بابان ستم مینواخت آواز می خواند با آنکه بزم های از بابان را گرم می داشت مورد سرزنش و تحقیر قرار میگرفت اهل دربار که همیشه بی دردان اند با همه زمینه های هنری برخوردی سطحی دارند. آنرا برای تفریح لذت جویی و سرگرمی می خوانند و پس آنکه استعدادی در زمینه آواز و بازداشت آنرا پنهان می گرد

بقیه در صفحه ۴۸

جمهوری نمی شد سراغ یکتن نقاش را گرفت اما اکنون درس مان نقاشی شان ترکمن پنجاه نفر عضو است دارد و این می تواند نشانه ی انقلابی فرهنگی باشد. از این شماره یکصد و چهل و پنج نفر از نقاشان شهرت و آوازه ی جهانی یافته اند از سرشناسان این رشته میتوان از: آی جان خواجه یف. آنونوا را، امان مکی او ف نام برد که در همه حمان قیافه های آشنا و شناخته شده اند. حزب و دولت از نقاشان پشتیبانی صمیمانه و بی دریغ می نماید. برای خود بترین آثار هر سال جوایز بزرگ

فرهنگی در دوران زندگیشان آنهاست. در این جمهوری بر خلاف گذشته پیش از انقلاب زنان هم در فعالیت های ادبی، هنری، علمی، میگیرند و اکنون شمار آنها بی سروده های شان از اقبالی تمام برخوردار است.

نقاشی:

ترکمن ها پیش از انقلاب با نقاشی آشنایی نداشته بودند و با این حساب نقاشی رشته ی جوانی هنری است که در این سازمان با گذشت هر روزی بسوی شکوفائی گام برمیدارد. پیش از انقلاب در همه ی

قریان در دی ا و ف هم در شمار نویسندگان پرچستنی این جمهوری می آید که چاپ و انتشار کتابهای از زنده و سودمند باشد. ترین خدمات فرهنگی را بر زمین خویش انجام داده است. چاری - آشوراف، که اتحادیه شان عران نویسنده گان چندین بیش هفتاد سالگی او را جشن گرفت و کارهای او را از گذشته در شمار شان عران این جمهوری است که مجموعی های شعری در خشان را ارائه داده است. یکی از سنت های سدهای که در باره اهل قلم در زمین است. تجلیل شخصیت های



عکس یادگاری از سفر جمهوری ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی

علل کمبود و گرانی مواد سوخت زمستان در شهر کابل

یک هیأت باصلاحیت برای خریداری چوب به ولایات پکتیا، پکتیکاو ننگرهار اعزام شد. ورود کاروان های چوب به سوی کابل ادامه دارد.

...

تربیتون خانواده ها باشد و با استفاده از ارزش ها و آرزو های دمو کراتیک گفتنی ها، نظرات، انتقادات و پیشنهات آنان را در شئون مختلف زندگی اجتماعی به طرح آورد که به همین اساس و با پیروی از همین مشی نشراتی میز های گرد ما دایر میگردد و در آن مسایلی مربوط به دشواری های خانواده به جدل و بحث کشیده میشود. مدیر ژوندون بعد از مروری به محتوای بحث های قبلی ژوندون و بر شماری نتایج آن سخن را به مساله محر وقات میکشانند که در تمامی سال ها گریبا تگیر خانواده ها بوده است. راحله خرمی چنین نظر دهی میکند که در سال های سیاه و نکبت اندود گذشته همه نگونه که در همه مسایلی اجتماعی بی مبالاتی ها و بی توجهی ها بار مشکل مردم را سنگین و سنگین تر ساخته و سازمان های دولتی جز به منافع آز مندانه خود نیندیشیده اند در این مساله نیز **ارگانها جز به روز گذرانی اندیشه** یی نداشته اند و به همین دلیل کمترین مطالعه یی در مورد تعویض انرژی صورت نگرفته است. وی خاطر نشان میسازد باتوجه به اینکه جمهوری دمو کراتیک افغانستان آرزو دارد ناب سامانی های به میراث مانده را به شکل بنیادی و نه رو بنایی و گذری حل کند مساله کمبود و گرانی محروقات نیز نه در محدوده چوب و ذغال بلکه در تمامی ابعاد وسیع سوخت و انرژی به طرح می آورد و ژوندون باز هم این افتخار را دارد که گشایشگر این سلسله جدل ها در این زمینه باشد راحله خرمی خرمی آرزو میکند که جدل ژوندون

معاون شار والی کابل :

کمبود و گرانی چوب سوخت در بازار علل فراونی دارد که یکی از آن موضوع رابطه معکوس عرضه و تقاضا است، یعنی به همان پیمانه که با توجه به فرارسیدن فصل سرما تقاضای مواد سوخت و خانواده ها برای خرید افزایش میابد عرضه رو به کاهش میگردد و در بلند رفتن قیمت ها اثر وارد میکند.

در این شکی نیست که تهیه و تدارک مقدار کافی چوب سوخت و ذخیره آن پیش از فصل زمستان به منظور توزیع در مواقعی که کمبود آن در مارکیت ها محسوس باشد و یا قیمت ها بلند رود، یکی از وظایف شاروالی است، چنانکه

شاروالی کابل برای جلو گیری از بروز مشکل در سال های بعدی پیشنهادی را به وزارت مالیه وقت تقدیم داشت و بر اساس آن در سال ۱۳۵۴ با استفاده از بودجه که به صورت قرضه در اختیار شار والی گذاشته شده بود در مواقع مناسب سال به خرید و ذخیره مقدار کافی چوب اقدام شده و باالایر آن در زمستان آن سال هیچ مشکلی از کمبود و گرانی چوب به وجود نیامد.

این اشاره را به سببی کردم که اکنون هم تا جایی که به شاروالی ارتباط میگردد برای جلو گیری از صعود قیم محروقاتی و کمبود آن در بازار یک راه وجود دارد و آن هم خرید مقدار کافی و مورد ضرورت چوب در فصل های بهار و تابستان از منابع اولی است و ذخیره آن در مارکیت های شهر که متاسفانه شار والی چنین بودجه هنگفتی در اختیار ندارد و باید مقامات باصلاحیت دولتی همه ساله پول مورد ضرورت شاروالی را به این منظور بیه



دیلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلو ملی موسسه

محرم علی معاون شاروالی کابل

صورت قرضه در اختیار این موسسه قرار دهند و در اخیر سال به تصفیه حسابات خود بپردازند و گرنه با سرمایه اندک شاروالی این مامول بر آمده نمیتواند و مشکل محروقات همه ساله به حال خود باقی میماند. (تاتمام)

در سال های پیشی در همین زمینه اقداماتی سود مند هم صورت گرفته است.

چنانچه در سال ۱۳۵۳ که قیمت فی سیر چوب از هشت افغانی به یازده افغانی افزایش یافت.

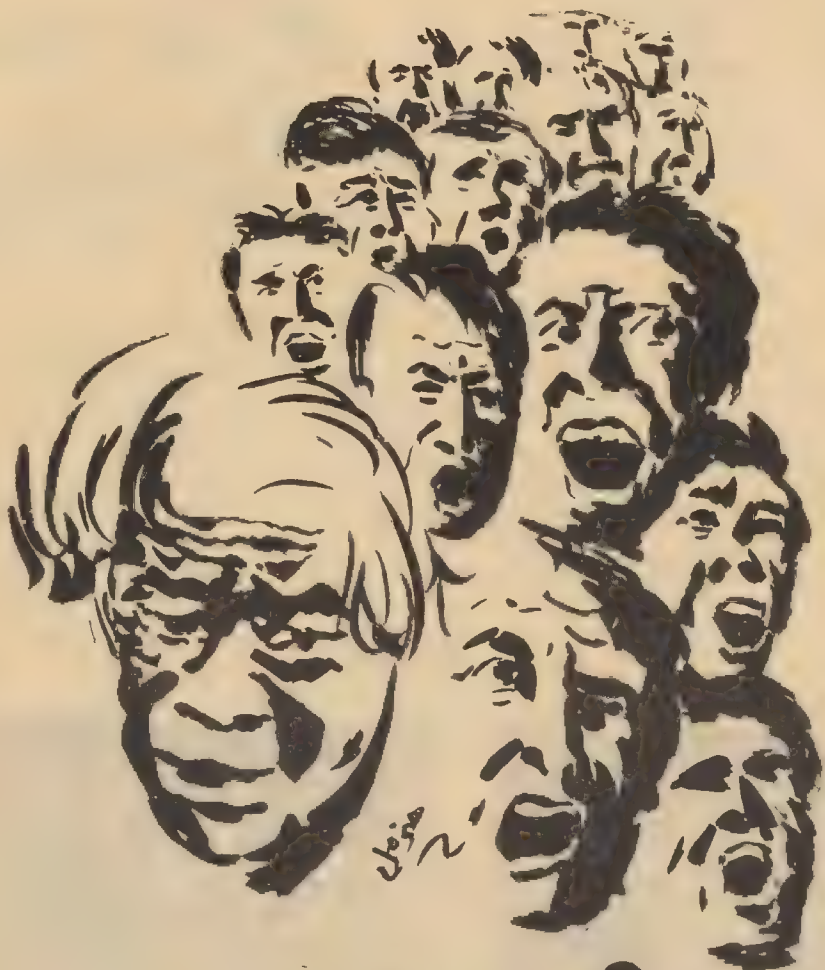
مشکل کمبود و گرانی چوب وعدم توانایی کنترل قیم مواد محروقاتی روبرو بوده است چرا برای حل کامل معضله راه های اساسی تری را به کاوش نگرفته اند گرانی خانواده ها در این مورد حل گردد؟

بهت و حیرت همه آنها را در زیر فشار خود در هم شکسته بود. بر همه احساسات دیگر آنها پیشی داشت و مانع از این بود که در این وقایع غیرمنتظره وحشتناک و کاملاً غیر ضروری که شاید ریختن خون هزاران بیگناه بود، احساسات طبیعی و انسانی آنها بروز نماید... جوانی با خراش فریاد کشید:

— بروید زخمیها را جمع کنید. همه بخود آمدند و شتابان بسوی معبری دویدند که بطرف رودخانه باز میشد اما در اینموقع عدهای زخمی را فرا گرفته بود همچنانکه لکاتی می خوردند و خود را روی برافراشته کشیدند از دروازه با استقبال آنها آمدند. زخمیها را روی دست گرفتند و بردند گامیها را نگه داشته مسافران آنها را با این آوردند و زخمیها را به جای حمل کردند همه اندیشناک و تر شو و خمو شایسته بودند با چشمهای نگران زخمیها را تماشا میکردند. در ترا زوی خیال چیزی را وزن میکردند و میسنجیدند با دقت فوق العادهای در جستجوی جوابهایی برای آن معمای وحشتناک بودند که چون سایه بی شکل و ناآشکاری در برابرشان میسر افراشته شده بود. این معمای قهرمانی که مدتی پیش در خیال نقش کرده بودند یعنی تزار سرچشمه فیض و شفقت و منبع الطاف و کرامت را از گون ساخت اما فقط عده معدودی جرات میکردند با صدای بلند اعتراف نمایند که دیگر این سیمای روبه نیستی و زوال گرا نییده است. اعتراف باین موضوع دشوار بود زیرا گمانه امید آنها را به یاس و نومیدی مبدل میساخت....

مردی کله تاس را که بالا پوشی باو صله قرمز در بر داشت می آوردند جمجمه تیر و رنگش اکنون باخون رنگین شده، شان و سرش را پائین انداخته بود پاهایش از ضعف و بی حسی خم میشد جوانک شان به پهن با موهای فر فری و سر پر هنه و ز نیکه پیراهنش باز و باز و صورتش لاغر و بیروح بود او را میبردند. زخمی زیر لب میگفت:

— میخائیلو! صبر کن! چرا اینطور شد؟ تیر اندازی به جانب ملت ممنوع است! میخائیلو نباید اینکار را بکنند. جوانک فریاد زد.



نیم زانو
اثر ماکسیم گورکی

—امادید ی که اینکار را کردند .
زن با حالتی افسرده گفت :
—هم تیر اندازی کردند و هم
کشتند .

—میخا نیلو ! معلوم میشو د
فرمان داشتند اینکار را بکنند .
—فرمان هم داشتند . راستی تو
فکر میکردی باتو صحبت ومشورت
میکنند ؟ یک گیلای سراب برای
می آور ند .

—میخا نیلو ! صبر کن !
زخمی ایستاد پشتش را بدیوار
تکیه داد و فریاد کشید .
—مردم خدا پرست ! برای چه ما
را میکشند مطابق چه قانونی ؟
بدستور چه کسی ؟

—مردم سرها را بزیر انداخته
از بهلوی او میگذشتند .
در گوشه ای نزدیک توده ها
چهل پنجاه نفر جمع شده بودند
و کسی از میان آنها با اضطراب
و کینه تند تند حرف میزد ، آه می
کشید و میگفت :

—دیشب گاون بیش وزیری بود
او همه این اتفاقات را میدانست
پس او بما خیانت کرده ما را
بطرف مرگ و نابودی کشانیده
است .

—اینکار برای او چه سودی
داشت ؟
مگر من میدانم ؟

همه بهیچان آمده بودند هرکس
خود را در برابر پرستشاییکه
هنوز بی جواب بود میدید اما
دیگر همه باهمیت و عمق این پرسشها
بی برده بودند واحساس میکردند که
جواب آنها ضروری ، حتمی و
جدیست . در آتش هیجان ،
عقیده و ایمان آنها بکمک و
پشتیبانی خارجی و امید به منجی
اسرار آمیز یکه احتیاجات آنها را

بر آورد در هم فروز یخت .
زن فریبی با لباسهای پاره
پاره از وسط جاده میگذشت قیافه
اش چون مادری مهر بان بود و
چشمهای درشت و غم آلودی
داشت . او گریه میکرد و در حالیکه
دست چپ خون آلودش را بادست
راست نگه داشته بود میگفت :

—دیگر چطور کار کنم . از کجا
نان بچه ها را فراهم سازم ؟ خدا
پرستها ! اگر تزار هم دشمن ملت
باشد پس دیگر حامی و پشتیبان
ملت کیست ؟

پرستشایی او که بلند و آشکار
بود مردم را بخود آورد ، برانگیخت
و مضطرب ساخت از هر طرف
دو یه دند باشتاب بسوی او رفتند
دور او را گرفتند و باقیافه های
گرفته و دقت کامل بحر فهای او
گوشی میدادند .

—یعنی قانونی برای دفاع ملت
نیست ؟

عده ای آه میکشیدند دیگران
آهسته دشنام میدادند . فریاد
های زننده و کینه جوئی از جایی
بلند شد :

—عجیب کمکی بمن کردند با ی
بسر م را قطع کردند .

—ایوای ! بطر و خارا کشتند...
بسیاری فریاد میکشیدند و این
فریادها چون تازیانه بر گوشها
فرود میامد انعکاس کینه جوئی
شدیدی به وجود میاورد کسه
حس انتقام و حس دفاع در
مقابل آدم کش ها را در مردم برمی
انگیخت . در چهره های رنگ
بریده و سفید آنها رفته رفته آثار
تصمیم و اراده نمایان میشد .
—رفقا باوجود این بشهر می
رویم ! ... شاید موفق شویم...
کم کم ، دسته دسته پیش میرویم

—آخر ما را میکشند .
—بیا نید با سر برها صحبت
کنیم . شاید آنها بفهمند کسه
برای آدم کشی قانونی وضع نکرده
اند .

—شاید وضع کرده باشند ، ما از
کجا میدانیم ؟

جمعیت باتا نی پیش می رفت
ولی دایم تغییر شکل میدادند و
رفته رفته بصورت ملت در می
آمدند جوانها بدسته های کوچک
تقسیم شدند همه آنها بیگسست
و باز هم به طرف رودخانه پیش
می رفتند همه آنها زخمی ها و
کشته ها را میبردند بوی خون گرم
بمشام میرسید ناله ها و فریادها
بلند بود .

—گلوله راست به پیشانی
یا کوف زوبین خورد ...

—از پدر تا جدانمان خیل
ممنویم ...

—بله خوب پذیرایی از ما کرد .
چند دشنام سخت شنیده شدم
یک ربع پیش شاید یکی از این
دشنامها کافیه بود که جمعیت ،
گوینده آنها را قطع قطع کند . دختر
کوچکی میدوید و فریاد میزد .

—عادر م را ندیدید ؟

مردم بی آنکه حرفی بزنند باو
نگاه میکردند و راه میدادند تا
بگذرد . صدای زنی که دستش
قطع شده بود بلند شد .

—بیا اینجا ! من اینجا هستم ...
جاده خلوت میشد ، جوانان
دور شدند ، مردان مسن هم باقیافه
های گرفته بی شتاب دوتادو تاسه تا
سه تا بسوی میرفتند و زیر
چشمی در پی جوانان نگاه میکردند
کم حرف میزدند فقط گاه گاهی
کسیکه دیگر نمیتوانست خود را
نگهدارد آهسته میگفت :

—پس معلوم میشود حالا ملت
را بکلی دور انداخته اند .

—آدم کشهای لعنتی !
برای کشتگان اظهار تاسف می
کردند و ضمناً حدس میزدند که
یک عقیده خرافی سنگین کسه
شایسته بردگان بود نیز تا بود
شده است . با احتیاط در باره
آن سکوت اختیار میکردند و نام
گوش خراش آنها بر زبان نمی
آوردند تا دوباره خشم و اندوه
در قلبها بهیچان نیاید .

شاید هم با پنجست در باره آن
سکوت اختیار میکردند که میتر
سمیدند مبادا بجای آن عقیده مرده
عقیده دیگری مانند آن ایجا د
کنند ...

سر بازان دور مقر تزار را خط
زنجیری ناگسستنی کشیده
بودند در میدان زیر پنجره های
کاخ سوار نظام پهر میداد بوی
بهن و عرق اسبها اطراف قصر
را بهیچیده بود .

چکاچاک شمشیرها جرنک
جرنک مهمیزها نعره فرماندهان
صدای پای سر بازان ، که بزمین
کوفته میشد زیر پنجره ها طنین
انداز بود .

توده در هم فشرده ای که اژده
ها هزار مردم کینه توز و خشمگین
تشکیل شده بود از هر سو بجانب
سر بازان هجوم می آوردند . آنها با
آرامش صحبت میکردند حرفهای
خود را می شنیدند با امیدها و
آرزوهای تازه ای حرف می زدند
و کلیات جدیدی بکار میبردند که
خودشان هم بزحمت مفهوم آنها
را درک میکردند دسته ای از سر
بازان که یک جناح آنها بدیوار
فرسوده باغ تکیه داشت ، راه

بقیه در صفحه ۵۱



آتشکشی های رنگارنگ و بکمان

نکارش دوکتور و ترنر، محمد عارف

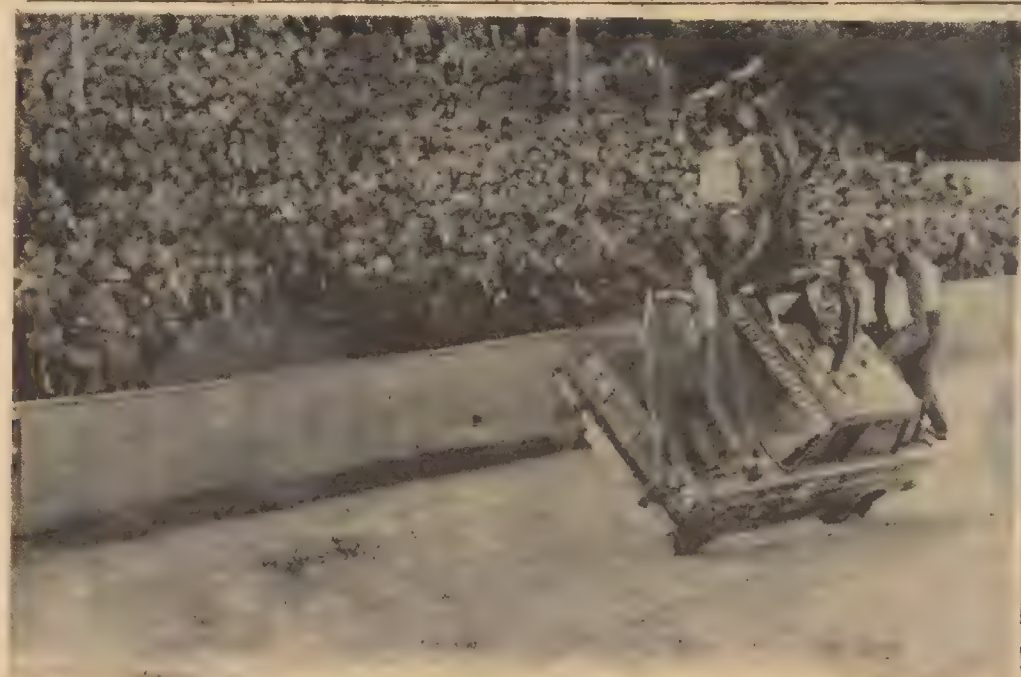
درباره اشعه زنده گی بخش آفتاب

چه میدانید؟

آفتاب زنده گی بخش است. و بحیث يك كره آسمانی سو زان به تمام کائنات نور می بخشد و گرمی تولید می کند اشعه خورشیدی که آفتاب آنرا بزمین می فرستد یکی از عجایب خارق العاده محیط زیست ما را تشکیل داده است. این پیکر آسمانی با داشتن يك حرارت بلند تر از (پنج هزار و پنج صد و چهل درجه سانتی گراد) همیشه و بدون وقفه يك جریان از انرژی اشعه را به تمام کائنات و از آنجمله برای زمین نیز می فرستد همین اشعه های آفتاب که در زمین بحیث يك چشمه زندگی برای زنده جانها گردیده از این اشعه ها سطح روی زمین در هر دقیقه دو کالوری انرژی را می گیرد بشرطیکه اشعه هاییکه در زمین می تابند بشکل عمودی باشد که اشعه های عمودی در فصل تابستان در زمین می تابند و به این اساس انرژی اشعه را که اتمو سفر زمین از آفتاب می گیرد، يك پیرسه میلیاردم حصه انرژی آفتاب می باشد با وجودیکه این مقدار فوق العاده خورد است. اما اگر همین اشعه ها بدون روپوش (اتموسفر زمین) راساً بزمین می تابید زندگی را در زمین ناممکن می ساخت و تمام زنده جانها را محو می کرد.

این اشعه ها وقتی بطرف زمین می تابند در هوا مالیکول های اکسیجن تجزیه می شود و یکمقدار این اشعه ها را بخود جذب می کند

اما اگر شعاع بشکل عمودی بتابد رنگ نیلگون را بخود می گیرد. چنانچه در زمستان هنگام چاشت که اشعه ها عمودی می تابند رنگ آسمان نیلگون است. در حالیکه در وقت غروب و شفق که اشعه انحنای پیدا می کند رنگ آسمان سرخ بنظر می رسد. اشعه های را که آفتاب بزمین می فرستد چنانچه در کمان رستم یا قوس قزح دیده می شود این رنگها قابل تشخیص است. هر يك از این رنگها اشعه ای باتأثیر علیحده بوجود می آورد که هر يك آن دارای وظایف خاص است. شعاع عیقه پیش روی سرخ می درخشد تا ثیر بسیار زیاد گرم سازی دارد و تولید گرمی می نماید و دارای اثر حرارتی است در حالیکه اثر کیمیاوی در شعاع



اخیرا کارکنان فابریکه موتور ساز و لژاسکی در توگلیاتی (در اتحاد شوروی) با کارکنان سرکس نمایش را براه انداخته اند که در نمايشات مذکور موتور تیز رفتار (لادا) سهم خاصی داشته است. درین عکس دیده می شود که يك موتور تیز رفتار لادا چنند نفر را در بالای دوعراده برده می تواند.

نیز گرم می شود اند از همین سبب هر گاه روزها گرم باشد و شبها آسمان را ابر درآورد محیط نیز گرم می باشد زیرا ابرها گرمی را نمی گذارد که بطرف بالا برود هر گاه شب سرد باشد زمین حرارت گرفتنی خود را آهسته آهسته از دست داده و شبها سرد می شود.

تأثیرات نور بالای عضویت :

با وجودیکه نور تا ثیرات خود را در انساج بالایی عضویت تمییل می کند مفاد ذیل از آن متصور است .

۱- عملیه های مهم تعادل گرمی عضویت را در انساج انجام می دهد .

۲- انساج عضویت تحریر قوی را انجام می دهد و سبب از دیاد جریان خون می گردد و صعود معاوضه موادی یامیتا بولیزم بملاحظه می رسد .

۳- در گشت و گذارهای که در ارتفاعات و تپه ها صورت می گیرد از ینکه شعاع یولتر او یولت زیاد است اشتها افروزمی گردد .

۴- هوا را از میکروب ها پاک می کند در اثر نور روز آسمان ابر

آلود اکثر میکروب ها در پنج تا شش ساعت از بین می رود . در حالیکه از نور خورشید آسمان صاف پس از یک الی سه ساعت می میرند که این هم اثر شعاع یولتر او یولت می باشد .

۵- در اثر تحریک اشعه سرخ در عملیه های خونسازی در تداوی های متعدد عضویت از آن استفاده می شود .

۶- در لابرا توارهای واکسن سازی برای تعقیب اتا قها از ین شعاع استفاده می گردد .

۷- برای تعقیب فضای انساق و سطح اشیا مورد استعمال دارد . چنانچه قبل از داخل شدن به اتاق های عملیات شعاع داده می شود ۸- در انتقال و نگهداری خوب استخوانها مضرب میشود .

چه تعداد نفر در جهان معیوب اند؟

حد اقل پنجصد ملیون نفر در جهان ((معیوب)) اند ولی جامعه بشری در همین اواخر متوجه احوال و مشکلات ایشان گشته است . انتظار میرود که تجلیل ۱۹۸۱ بحیث سال بین المللی معیوبین توجه و آگاهی جهانی را در باره این مشکل عمده انسانی بطور قابل ملاحظه ای افزایش بخشد .

اشکال کار حتی در قدم اول یعنی تعریف حالت معیوبیت ظاهر میگردد . بطور عمومی دو گروه جلب نظر مینماید :

آنانیکه جسماء معیوبیتی دارند ولی از نظر دماغی حالت شان طبیعی است و آنها بیکه قضا قد صحت دماغی و عقلی اند . در بعضی از کشورها مریضان مبتلا به مرض

شکر در زمره معیوبین محسوب میگردند ولی در اکثر ممالك ملایک معیوبیت جسمی و یافقدان صحت دماغی میباشد .

رئیس کمیته مشورنی تدویر سال بین المللی معیوبین ، ونماینده لیبیا در ملل متحد بنمادنی منصور کیکیا اظهار میدارد : مقصود از تجلیل این سال تدوین بهتریمن فورمول و طرز العمل برای حل مشکلات خاصی معیوبین میباشد برای این منظور تجارب کشورهای زیادی بایست مطالعه گردد

فوانیس مر بوطه کشورها جهت مطالعه است . کفرا نسبیسموزیم ها و سمپیارهای نمر بین المللی دایر میگردد با جیسارپ کشور های مختلف بررسی گردیده و بسبب گردد که کدام یک اریس تجارب سمویة جهانی قابل تطبیق

بقیه در صفحه ۴۸



بانگاه نخست خواهد گفت که چه ناسازی گویگری است مگر اشتباه تکنیک که مادی نیست بلکه هیولای عظیم الجثه بی است بنام کینگ کانگ در فلم کنگ کانگ . این فلم که چند سال قیسل در نیویارک ساخته شده تصای صحنه های وحشتناک و شگفتی انگیز آن تماشاگر را به هیجان می آورد . وجود این هیولا ازالوئیم و رویه آن از بشم ساخته شده و دستگاه های مفلق الکترونیک بدخل بدن آن تعبیه گردیده و او را بحرکت وایدارد فلم مذکور از جمله پر مصرفترین فلمهای عصر حاضر بشمار میرود .

زندگی قصه می سازد :
ر. دریا

یک زن جوان و سه کودک معصوم در پرتگاه یک حادثه فاجعه آمیز

دور است سر آب از این باد به هوشدار
تا غول بیابان نرسد به سرایت

زن جوان که اشک در چشمش
لانه داشت و غمی گنگ و پرا بهام
در عمق نگاهش خفته بود. در
دفتر مجله رو برویم نشسته بود و
از زندگی اش، از عرصه های دیر
بای و کشته اش، از احساس
که دکان معصومش سخن میگفت و
ز ماحولهای درد آفرینی که قصه
ساز زندگی اش بودند.
همچنان که بیتابانه میگردید
میگفت

بتو رسید
دلگیر هرگز

بخمه آرزوی پدر احساس سم جوانه
نخواهد زد و کبوتر امید در قلم
لانه نخواهد گزید. من بهر کجا
میگردم، بهر کس روی میاورم.
در خواب و در بیداری،
در میان جمع و در گوشه تنها

همه جا.
یاس مثل یک موریانه سمج
روح را میگزرد و غمی بزرگ،
به سنگینی یک کوه روی دو شرم
سنگینی دارد

و تو، تو شوهر من، تو پدر
کودکان من این را بدان حتی
اکنون که تو به پیروی از اغوی
شیطانیک زنی بی قلب در پی
هوس گناه آلود خود چتر سیاه
سر نوشت را به سان یک چادر
جاودانه بر فراز زندگی ما افراشته
یی، اکنون که ماه هاست حتی
خبر نداری که کودک کاسه سمیرند
و یا با شکم گرسنه سر به بالین
میدارد، زنده اند و یا در گور
مرد امیدهای شان با آوازش
همیشگی به خواب رفته اند، یاد

و چه محبتی را برای شان جای
نشین محبت تو گردانم ؟
بمن بگو آیا برای آنها بگویم
که پدرشان مرده است ؟
آیا بگویم که او در قمار عشق
همه آنها را باخت است ؟
و یا اینکه :

پدرشان موجودی بی احساس
است که همه چیز را و حتی فرزند
اتش را قربانی عشق و هوس و
اغوی جوانی خود ساخته و همه
را از باد برده است
تو به من بگو ،
می به آنان ، چه بگویم
وقتی که ترا از من می خواهند
...

زن در کفشت شتاب داشت
انکار که بعد از مدت ها عقد
های گلوگیر او مجال باز شدن
یا فته بودند و انکار که فریاد

اهای به خفه گری کشید و شد
او اینک بعد از دیر مدتی را هفراز
در پیش داشتند ...
میگفت :

میدانم این قصه و این افسانه
افسانه و اقصیت زندگی من در شما
و خواننده شما که از این مانع
قصه ها زیاد شنیده و خوانده اند
تأثیری ندارد و میدانم که آن
شوهر و آن پدر که اینک اشک در
چشم زن و فرزندانش نشاند
بیدی نیست که با این باد هابلزد
و وجدانه چنان به خواب نرفته
که با این فریادها بیدار گردد ،
اما باز هم میگویم تا دیگر دختران
نوجوان اسیر عشقهای هوس
آلود نگردند و میگویم تا زندگی
قصه های دیگر به مانند قصه من
برای دیگران هدیه ندهد و به آنان
از زبان حافظ این روحانی بزرگوبه
قولی لسان الغیب ننهد مبکم
که :

استفاده از روغن کنجد به مثابه دوا

دنیای تا هنوز هم جرب کردن کنجد در
جلد رواج دارد زیرا آنها میخواهند برف
باری زیاد و پرودت هوا و یخ بندی را جرب
کردن روغن کنجد در روی جلد مرفوع سازند.
اطفال را تا کسالتی همه روز با روغن کنجد
جرب نموده و آفتاب میدهند تا دایره نور
آفتاب روغن خوب در وجود طفل نفوذ کند و
بدین وسیله جلد او را از مآثر شدن از خنک
و پرودت حفظ می نمایند .

همچنان مادران حامله و مادران تبیده قبل
از تولد طفل و بعد از آن جلد خود را
با روغن جرب خوب نموده و در نفع افتاد قرار
میگیرند و با مساجد نمون، روغن را جلد شان چند
مینماید . اکثر خانم ها حتی روز دوا به این
عمل مبادرت می ورزند .

همچنان طفل تازه تولد شده را با این روغن
جرب نموده و با مساجد های طولانی جلد او را
مقاوم می سازند و از روغن کنجد به طفل
و مادر غذا تهیه می نمایند .

اکثر نباتات در زندگی انسان مفید بوده
و دارای خواص مقتضی بخودش می باشد
در گذشته که هنوز طب و طبابت رواج یافته
بود مردم ادویه طبی را نمیشناختند اکثر به
همین بته های می بردند و بهترین دوا در
همین بته ها را می شناختند .

در شرایط کنونی هم تاحدی از این بته ها
استفاده میشود اما بشکلی که عصاره آنها
گرفته و طرف استفاده قرار می دهند یعنی
با بهترین شکل صحتی آن از این بته ادویه
مورد ضرورت رامی سازند برخی نباتات رو -
غندارند و برخی بدون روغن، نباتاتی که
روغنی انداز بعضی ایشان درغذاهم استفاده
میشود که روغن آنها هم خیلی مفید است و
مفید ولیدند .

از آن جمله می توان از روغن کنجد نام برد،
این بته را در قدیم در طب یونانی بنام گرم
بته یاد می کردند و به این عقیده بودند که
جسم را در مقابل هوای سرد، تاب مقاومت
می بخشید، جلد را ملایم می سازد و برای درد
های روماتیزم خیلی مهم است و مجرد جرب
کردن درد را برطرف می سازد.



برده‌ء اَصی

مستم بخدا ز باده مستم
می خواره و مست و می پرستم
بادختر رزکی بجز جام
آگه نبود ز بندو بستم
در هجر تو ای امید جانها
نه شکوه نموده ام نه خستم
تارفته ی تو زخا نه دل
این در نگشوده ام نه بستم
ای فتنه بزم باده نوشا ن
برخیز ز جا که من نشستم
تا مست شدم ز باده عشق
از دام غم زمانه رستم

جز حرف حقیقت و درستی
بتهای دروغ را شکستم
چون برده عاصم که از دوش
زنجیر ستمگرا ن گسستم
اکنون ز شراب ناپ ساقی
پر کن قدحی به مزد شستم
ای کشور پاک راد مردان
چون از تو شد دست بودو هستم
گر در ره تو فدا نکردم
تا مرد و ذلیل و خوار و بسته
عظیم شهبال
۱۳۵۸

مناجاتی

از عطا

در دینت درین دلم نهانی
کان دروغا دوا تو دانی
تو مرهم درد بیدلانی
دانم که مرا چنین نهانی
از من گشته آید و من اینم
و از تو کرم آید و تو آنی

افسانه

من امشب همچو بیچک های محروم
ایا بان ها
بدور ساقه سمیرات اندام تومی
بیچم
و یا همچون لاله تشنه می ایم
زالال چشمه ساز بوسه ات را
با تمام شوق بی نوشتم
شب موی تو که آسمان عطس
های نا هما هنگست
می یویم
من امشب با تو می مانم
و یا تو
تنور لذت گم کرده
می سوزد

من امشب با صدای مرد بیگانه
به گوش طفل تو افسانه می گویم
و چشمان و را با خواب می بندم
نمیدانم که فردا باز این در را
که خواهد گرفت ؟
که فردا با صدای مرد بیگانه
به گوش طفل تو افسانه خواهد
گفت ؟
که چشمان و را با خواب خواهد
بست ؟
ولی روزی به گوش کودک تو بی
حساب افسانه خواهد بود
و این افسانه ها از یکدیگر بیگانه
خواهد بود .

اسدالله حبیب

زده نیکی حسن شنیدای شوی یم
عشق او محبت کنی رسوا شوی یم
زده یا نه ورنه شوی تورو زلفو کنی
خک زده آخته به بالاشو یم
عقل هو شو او خبر طاقت هم نشنه
بنه کنی دینکلو تالاشوی یم
داچه یم غمو نو سره عین به کن
غیر نه ده دلبرو جداشو یم
اور به مایلری لکه شمع زه
هجر کنی دیار به زده شوی یم
عیش او خوشعالی می هیسج و نه لیده
زه لکه چی غم نه بیایا شوی یم
حسن دلای او دجمال بخنه
محوه دنیا بست به رها شوی یم
نشسته ای فنا ددی دنیا بقا
دیر نسل به مرگه دفنا شوی یم

شیدا

دالمان ژمی

او ری دوا ورو پا غوندي باغوندي
دور یخو لې په آسمان کی پلینی
دونو خانگی دنیا لکیو ختی
لکه سپرلی کی غوی سپینی سپینی

خمکه او هسک لکه یو سپین-پوډنی
په کی چو او ، چو او کوره خنگلونه
په سپین کی شین دی سینکار شوی کنه
دادی دژمی دمو سم خو ندو نه

زه چی دی ښکلی چاپیر یال-تسه-گورم
ماته می خپل ښا یسته و طسن یادیری
سپین غر ، کو نه ، دپا میر لوپی خوکی
کپ مپ ددی منظر په شا ن ښکاریوی

ښکلی هوا ده هر یو خیز سپیڅلی
په کی دژوند تودی نغمی غږ یری
دطبیعت په کروپ ین ژپ کی کی
دستر اتسا ن دزیار چیوی بلیری

دژوند خپی لکه دسیند د چپو
نه را ستغیری خی پر مخه درومی
هر یو مو سم له خپل خوندو نو سره
چی تیر شی، لای شی ، پیر تسنه را درو می
دسامبر ۳۰ - ۱۹۷۹ کال
وانمار ، ایلیفنت
هونل دموکرانک آلمان



چهار بیتي

مبادا چشم بهارت بخوابد
نگاه ذوق سرشارت بخوابد
مبادا از تلاش افتی درین دست
بدان پای رفتار بخوابد

مې مستی ، زمردن ها نشانی است
مې مردن نشان زندگانی ست
ندارد زیستن بود و نپسود ی
رموز زندگی ، دو زنده جانی ست

رزم مشترک

همراه شورفیق ،

تنهانمان به درد !

کاین در مشترک

هرگز جدا ، جدا

درمان نمی شود !

دشوار زندگی ،

هرگز برای ما ،

بی رزم مشترک ،
آسان نمی شود

تنهانمان به درد !

همراه شورفیق !

شکوه از عمر ..

ای آسمان ! باور مکن . کاین سکر
معزون مسم .
من نیستم من نیستم !
وقت عمر من ، از دست من .
این عمر سست و پست من !
یک عمر با بخت بدش بگریستم ،
بگریستم !
لیک عمر پای اندر مالم ،
باری نپرسید از دلم ..
من چیستم ؟ من کیستم ؟

اسباب اطفال بوسیده بازی بایدبازی بزرگتر همی گذارند

اسباب با زی جا لب عبارت است از توپ، ماشین دارهای رنگا- رنگ یک قطی شطرنج، قلم رنگی قلم نقاشی و حتی قلم رنگ و کتاب قصه و نقاشی. برای دخترها گدی های خورد و بزرگ و سایل- خباطی و حتی ماشین خیا طی سما- وار و ظروف چایخوری کو چك می تواند خیلی سرگرم کننده باشد. هر قدر که سن کودک را ن شما بالا میرود از آنها بخواهید که و سایل بازیشان را خودشان جمع و جور کرده و سرجا- یش بگذارند. و در ماه یکی دو بار با کمک اطفال اسباب بازی های را که می توان شستشوداد بشوئید و با صافی مخصوص پاک کنید. در نگهداری اسباب بازی خیلی دقت کنید و به بچه ها بگوئید که آنها

اطفال باید لایق اختیار اسباب- بازی خودشان را داشته باشند و بدو لخواه خودشان آنها را جا بجا کنند. همچنین به جایی که می خواهید اسباب بازی در آن قرار گیرد نیز باید توجه کافی کرده باشید. دوختن یک خرپه بزرگ که رویش باعکس های پارچه ها، رنگین شده باشد تهیه نماید زیرا خیلی ارزان تمام می شود و برای گذاشتن اسباب بازی ایده آل است. همچنین کارتن های مقوای پاک هم برای گذاشتن اسباب بازی مفید است و آنرا می توانید در گوشه ای از اتاق و یا هال منزل خویش بگذارید به کودک آن نظم و ترتیب یاد دهید. اطفال نظم و ترتیب را از همان سایل و اشیاء خودشان و اینکه چگونه آنها را جا بجا کنند یاد

تجربه ثابت کرده است که اسباب بازی اطفال نیمه ازنند- گیشان می باشد. و داشتن اسباب بازی رنگا رنگ از آرزو های هر کودک و حتی نوجوان است.

اطفال بوسیده اسباب بازی باید تمایز بزرگترها می گذارند با زندگی و ادب و رسوم و آئین زندگی و نوع زندگی افراد بشر آشنا می شوند.

اما نکته ای که اکثر مادران از آن شکایت دارند این است که در خانه ها اکثرا اسباب بازی اطفال باعث پراگندگی و درهم و پرهام نشاندادن و وضع خانه می شود. مادران همیشه فریادشان از این نکته بلند است که با این همه اسباب بازی چکار

را در جای پاکیزه ای نگهداشته و اگر در روز فرزندانشان در محوطه حیاط بازی می کنند پس از بازی حتماً اسباب بازیها را شسته و در جای پاکیزه ای نگهدارید. هرگز آلات برنده و اسباب بازی خطرناک نظیر تفنگ و تفنگچه بادی را در اختیار اطفال قرار ندهید و اصولاً در بازی اطفال و خرید اسباب بازی آنها توجه کنید اطفال را طوری بار بیارید که بمسائل طبیعی و طبیعت و شناخت عالم و حتی تاریخ و جغرافیا علاقمند شوند رازهای طبیعت را اگر کودکان یاد گیرند دیر از خاطرشان میروند و برای زندگی روزمره شان هم مفید است به اطفال اجازه داده شود که اسباب بازی خود را خودشان انتخاب نمایند مثلاً اگر دختری میخواهد برای خود گدی بخرد و والدین نگویند دخترم بهتر است این موترک را که خیلی مقبول است و

می گیرند از آنجا که کودکان از سن سه ماهگی الی ۱۵ سالگی از اسباب بازی خوششان می آید بنا بر این در تهیه اسباب بازی هم به سن و سال و شرایط زندگی کودک توجه کنید. مسلماً برای یک پسر ۱۲ ساله



نظراصلاحی داشت و معقول بود عملی کند .
 آنرا بیذیرید و عملی کنید بدین نکه دوم اینکه اگر میخواهید
 ترسب کودک می آموزد که چطور طفل شما کار را یاد بگیرد باید این
 نظم و ترتیب را در کارهایش خواست را از کم شروع کنید



هم تازه به باز آمده و تا اکنون
 هیچکس دیگر آنرا ندارد باید بخری.
 یا اگر پسری می خواهد برای
 خود ماشیندار قیل و یا تفنگچه
 بخرد و والدین آرزو دارند تا
 پسشان یک قطارترین ویاموتر
 بخرد بکلی خواست غلط و نا
 بجا ست بگذارید اطفال با زیچه
 های مورد علاقه شان را خود
 شان انتخاب نمایند .

از جایی اگر کودک کی از آغاز
 زندگی استقلال نداشته باشد
 به یکبارگی می تواند نظم و
 دسیس را فرا گیرد . اگر دایما با
 او وحاش کسم و دستورات کلی
 بدیم که این اسباب و وسایل
 را بخر و آن دیگر را نخر گو یا
 اطفال متکی به خود بار نیامده
 و هر آن متوجه فرمان و امر و نهی
 حواهد بود .

همچنان در جمع و جور کردن
 اسباب بازی به اطفال
 موقع داده شود تا خود ایشان
 سامان بازی خویش را در جای
 معین جا به جا نمایند و هر آن
 گفته نشود زودتر سامانهای
 بازی را برداشته بدروسمکتب
 رسیدگی کن و یا گماشتن آنها به
 کارهای دیگر وقت و توجه زیاد
 بکار دارد یعنی هر لحظه انجام
 کاری را بالای اطفال تاکید نکنید .
 اگر طفل شما نمی خواست و یا
 نمی توانست سامانهایش را به
 جای مخصوص جا به جا کند
 شما ناگزیر هستید چندین بار
 این عمل را انجام دهید تا کودک
 آنرا بیاموزد و بتدریج خودش
 این کار را انجام دهد و برایش
 عادت شود که همیشه اینکار را
 بکند .

به کودک اجازه داده شود که
 نظریات خود را ارایه کند اگر

ملاء در اول از او بخوانید
 تا اسباب بازی اش را جمع نماید
 و روز بعد به او یاد بدهد که
 آنرا میان الماری و جای مخصوص
 ص بگذارد سامانهایش هر
 جا تیت و پراگنده نباشد و هم به
 اطفال بگوئید و به تکرار گوشزد
 نماید که ترتیب و نظم کارها را
 آسان می سازد منافع زیاد دارد
 و برعکس بی نظمی وقت را تلف
 نموده و ناچارا حتی ها را خلص

می کند در مورد آموختن نظم
 وترتیب به اطفال به هیچ وجه
 آنها را تهدید و سرزنش نکنید
 و به آن متوسل نگردید

جای شک نیست که برای فرا
 گرفتن این نکات مهم و اساسی
 کودک احتیاج به وقت و زمان دارد
 همچنان ما باید بدانیم که نظم و
 ترتیب در طبیعت هیچ کودک کسی
 نیست و یا هم بی انضباطی و بی
 بندوباری ، بلکه همه آن اکسایبی
 است و باید فراموش نشود و
 پدر و مادری اگر میخواهند طفل
 منظم و مرتب داشته باشند لازم

است که در مرحله اول خودشان
 به نظم و نسق زندگی اعتماد
 داشته باشند و واقعا بدانند
 که نظم و ترتیب به غیر از آنکه

وقت انسان را صرفه جویسی
 و کارها را آسانتر می سازد ، یک
 حس اعتماد به نفس نیز به انسان
 می بخشد که در سایه آن هر کاری
 را بهتر و مطمئن تر می تواند
 به انجام رساند

بدین ترتیب اطفال که به نظم
 و ترتیب عادت می کنند در پر تو
 اعتماد به نفس که دارند آینده خیلی
 روشنتر و درخشانتری می توانند
 داشته باشند .



سینمای شوروی همیشه گوشیده است تا خصوصیات همه فرهنگ هارسوم و شیوه های زندگی رادر روی پرده سینما انعکاس دهد.



لیمپا یت اولف سالك هنر پیشه معا صر شو روی

معبر ی از گذشته به روی پرده کشور رشد کرد که در راندساز-
بیا ورد سینمای شوروی به
عنوان بخشی ناگسستنی از
سینمای جهان و هنر جهانی
پیدایش و تکامل یافت هر چند
شرایط رشد آن خاص و
استثنائی بود در حالی که سینما
دفرانسه، ایالات متحده امریکا
آلمان، ایالتی و سایر کشور های
عمده تولید کننده فیلم در مرحله
امپریالیستی نظام سرمایه داری
ندگی سوسیالیسم بود و مردم
آن وظایف اجتماعی نوینی در برابر
هنر نهاد بودند مبارزه در راه پی
ربری جامعه بی طبقه سوسیالی-
لیستی نوین ایفای نقشی فعال
در آموزش توده های کار و رز
آلقای نو و تازه ای از اخلاق
وترویج جهان بینی جامعه
بدون طبقات این وظایف و هدف

نگرش به سینمایی شوروی این سینما انسانی



صحنه دیگری از فیلم های شوروی

ها، رسوم و شیوه های
زندگی را آشکار سازد بدین
سان سینما علاوه بر نمایش
نصورت و واقع زندگی معا صر
به خوبی قادر است به عقوب
پرگردد و تصویر را ستین و
زندگی از مردم و رویداد های
زمان های گذشته را ارائه دهد
سینما پیروزی های دانش تار-
یخی راه نمایش در می آورد
اكتشافات باستانی و یافته
های موزه ای راه کار می گیرد.
انجرییات تیاتر و هنر های
جسمی و به ویژه ادبیات کلا-
سیک بهره می برد این واقعیت که
سینما و سایر بیانی همه هنر
ها را یک جادر بر دارد به آن کمک
می کند تا تصویر روشن و

سینما در اتحاد شوروی
در ادب بیانی ای بر خور دار است
که بی واد زمان های حال
گذشته و آینده را با اعتبار و نیروی
مخاب سازی یکسانی ترسیم
کند حوزه های فعالیت بشری را
منعکس نماید خصایص طبیعی همه
قاره ها را نشان دهد فضای زند-
گی تمام ادوار تاریخی را باز
آورند خصوصیات همه فرهنگ

رو سیه سفید ما و رای قفقاز
جمهوری های ساحل بالیک و
آسیای مرکزی است در حقیقت
تمام خلق های ساکن اتحاد
شوروی به این هدف است که فیلم
های تاریخی شوروی ابعاد بین -
المللی و روحیه دوستی میان
خلق ها می بخشد .

نقش ویژه فیلم های تاریخی:

مفهوم سینمای تاریخی هم
پیچیده و هم چند گانه است و از
تاریخی دال بر چیزی است که
گذشته است بیا نگر آن روند
های اجتماعی است که اکنون به
انجام رسیده اند و تصویر ساز
موقعیتی است که دیگر وجود
ندارد اما در عین حال هنر -
مندانی که با اسناد گذشته سرو
کار دارند ، نمایندگان
دوران خود هستند
وزیر نفوذ اندیشه ها و علایق
زمان حال می باشند و طبیعا
بنابر جهان بینی معیار ها و
ارزش های امروزی خود به گذر
شته می نگرند و بدین گزینش

رویدادها و سیمای تاریخی
و شیوه برخورد هنرمندان با
آن ها شکل می گیرد کاملاً طبیعی
است که پسران و دختران کشوری
که از میان تو فان انقلاب اکثر
گذشته سو سیالیسم را به
پاسا ختند و از آن در بی رحمانه
ترین و خونین ترین جنگ هادر
برابر فاشیسم دفاع کردند
اینک در درجه اول بر تاریخ جنبش
انقلابی و جنگ داخلی تکیه
کنند ، و سپس بر دوره های
جدیدتری که یادگرانی های
عظیم اجتماعی که به شکل بندی
دولت آنجا میدو با نبرد های
آزادی بخش ملی جهان مشخص می
گردد کلیه فیلم های تاریخی
شوروی از هر دوره ای که
باشند از روح عصر انقلاب کبیر
و نبرد در راه استقرار جامعه
کمونیستی الهام گرفته اند
فیلم های تاریخی شوروی به خاطر
پرداختن به رویدادها مراسم
، شیوه های زندگی ، روابط
تولیدی و شرایط طبیعی بسیار
زیاد ، از نظر شکل بسیار متنوع
اند حماسه های تاریخی
نمایش های تاریخی ملودرام ها
کمیدی ها بر حسب دوران های
مورد تفاوت اساسی دارند
(با فیلدار)



هنر سینما در اتحاد جماهیر شوروی از قدرت بیانی برخوردار است.

های اخلاقی هنر سینمای شوروی
سرسشت فیلم های تاریخی شوروی
را تعیین کرد در حالی که اکثریت
غالب فیلم های تاریخی بورژوازی
وایی با وجود کیفیت هنری عالی
بعضی از آن ها عمدتاً برای سر -
گرم سازی تهیه می شوند و لذا
صرفاً به زندگی خصوصی
شخصیت های تاریخی می پردازند
و برداشته های آزاد و علت
گمراه کننده ای از واقعیت
عرضه می کنند فیلم های تاریخی
شوروی تحت تأثیر فلسفه
مارکسیستی - لنینیستی و ما تر یا -
لیسم تاریخی روند های اساسی
پیشرفت جامعه بشری و فعالیت
مترقیانه چهره های برجسته
را بر پرده سینما باز می آفریند -
یافتند فیلم سازان شوروی با درک
تفاوت های اساسی میان تمدن
بیر علمی و تاریخی و هنری گذر -
شته و باتکیه بر تخیل خلاق آثار
خود را بر حقیقت و مقیاس
تاریخی و برترسیم با اجتماعی
حوادث و شخصیت های تاریخی
متمرکز نموده اند .

سرسشت چند ملیتی سینمای
شوروی را نیز باید در نظر داشت
هدف این سینما نه تنها تصویر
سازی مسیر تاریخی خلق روس
بلکه همچنین خلق های اوکراینی



یکی از هیروئین فیلم های اتحاد جماهیر شوروی

عشق او بښکلا پيژندنه

افلاطون کلکه عقیده درلوده چي هر هغه څه چي ښکلی څيره لري دلومري ښکلا بڼه خاصه خوا را ښيي، چي دغه فکر اوس خاص ارزښت لري. سقراط به هم ويل چي: «ښکلا داسي سي نه دي چي انسان په زړه او وښيان د هغه صفت پوري وتړي، بلکي د ښکلي سي څخه اخواته يوه في نفسه يا په خپل ذات يوه ښکلاسته دي». خو د افلاطون په عقیده مطلقه ښکلا دسيانو څخه وړاندې سته والي لري، او دغه ښکلا دهغه تلپاتي ښکلا اوڅونه څرگندوي. عشق د مطلق ښکلا پوري اړه لري او ددي له پاره چي دځمکي په سر په ټولو ښکلو سيانو په ماهيت او جوهر وپوهيږي نو خپل ذهن بايد له هرڅه پاک او سوچه کړو. او داسي يو لومړني ذهني حالت ترلاسه کړو چي هېڅ بله څوانه دي. پدي صورت کي انساني ذهن دي ته تيارېږي، چي ښکلي وپيژني، د افلاطوني عشق سرچينه هم دلته ده ياداسي پوترکيبي کيفيت دي چي خپله هستي نفی کوي يعني داجي مون نه يو موجوديت نه لرو. ددي هيلي دلول دل چي هستي نه شته داډول عشق دنااميدي څخه يو ډول ډک اميد اوهيله وه. داسي رغبت او دندې نه دکه غوښتنه ده لکه دپوي او پدي دښتي جل وهلي يادداسي سکروټي مثال لري چي په ايره بدلېږي او بيرته له ايره څخه زرغونېږي په مېنولوژيک او فوکلوري لحاظ دغه ډول تنده زيات سمبولونه لري. لکه دسمنډر چنچي چي په اورکي ژوند کوي يالکه شمع د پتنگ په وړاندې لېلا او مجنون، يوسف او زليخا دختيز ادب سمبولونه دي. خو افلاطوني عشق يوه نه خلاصيدونکي تنده ده، داسي چي هېڅونه ترسره کيږي. بلکي پورته ځي، او کمال مومي.

د افلاطون څخه وروسته د عشق په باره کي پوهانو او صوفيانو په بيلا بيلو ډولونو خپل نظر يات څرگند کړي دي. د صوفي عشق

عشق يا مينه ډير ژور او دقيق مفهوم دي. چي به اوسنيو وختو نو کي دومره زيات په واقعي مانا نه کارول کيږي. عشق په تېرو پيړيو کي د بيلا بيلو پوهانو، صوفيانو، او فيلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصليه مانا کارول شويدي د لرغوني هند په فلسفه کي د عشق مفهوم په باره کي دا عقیده شته چي د انسان غوښتنې او تمايلات درې اساسي منبع لري چي له ساه، عقل او بدن څخه عبارت دي: چي روح مينه زېږوي. عقل د درناوي سرچينه ده. او دوجود غوښتنې، رغبت او هيلې ايجادوي. تر زياتي اندازي، د عشق په باره کي دانتظر دو مړه بي ځايه نه دي. خو پاتي دي نه وي چي دغه مفهوم ديو سوسيا لوجست په نظريو څه شي دي او د فلاسفه وروپه نظر بل. او ديو صوفي په نظر بل څه دي. خود دوي ټولو په نظر کي يو هم ټکي هم شته او هغه دادي چي سره ورته والي لري چي د يو انسان د نني خصلت څرگند وي.

دعشق او ښکلا پيژندنې داړيکو په بساپ بايد ووايو چي عشق د انسان د عاطفي اورواني نړۍ يو حالت دي او ښکلا پيژندنه هم داسي پوهنه ده چي د انسان د خورا ظريفو طبيعوا ارزښتي غوښتنو د احساس په باب بحث کوي.

خو کله چي په زوره تو هم موضوع څيړو، نو په لرغوني فلسفه کي مو د افلاطون نظر په فکر ته راځي ځکه افلاطون دنيايي شيانو ته په يو ډول چمال او ښکلا نابل دي نو د هغه په نظر دغه شيان پخپل ذات کي ښکلي نه دي بلکي ددوي د ښکلا منبع او سرچينه بله ده چي هغه لومړني واحد واقعيت دي او د هغه واقعيت (د افلاطون په نظر) انعکاس او څرگندېدنه په شيانو کي د شيانو د ښکلا سبب کيږي.

صوفي هم کله له ځانه پردي شي او ده حق، په ويلو يي دغه تنده څرگنديږي. زمونږ د دوران څخه لږ د مغه يو متفکر دعشق په باره کي وايي: عشق دانسان د معنوي فعاليت دنکامل پيره اوچته مرحله ده. هېکل «دژوند په معجزه» کي ليکي چي: «وستر مارک د انسان دوا ده په تاريخ کي څرگنده کړه چي څرنگه دغير مدني او بدوي خلکو د واده ډير وروسته پاتي اوښتې احساسات په گراړه، گراړه په لطيفو او نرمو رواني ژبه خوږيو، مينې تله اوچت سول اواخير عشق چي له هغو يي هم زيات ارزښت درلود، منځ ته راغی. او د انسان د معنوي فعاليت خورا ستره سرچينه شوه اوپه خاص ډول په تجسمي هنرونو لکه موسيقي او شعر کي يې څرگنديږي». نو دلته چوښيږي چي عشق داسي احساس دي چي د انساني تاريخ دټول اوږده تکامل محصول دي. او په دي برخه کي مونږ ته داهم چوښيږي چي د انسان سره نني عواطف او احساسات هر دم ملگري نه وو. بلکي د ژوندانه په يوه خاصه مرحله کي رامنځ ته شول، تکامل يي وکړ. او د عشق سطحي ته ورسيدل. نو پدي لړ کي داهم ضرورده چي ووايو چي عشق هغه ساده نني دي چي دنوروعالي عاطفي مراحلو څخه پرمخ يي دي چي عشق څکه ساده بويښي چي انسان دښه هېکل، جوړی، او اندام په درلودلو د مخالف جنس خوښيږي او په مخالف جنس کي د غوښتنې يوه انگيزه را ولاړ وي.

داسي عشق نه دي لکه دپوه زکمي عشق دپوي بغيي سره... بلکي هغه يو ډول خاص جريادي داسي چي؟ خپل وجود او هويت له لاسه ورکوي او بوبل څه کي يابلنه دويي کي ځان وره کوي او هلته خپله تجلي ويني. دمثال په ډول هغه صوفيان چي پخپل صوفيت کي له ځانه نه ځانه شوي دي. دغسو په برخه کي عشق يو داسي مفهوم دي چي هغه څخه په يوږدي تنوي قدرت کي «خپل وصل مومي» او خپل عشق کامل بولي. منصور ولي دومره مشهور سو چي ان په بېشو لنډيو کي يي کونگوسي راځي لکه چي وايي: دژبکي حال ويکي تشم منصور درډونو حال وایا چي به دار سوتا.

بايي رحمان باباله اورنگ زيب او ساه جهان چي دوخت شاهان وو هم سورته بولي چي:

سناه جهان او اورنگ زيب غوندي اشراق، صده شه تر منصور غوندي نفاق
دصوفي عشق څرگند سمبول همدا منصور دي چي د سمنډره په څير هر چاته معلوم سو داجي هغه په دي لاکړي دومره ځان څرگند کړ چي دپرتو فرهنگ کي ځای نيسي، ټول سو مطلب دي. او هغه داجي: په تصوف کي هم دصوفي اويي پير ناپايه اونه خلاصيدونکي مينه تنده او داسي تنده چي په تنده کي يي خوند زياتيږي، دافراط مرحلي ته رسيږي. او عاشق له ځانه پردي کيږي.

داتیک (اخلاق) او استیتیک (بشکلا پیژندنې) په

برخه کې رول لري .

عشق د کلمې په نوي مانا دا مفهوم لري

چې د انسان سره مرسته کوي چې د انساني

احساساتو څخه د انساني مرحلې په لا پورته

پیلوکی مرسته وکړي .

زموږ د زمانې په هنر او ادبیاتو کې د عشق

انساني اغیزه څرګنده ده .

نو پدې اساس : داسې ډیرې بیلګې وینو

چې په هنر کې د انساني اوچتو احساساتو

څپې ګڼته پورته کېږي، او انسان ته نوي

دوناوي اخلاقي سپېڅلتوب ورپه برخه کوي .

پیسو په دام کې نښتی عشق د انساني عشق

څخه ځانګړې نښې احساسات، عواطف او معنوي

شخړې او اخلاقي ارزښتونه چې د عشق له مخې

منځ ته راځي دارنښې چې عشق په کومه اندازه

زه یوه داسې سپینه دنیا یم لکه د توري پر لکه

له لیرې وځلیري ، هغوی چې زما دستر گو

بتدیان دی په غلطې مې په خوله راځي

ددغه وخت انسان د منځنیو پیړیو ټولې

هنکړې غورځوي او ځان خپلواک بولي ، ان ښځه

لادکرګواو بدبینو څخه ځان زغوري او وایي

چې عشق باید یو سپیڅلی او مقدس احساس

وي، عشق او هوس باید یو شی نه وي .

په منځنیو پیړیو کې جنسي عشق فردی خوا

درلوده او په لرغوني دوینا کې دواړه کولسو

جنسي عشق ذهني غوښتنه نه ده بلکه یو عيني

وظیفه ده دواړه بنسټ هم نه وو . بلکې دواړه

په اړیکو کې یو یوه مېشته اغیزه درلوده . په لرغوني

زمانو کې دغه عشق یوه خوا درلوده . هغه هم د

نارینه په خوا ښځه پدې برخه کې ډیره

سپیکنده . . . زموږ د زمانې جنسي عشق د پخوا

وختونو سره توپیر لري ، ځکه چې د نن ورځې

نوي انساني عشق د دواړو خواو خوښی او

رغبت ته اړه لري . پدې اساس چې ښځه هم د

نارینه سره یو شان وبلله شي .

په منځنیو پیړیو د شوالیه و عشق ددی

سبب شو چې د هغه وخت په هنر کې وځلیري .

د منځنیو پیړیو شاعر د هغه وخت د شوالیه

څیره او ښکلا تر سیموې او د بل چاد اړتیا

سره دهغه عشق داسې نښې چې دنورو منځنیو

په ادب هم اغیزه کوي .

په رنسانس کې د جنسي عشق تر اړوندی

مستی شوی رهتوژولیت د شکسپیر شاهکار

دهغې یوه نښه ده . دروموژولیت شاهکار داسې

هنري تخلیق دی چې د رنسانس د زمانې د ښځې

اونارینه د عشق خورا گرمی او تودې خبرې

دی هغوی د خپل چار په باب په ډیر غور او

ویاې سره څرګند ونه کولی . او له هیڅ ډول

خطر څخه ډډه نه کوي . او له دې مطلب څخه

دا هم بریښي چې درنسانس د دورې ښځه

عشق په واقعي مانا پوه شوی وه، او د عشق

مفهوم یې ژوو درک کړیدی د لرغوني یو نان

د ښځې برتنه چې هغې یواځې په خوب کې

لیدلای شول دا وخت یې عملا وینی او کوي

یې .

دساری په توګه د هغه وخت په یوه اثر کې

دیوی ښځې له خولې خپل عاشق ته داسې ویل

کیري چې : دزه دوینا ته خپلواکه راغلم ، اوله

دغه خپلواکۍ څخه د ګټې اخیستو په خاطر مې

ددغه کروندوی شپې ورځې غوره وګڼلې ، ددغه واده

وتی زما ملګری دی . ماته ددی خوډ پارچا و نووونو

درږو ویالو څخه بله غوره هنداره نشته . زه خپل

فکر او ښکلا په دغه ونو او پارچاوونو وېشم



برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

پیش‌تاز

ایکه آرمان وطن داری بسز
نیست بالا از مقام تو دیگر
ما خروشا نیمو یکجاگردهم
پیش‌تازان و شتابان ظفر
دوستان تاریخ را برگشت نیست
گرچه ره دشوار هست و پرخطر
راه ما کار و شعار ما ست صانع
هیچ نیست از دشمنان ما احذر
کارکن و این مملکت آباد کن
تا نباشی مفت‌خوار و دریدر
کاروان پیشرو را در سفر
سد تسازد خار و خس‌دوره‌گذر
از بهار فیض آزادی نگر
بشکفتد گلها به هنگام سحر
بهر آزادی سرو جانم سدا
من کیم؟ پورا صیل کارگر
می‌نمایم نغمه میستانه‌ی سر
می‌سنایم دهقان و کارگر
این همه آبادی «عادل» از کجاست
جملگی محصول دست کارگر
از: حبیب «عادل»

برگ پائیز

برگ پائیزم که از شاخ چنار افتاده‌ام
شاخه خشک کنو ذرات برگ‌ویار افتاده‌ام
نقد هستی داده‌ام از کف زبیت روزگار
در میان مردمان از اعتبار افتادم
حسن او جوش بهار است، لعل‌لایلیات
لیکن دوزخ همان لعل‌ویار افتادم
اشکها از دیده جبروت بدامن ریختم
تا که در گوی فرات بقرار افتادم
شعله شمع که سوخته و وجود خویش را
قطره اشک ز چشم انتظار افتادم
برآمد آنکه تارکف بگیرم دامنش
در مسیر جلوه گاهی چون غبار افتادم
کس بکف‌آسان نیارد محو تارکف را
زین سبب در بحر عشق بقرار افتادم

دستگیر نایل

شعر منعکس کننده

ارمان مردم است

شعر و شاعری نیز مانند بخشهای دیگر هنر
ها مراحل گوناگون تکاملی خویش را پیموده
و ادوار بدوی و افسانوی خود را پشت سر
 گذاشته و تا مرحله کنونی که بخاطر بر ملا
 ساختن واقعیت‌ها جان گرفته، رسیده‌است
 قبلاً چنین پنداشته و گفته میشد که استعداد
 شعر موهبی از جانب طبیعت بشما به تحفه
 بی‌برای انسان اعطا می‌گردد، بوجه خاطرتوت
 این ادعا استدلال میشد که یک شخص به یک
 روز شاعر نمیشود و حتی مدت زیادی نیز
 مشاهده شده است همان شخص با سرودن
 شعر چندان علاقه هم نداشت مگر وقتی که
 صبح از بستر خواب برخاسته نه تنها با
 سرودن یکتو از شعر بلکه با ساختن و گفتن
 انواع از اشعار آشنایی حاصل نموده است.
 عبارت متذکره فوق تا مدت‌زیادی برای انسان
 قناعت بخش بود که البته توأم با تکامل و
 پیشرفت بخشهای دیگر هنر‌ها در زمینه‌ی
 شعر نیز نظریات رشد نمود و خود را به
 مراحل نو کنونی رساند.

هر آن چیزی را که ما از مشاهدات زندگی
 روز مره خویش و یا از تجارب دانشمندان
 دیگر آموخته ایم این حرف را تأیید میکند
 که مردم معمولاً در مرحله جوانی خود بسا
 سرودن شعر علاقه‌ی نشان میدهند، البته
 منظور از سرودن شعر آنها تنها این نیست
 که خویشان را سرگرم نگه‌دارند و در قصر
 تغزل برای خود مشغولیتی پیدا کنند بلکه
 این خواست دینی اوست: چنین مردمانی
 زیاد به چشم خورده‌اند که قبلاً نه تنها اینکه
 با سرودن شعر بلکه با شنیدن آن نیز علاقه
 نیکو نداشتند، لیکن بالاخره تحت تأثیر یک
 قوه ناگهانی (که البته قوی هم علت خاصی
 دارد) می‌آیند و با نوشتن ابیات دینیت می‌زنند
 حر فبا و کلمات شیلان وزن پیدا
 میکنند و حتی گاه، کام در جریان صحبت
 های عادی خود تغییر لجه را احساس میکنند.
 شاعر نو نیز نمیداند که تحت تأثیر چگونه
 قوه‌ی در آمده و هدایتی از نوشتن شعر
 چیست؟ خود را از مردم نسبتاً ناآرام احساس
 میکند به این ترتیب در چهار چوب خویش

برای خود یک روش و راه خاصی را انتخاب
 کرده می‌باشد، این حالت بلا وقته او را
 تحریک میکند تا از مردم تجرید و جدا باشد.
 برای نوشتن اشعار در دل شب تاریک از
 خواب برمیخیزد که این حالت در شعرای بزرگ
 جهان بنحو خوبی مشاهده میگردد.
 باید متذکر شد که در اتکال نوشتن
 اشعار، در احساس شاعر یکتو عشق و
 محبت عمیق و پایدار خفته می‌باشد که در
 الفاظ عادی و معمولی ارائه شده نمیتواند.
 «چاینگ» میگفت (شعر محبت طبیعت را برایم
 باز گو میکند تازه می‌احساسات جوانی را می
 ستاند، تشنگی با شتاب و جدی و سم بهار
 را آرام میکند که بالاخره بوسیله احساسات
 پاک انسان را بر آینه خود
 امیدوار می‌سازد چاینگ که خود یک شاعر
 بزرگ بود عقیده داشت که تحریک مهر و
 محبت در حرفهای عادی و روز مره افاده شده
 نمیتواند بلکه حتی بعضی اوقات ابیات بسیار
 جالب و پر از مبالغه نیز نمیتواند که احساس
 محبت را به نحو احسن ترسیم کند. چاینگ
 متذکر میشود که هیچ کاری مشکل دیگری از
 این نیست مثل اینکه یک عاشق برای معشوقه
 خویش احساسات خود را ترشح میکند.
 همین علت است که انسان برای اظهار
 نمودن محبت خود به شعر و شاعری روی
 می‌آورد و عشق بخاطر داشته‌اش او را در
 اوقات معین به سرودن اشعار وادار می‌سازد.
 حالت هر مؤد شاعری در آن دل ریشه‌های
 عمیقی دوانیده و در وقت ترشح محبت آنرا از
 دل بدر میکند.

ولی به سبب اینکه تمام مردم برای شعر کوبی
 و آواز خوانی و نوازندگی و
 می‌فی آواز خوب و استعداد مناسب ندارند
 لذا در کار خود پیشرفت نمیتوانند و آهسته
 آهسته از آن دست بر میدارند.
 از بحث فوق به این نتیجه میرسیم که
 شعر زاده محبت و خواست پایدار طبیعت است
 که تفریح عالی روحی می‌چودات زنده بشمار
 میرود.

مژده

ای چلچراغ شری
ای آسمان صاف
ای خاک مرد خیز
ای توده‌های پرغم و پرنج و برامید
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد
دیگر طلسم ظلمت شبها شکست
و باز
دنیا برای مردم ما گلستان شد
این مژده بشنوید
که آغاز زندگیست
آغاز تاب نا کتر از صبح نوبهار
آغاز نور بیز
آغاز روشنی
آغاز انقلاب
آغاز با صلابت و سنگین و پر وفار
آغاز کار ژارشر یفانه و شدید
برضد فتنه‌گر
برضد زورگوی
برضد بهره‌کش
برضد آنکه بود به خاق همجو
ازدها
این مژده بشنوید
ای مردمان شهر
ای ساکنان ده
دو ژرف دره‌ها
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد
دیگر طلسم ظلمت شبها شکست
و باز
دنیا برای مردم ما گلستان شد.

آیا میدانید که دستکول از کدام زمان رواج داشته است؟



هاتوجه خاص مبذول میشد و به همین خاطر این نوع اسباب از جمله اجناس قیمتی و باارزش شمرده میشد که مورد علاقه ی زیاد زنان قرار داشت . از همین رو وقتی مردی به زنی هدیه و تحفه گرانبهائی میداد حتما در پهلوی آن يك يا چند دستکول می بود و این خود می رساند که در آن روز کار این نوع دستکول ها چقدر با ارزش بود- بهر حال این دستکول ها با این خورچین ها آرام ، آرام نظریه شرایط وقت و زمان شکل و فورم خود را تغییر داد و بیشتر به ظرافت و زیبایی آن افزوده گشت که مورد علاقه ی و پیسنده خاطر زنان قرار گرفت ، همین امر باعث شد که دستکول ها از شکل مردانه آن خارج گردد و بیشتر فورم زنانه یافت که زن ها لوازم آرایش و پول و بعضی جواهرات خود را در آن می گذاشتند . که البته امروز هم زنان به همین منظور از دستکول استفاده میکنند .

در آن روز کار عدۀ از زن ها که می خواستند از شوالیه های مورد علاقه و نظر شان ابراز قدر دانی نمایند با دادن خورچین بصورت هدیه و تحفه ابراز محبت میکردند . بهر حال این خورچین ها در طول مدت زمان نسبتا درازی انکشاف قابل ملاحظه ی یافت و از شکل کلاسیک و قدیمی خویش که بیشتر برای مرد ها مورد استفاده بود خارج شده و یکی از وسایل ضروری زن ها قرار گرفت .

این تحول باعث شد که مرد ها دیگر کمتر از دستکول یا خورچین استفاده کنند و جای آنرا جیب های بزرگ و فراخ گرفت که معمولا در لباس های آن وقت جاداده میشد . اما برعکس خانم ها از دستکول های کوچک و خیلی ظریف دستی که بیشتر برای نگهداری پول و جواهرات بکار می رفت استفاده میکردند .

درفرن ۱۸ و ۱۹ باز هم تغییراتی در ساختمان

دستکول های ظریف و زیبا که در آن عصر رواج داشت استعمال کنند . در همین آوان که بازار دستکول ها رونق فراوان داشت یک نوع دستکول های یونانی رواج پیدا کرد و هر خانم در آن روزگار بخاطر اینکه زن مشخص وزن روزمره ی شود . حتما از این نوع دستکول با خود حمل میکرد ولی عمر این دستکول ها کوتاه بود ، و جای آنرا انواع دیگر دستکول ها گرفت . پس از سپری شدن قرن ۱۹ تغییراتی زیاد در ساختمان درونی و بیرونی دستکول ها رونق گرفت این تغییرات نه تنها در شکل ظاهری آن محدود نماند بلکه در جنسیت آن نیز تحولاتی پدید

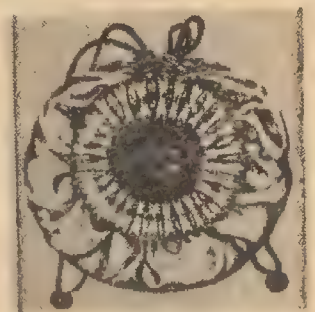
بقیه در صفحه ۴۴



دستکول ها رونق گرفت و انکشاف بیشتری یافت . این باعث گردید که زن ها به آن علاقه ی زیادی نشان بدهند و بیشتر از گذشته به آن متمايل گردند . اما با آنهم دستکول های گذشته از چشم نه افتاد و ارزش سابق خود را از دست نداد دستکول های که در قرن ۱۸ و ۱۹ رواج پیدا کرد نسبت به گذشته ظریفتر و قشنگتر گردید . این امر باعث شد که زن ها در پهلوی لباس های لیشنی آن وقت حتما

کدام بهتر نیست و از شما هم نخواسته ایم که در این باره جواب دهید ، در این جا مقصد از معلوماتی است درباره سیر تحول و انکشاف دستکول ، خورچین ، توبره ویا هر نامی که داشته است میباشد .

تاریخچه دستکول یا شبیه آن یعنی چیزیکه خانم ها ضروریات شان را در این آن می گذارند از خیلی قدیم یعنی تقریبا از هزار سال قبل از امروز رواج داشته است . شوالیه های اروپا که خیلی توجه در قسمت لباس خود داشتند و باید میکوشیدند تا لباس های زیبا بپوشند آنها در پهلوی این لباس های زیبا معمولا خورچین یا يك نوع دستکول با خود حمل



میکردند . البته باید متذکر شد که دستکول و یا خورچین که آنها بکار میبردند به شکل دستکول های امروزی نبوده . این دستکول ها توام با یک نوع کمر بند که در آن شمشیر و یا بعضی آلات دیگر آویزان بود مورد استفاده قرار میگرفت اما زن ها در آن زمان یک نوع دستکول را با خود حمل میکردند که بیشتر به خورچین های امروزی شبیه بود در همین آوان بود که رقابت میان شوالیه ها و هم چنان میان خانم ها برای داشتن دستکول بالا گرفت و هر يك میکوشیدند که دستکول بهتری نسبت به دیگری داشته باشند . برای شوالیه ها مردان جنگی این دستکول ها بیشتر حیثیت يك آله حربی بشمار میرفت و از همین رو در این این نوع دستکول ها انواع گارد ها ، قله ها ، چاقو ها و بعضی دیگر از آلات حربی آن وقت دیده میشد . در این زمان در قسمت ساختن این نوع خورچین ها و دستکول

بنظر شما کدام يك راحت تر و بهتر است ، داشتن يك جیب فراخ و آزاد ویا دستکول و خورچین ویا امثال آن ؟ شاید بحث و مناقشه روی این موضوع بیپایان باشد . ممکن است مرد ها بگویند که جیب فراخ و آزاد بهتر از يك دستکول باشد شاید خانم ها عقیده غیر از این داشته باشند و در نظر آنها داشتن يك دستکول بهتر از يك جیب است و ممکن حق بجانب هم باشند زیرا خانم ها چیزهای با خود حمل میکنند که از گنجایش يك جیب بدور است . بهر حال موضوع این نیست که کدام يك بهتر است و

آب یاز ندگی!!

چگونه میتوانیم از آلودگی آب

جلوگیری کنیم؟

چرا آبها کثیف میشوند؟

تکثیر نفوس و مساله آلودگی

آب...؟

مکروبها و اختراع ادویه ضد آنها بوجود آمده است ، به شناخت میکروب های عیدیه ای که در آب آلوده زندگی میکنند آشنایی کامل پیدا نموده و تدابیری نیز برای جلوگیری از نشو و نمای میکروبها و پاک سازی آب اتخاذ شده و در کشور های متری چنین پرابلم حل گردیده است ولی در ممالک عقب مانده که هنوز اکثریت مردم از نعمت سواد محروم اند و در جاهایی زندگی



ایشهم طریقه دیگری از استحصال آب در یکی از محلات بنگله دیش .

پرابلم های عیدیه در سر راه زندگی مردم این کشورها هنوز قرار دارد که هر کدام عوامل پرتاثر در عقب مانگی آنها از کاروان



می کنند که یا اصلا کم آب است و یا آبها آلوده میباشند که نسبت مشکلات اقتصادی ناشی از استفاده از امپریالیزم غرب و بغاوت رفتر سرمایه های ملی آنها بدست امپریالیزم ، حکومت های آنها توفیق نیافته اند تا پرابلم کمبود آب نوشیدنی و حفظ الصحه معیشتی را حل نمایند در این کشورها اطفال از فقدان آب و غذا تلف می شوند و خانواده های زیادی دچار مشکلات ناشی از کمبود آب میباشند که متاسفانه موسسه ملل متحد نیز نتوانسته است مشکلات مردم را از ناحیه آب مشروب صحتی ، و حفظ الصحه صد فیصد حل نماید ، زیرا تا وقتی که خود مردم این کشورها از نعمت سواد برخوردار نگردند و به پای خویش نایستند و عوامل عقب مانگی را از میان نبردارند هیچ قدرتی نمی تواند که بصورت کامل وفور توده های مستضعف جهان را از فشار های ناشی از کمبود آب و غذا نجات دهد .

موسسه ملل متحد و موسسات غیره جهانی در راه توسعه کشور های عقب مانده طریقی در ربع قرن اخیر بتقاضای کشورهای متری جهان



آب عنصر با ارزش است که نه تنها برای آشنامین لابل استفاده است بلکه برای شست و شوی از آن استفاده می آید .

در سطح پایین قرار دارد . امروز اگر از یکطرف نوع و کشور های یاسدار رفاه و سعادت توده های محروم و عقب مانده برای بلند بردن سطح زندگی جوامع عقب نگذاشته شده که نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی آنها میراث شوم امپریالیزم جهانی است ، می کوشند از سوی امپریالیزم جنگ طلب با اختراع و بیعانه آوردن سلاح های پیشرفته کیمیاوی و اتمی در بحر و بر باعث آلودگی آب و محیط زیست می شوند که حتی برای ماهی ها و سایر حیوانات آبی در آبجبار عرصه زندگی تنگ شده می رود .

تنبیه آب برای تنظیم محیط زیست و پاک سازی آب از آلوده گی ها برای نوشیدن ، مساله ای است که از بدو پیدا ییش بشر بر روی زمین در سر راه انسان قرار داشته و انسانها همیشه کوشیده اند تا از آب پاک و صاف استفاده بنمایند ولی پاک یی و نا پاک یی آب تنها به بسی بویی رنگ و بوی آلوده بودن آن تشخیص شده نمیتواند و تجربه نشان داده که در هر کشور با پاک هزاران میکروب زبان آور موجود بود و نوشیدن چنین آب باعث بروز امراض و حتی سبب تباهی انسان ها می گردد .

در گذشته ها که تعداد نفوس جهان کم بود و چشمه ها ، کاریز ها ، آب دریا ها و حتی آبهای زیر زمینی بحالت طبیعی بودند برای نوشیدن بشر آنها را متکا تف نساخته بود برای نوشیدن مطمئن تراز آبهای جاری امروز بودند . در عصر حاضر که بشر به ترقیات مزیلی نایل آمده و ماشین های خود و بزرگ جهت تشخیص

آب سبب ادامه زندگی حیوانات و نباتات در روی زمین است و بدون آب هیچ زنده جانی نمی تواند زنده بماند ، آب در طبیعت باندازه کافی موجود است و از قدیم آب باندازه ای در روی زمین از ترکیب دو عنصر اکسیجن و هایدروجن بوجود آمده است مقدار آب سالانه در بعضی نقاط جهان بیشتر بمشاهده میرسد و در برخی نقاط هم خشکسالی هایی رونمایی گردد ولی همانطوریکه گفتیم مقدار آب در طبیعت نه کم می شود و نه زیاد بلکه بشکل بغار و وریش باران در بعضی سالها منطقه ای را سیراب می کند و گوشه ای دیگری را دچار خشکسالی های طاقت فرسای می سازد که حیات را برای انسان هادشوار می گرداند .

نباتات و اکثر حیوانات از هرگونه آبی که شور نباشد برای دوره حیات شان می توانند استفاده نمایند ولی استفاده انسان از آبها انفجار نفوس در جهان مشکل تر شده می رود یعنی همانطوریکه آب باعث ادامه زندگی انسان است گاهگاهی خطرات ناشی از آلوده بودن آن جان انسان را می گیرد و باعث شیوع امراض موناگون در بین توده های وسیع متوطن در منطقه می گردد .

باید گفت که انسان خود باعث آلودگی آب در روی زمین شده است و با انفجار نفوس و فابریکات تولیدی متنوع و توسعه شهر ها امروز در کنج و گنادر دنیا آب آلوده شده می رود و پاک سازی آن پرابلمی است که در کشورهای عقب نگذاشته شده حل آن فعلا مشکل است و دوسال کشور های عقب مانده با آب کافی بسترست مردم قرار ندارد و یا اگر دارد ، آلوده است که در چنین مناطق مرگ و میر زیاد بوده و عمر افراد

ترقی و تحولات اجتماعی جهان می باشد. از آنجا که آب در حیات انسان نقش بزرگی دارد و رعایت حفظ الصحه محیطی و پاک سازی آب از مکروبیها طول عمر و نشاط انسان را تضمین می کند.

موسسه ملل متحد، دهه بعد از سال ۱۹۸۰ را بنام تهیه آب آشامیدنی برای مردم نامیده و این اقدام نیکوی ملل متحد یکبار دیگر این یگانه مرجع آمال و آرزوهای مردمان عذاب کشیده را در برابر يك آزمون بزرگ تاریخی قرار میدهد که موسسه مذکور تاجه حد می تواند در پروژه های آب آشامیدنی و توسعه بستر سبز در کشورهای عقب نگذاشته شده و بلند بردن عمر وسطی در کشور های روبانکشاف به پیروزیهای نایل آید. جای تردید نیست که بیشتر از همه جهان ما امروز به صلح نیاز دارد، هرگاه تجاوزات امپریا لیژم جهانی بر کشور های عقب مانده جهان قطع گردد و امپریا لیستان چشمان آزمند شانرا به ثروتهای طبیعی این جوامع ندوزند واسپ لجام کسب خه امپریالیژم توسعه طلب مهار گردد. کشورهای ضعیف به کمک موسسه ملل متحد جهان متری و دیگری موسسات خیریه می توانند مشکلات ناشی از کمبود آب صعی را نیز برای ادامه حیات و زندگی بهتر حل سازند :

امروز از طرف کشور های امپریالیستی بلیارد هادار صرف تسلیحات ستراتیژیکی و اسلحه ذروی می گردد و لیارد های دیگر را برای تجاوز به خاطر تامین منافع امپریالستی شان در نظر میگیرند که هرگاه توسعه طلبان وسلطه جویان این مبالغ هنگفت واد راه تامین رفاه مردمان محروم خود شان و مردم عقب مانده کشور های روبانکشاف صرف نمایند بدون تردید پول و دارایی که ثمرکار ملیون هازمکنش است در راه تامین رفاه و سعادت انسان به صرف میرسد .

امروز دگر وقت آن نیست که مردمان کشور های عقب مانده و مردمان تحت ستم متوطن در کشور های امپریا لیستی لباس قناعت را در بر کنند و بلعین ثروتهای شانرا از طسرف انحصارات امپریالیستی تماشا نمایند . اکنون وقت آنست که موسسه ملل متحد صلح جهانی را تامین کند و نظم نوین اقتصادی را جاگزین نظم کین و پوسیده گرداند تا مردمان تحت ستم

بتوانند مشکلات عدیده صعی شانرا بر طرف سازند .

بر مردمان محروم کشور های امپریالیستی و مردمان عذاب کشیده سراسر جهان است تا بیش از پیش متحد گردند و راه را برای بهتر استفاده کردن از آب و هوای محیط زیست شان هموار گردانند، مردمان کشور های روبه انکشاف که سالیان متمادی مورد تجاوز امپریا لیژم قرار داشتند اکنون حق دارند که بقایای امپریا لیژم را از عرصه کار و پیکار انقلابی شان برای رسیدن به زندگی بهتر که آب آشامیدنی صعی و آب کافی برای زراعت و سرسبزی است نابود سازند و خود با دست خویش و به مساعدت دوستان واقعی شان نیاز مند یهای شانرا برآورده سازند که موسسه ملل متحد طی ده سال آینده بهترین مشوق و کمک کننده آنها در برآورده شدن این مامول بزرگ خواهد بود. مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثوریه و ده مرحله نوین و تکاملی آن موانع را از سر راه پیشرفت و انکشاف شان برداشته اند و در روشنی انقلاب ملی و دموکراتیک خویش در پهلوی جهش های اقتصادی دیگر بسوی آبادی و سر سبزی کشور و تهیه آب آشامیدنی صعی به پیش میروند طی ده سال آینده مشکلات ناشی از کمبود آب آشامیدنی صعی را که میراث شوم نظامهای فرتوت گذشته است رفع می سازند .

از آنجا که مردم کشورها آرزوی آبادی و رفاه و سعادت مردم آنها دارند از انقلاب ثور که مضمون و پاسدار این آرزو مندی شان است چون مردمك چشم حراست بعمل می آورند و موانع را از سر راه خویش بدور ساخته در تامین نیاز مندی مردم خویش از ناحیه آب آشامیدنی صعی و تامین حفظ الصحه محیط، همت می گمارند مادر حالیکه پروگرامهای نافع و سودمند موسسه ملل متحد را در زمینه تهیه آب برای ده سال آینده بدریده قدر مینگریم امیدواریم تا این پروگرام موسسه جهانی جامه عمل بیوشد و نیاز های عدیده مردمان کنج و کنار جهان را از این ناحیه برآورده گرداند .

در کشور تایلند مساعی زیادی در جهت تهیه آب آشامیدنی بخرچ داده میشود .



استاد میر عماد خط نستعلیق را بسط و توسعه بیشتر داد و در این قسمت اوشیوه بخصوص را تعقیب میکرد و در زمان همین استاد بوده خط نستعلیق را عروس خط ها میداد نهند. در همین اوان بود که آوازه و شهرت او نه تنها در کشور ما پیچید، بلکه در بسیاری از ممالک اسلامی پخش گردید، امرا و صاحبان ذوق با داشتن یک یا چند قطعه از خط این استاد افتخار میکردند و آن را به منزله گنج گران بهای نگهداری می نمودند. آیا خطاطی را هنر میدانید؟

چرا، نه، بنظر من خطاطی همیشه و در همه حال یک هنر بوده و در آینده نیز خواهد بود، و قتیکه ما بسیاری چیزهای دیگر را هنر میدانیم و سازنده آنها هنرمند خطاط میگویند

خط با تکامل بشر انکشاف یافت و از حالت ابتدایی بیرون گشت

خط زیبای دری با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است

خطاطی، یک هنر است، هنر والا و باارزش.

هر چیز یکه زیبا باشد و طرف قبول مردم، هنر است

خط های مدرن امروزی بیشتر مخلوطی از نقاشی و خطاطی است



سفیق یما خطاط جوان وبا استعداد.

چرا هنر خطاطی را که واقعاً هنر ارزنده و گرانبهائی است هنر نگوئیم. باید بگوئیم که غیر از این که خط برای نوشتن و کتابت بوده، همیشه قطعاتی زیبای از خطاطان زیب و ذیبت منزل بوده است و بسیاری از کسانی که این قطعات را داشته اند با آن مباحثات میکنند.

شما شاید آبادات قدیمی و تاریخی را در هرات و غزنی و بلخ و در دیگر شهرهای کشور مان دیده باشید، چرا در این ساختمان ها خطوط بکار رفته؟ آیا بکار رفتن ایسن

خط دری جزء مهمی از فرهنگ ملی ما محسوب میشود و به همین سبب است که در این باره جرو بحث ها و گفتگو های زیادی با استادان فن صورت گرفته و هر یک به نوبه خود نظریات مختلفی ارایه کرده اند. و در مورد تاریخچه و زیبایی خط ها مخصوصاً خط نستعلیق که زیاد طرفدار دارد صحبت کرده اند. اینبار بد نیست از جوانان، از آنانی که در آغاز کار قرار دارند نظر بخواهیم و ببینیم این قشر دینامیک و فعال جامعه ما چه گفتنی های در این باره دارند از شفیق یما عاقل معصل صنف دوم پو هنخی انجمنی بو هنتون کابل که در هنر خطاطی ذوق و مهارت دارد و نمونه های خطش از بختگی و زیبایی زیادی بر خود دار است می پرسیم

و اولین سوالم را در مورد تاریخچه این هنر دریا از او میکنم، میگوید:

اگر استبداد ننگم خط با پیدایش بشر ایجاد گشت، اما آن خط به شکل خط امروزی نبوده بلکه صرف خطوط و اشکالی بود، که بشر آن وقت یا بهتر است بگوئیم جامعه آن زمان با آن سر و کار داشتند.

اما از این حقیقت نباید بگذریم که اساس خطوط امروزی همان خط های کج و معوج و اشکال دیروزی است پس خط زیبای امروزی با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است، و در اثر تکامل بشر خط نیز انکشاف یافت و تکامل نمود و از حالت ابتدایی بیرون گشت.

و اشکال مختلف خط بو جود آمد، که هر کدام آن در جایش بر خور داد از زیبایی است.

"اولین خط که دارای قاعده کلی بود، کدام خط بوده است؟

اولین خط، خط کوفی بود که دارای اسلوب خاص و قواعد خاص بخود را داشت. بعداً خط تعلیق و خطوط دیگر مانند خط نسخ، ریهان، محقق، مشجر، توفان و غیره بوجود آمد، پس از مدتی استادان آن زمان از یکجا نمودن خط نسخ و تعلیق، خط زیبای نستعلیق را بو جود آوردند. این خط ابتدا توسط میر علی تبریزی به میان آمد و بعداً میرعلی هروی آن را انکشاف داد و تحت قاعده و قانون خاص در آمد.



نمونه یی از خط یما



این هم نمونه یی از خط سفیق یما که به تنبوه خاص نوشته شده است.



قطعه خط زیبای به سیوه نستعلیق .

خطوط حتمی و لازمی بود . من میگویم که خبر وجود این خطوط صرف بخاطر تزیین و زیبایی ساختمان بکار رفته ، پس این می رساند ، که خط از خود زیبا بی های دارد که در یک نظر انسان میتواند آن زیبایی ها را ببیند و بشناسد . و آنرا بیکه این خط ها را بوجود آورده اند و زاده اند کی ها اند ؟ طبعاً هنرمندان ما نند سایر هنرمندان و شاید هم مقام پر خسته دانسته اند . امروز اگر شما به کتاب های خطی قدیمی نگاه کنید درحواشی این کتاب هانقش های زیبای از هنرمندان ورزیده آن روزگار را می بینید که دربین آن ها قطعه خط ، ازخطاط آن وقت در آن درج است ..

همانطوریکه دیگر هنر ها با هم مرتبطند. خطاطی و نقاشی نیز با هم ارتباط نزدیک دارد .

" آیا يك نقاش خطاط خوب شده میتواند ؟ بجواب این سوال باید بگویم که بلی يك نقاش خطاط خوب شده میتواند اما نه خطاط خوب و ورزیده که کارش از بختی و زیبایی دلالت نماید .

در مورد خط های مدرن چه نظر داری ؟

بهتر است نام این نوع خط ها را نقاشی بنامیم زیرا این خط ها بیشتر رسم میشوند تا خطاطی . اما نباید منکر زیبایی بعضی از این نوع خط ها باشیم زیرا نیازمندان است و اجتماع ما نیز تنوع پسند اند .

" آری این نوع خط ها را هنر می نامی و آن وقت در آن درج است ..



نمونه یی از خط سیاه مشق .

بحث هنر میسناسی ؟ هر چیزیکه زیبا باشد و طرف قبول مردم بنظم هنر است . پس هر چیزیکه مورد پذیرش باشد هنر است ؟ من این طور نگفتم ، هر چیزیکه زیبا باشد و طرف قبول باشد هنر است .

"در بعضی از نمو نه های خطاطی ، بگونه نمو نه خط بنام سیاه مشق وجود دارد که بسیاری آنرا فاقد زیبایی میدانند ، نظرت در این مورد چیست ؟

آنانیکه این طور تصور میکنند استیفاء می نایند ، برای يك خطاط سیاه مشق همان

بقیه در صفحه ۴۴



چرا آن نقاش ، این همه زحمت برای کشیدن اطراف خط کشیده است ، بخاطراینکه آن خط واقعا زیبا بوده و نقاش دانسته است که چقدر اثر با ارزش و گرانبهای میبا شد . شاید کسانی که برای اولین بار این اثر را می بیند بپرسد این قطعه را ، یا این کتاب را کی نوشته است اما نمی پرسد که اطراف آنرا کی نقاشی نموده ، و این خود می رساند که چقدر زیبایی دو خط در می وجود دارد . پس خطاطی يك هنر است ، هنر والا و با ارزش و خیلی هم باارزش .

" در مورد ارتباط خطاطی با نقاشی نظرت چیست ؟

موضعگیری زنان

اساس عمده در آن میناق دوج شد که عبارت است از :

- ۱- پرنسپ رضایت جانین دو ازدواج.
 - ۲- حداقل سن ازدواج
 - ۳- ثبت ازدواج از طرف مقامات ذیصلاح
- همدین سال در ورای گزارشات و تصامیم مورد نظر شورای اقتصادی و اجتماعی سه موضوع آتی که مسایل ارتباطی را با حقوق و موقف زنان مرتبط و منسجم می ساخت تحت مطالعه و مذاقه قرار گرفت :
- ۱- موقف زنان *

۲- معاونتهای ملل متحد جهت ترقی زنان در کشورهای روبه انکشاف و عقب نگه داشته شده،

۳- مسایل مربوط به تکثیر واژ دیسادی نفوس *

ایشه اقدامات به خاطر آن صورت گرفته که در بسیاری از کشور های جهان زنان در امور خانوادگی مثل مردان حقوق مساوی ندارند و در عده از ممالک هم وقتی زن ازدواج کرد حق کنترل و تملک را بر ملک و دارایی شخصی خود ولو که محدود و ناچیز هم باشد از دست میدهد و حتی نفسی هم بواجت نمی تواند کشید *

مزید بر آن تحت چندین نظام حقوقی در اکثر کشورها زن در حصه تربیت فرزند خود حق اظهار رای و نظریه را ندارد و حتی بعد از مرگ شوهر هم حق و صایت طفل خود را نمیدانسته باشد و از حق مسکن و مالکیت خانه نیز محروم می گردد. لذا « کمیسیون مقام زن بعد از مطالعه وسیع و عمیق مقام زن ، تحت فواین خانواده و تملک چندین مملکت توصیه نمود که باید حکومتها بکوشند تا حقوق مردوزن طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر مساوی گردد *

مساله حمایت طفل و مادر:

در زمره سایر اقدامات دستجمعی بسویه جهانی ، موضوع حقوق اطفال و مادران در سرتاسر دنیای ما از نظر اتخاذ تجاویز ملل متحد نیز مکتوم و مستور نمانده و بدان طور نظری و عملی اوج گذارده شده است چنانچه در رساله ای که تحت عنوان « ملل متحد و آنچه درین باره باید دانست » و در سایر نشریات آن سازمان بین المللی چون آثار ارزنده ای که برای مردان ، زنان و اطفال نوشته و منتشر شده است ، تذکر یافته است که : تصویب کنوانسیونها و سفارشاتنامه هاب سال ۱۹۵۳ راجع به حمایت مادران ، دنباله کنوانسیون های سال ۱۹۵۲ بشمار میرود ولی

بود ، لذا سال ۱۹۷۵ بحیث « سال بین المللی زن » مشخص گردید و به اساس صدور قطعنامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۲ این مراسم در سال ۱۹۷۵ بسویه بین المللی در سراسر جهان (بشمول افغانستان) تجلیل گردید .

و شعار « برابری ، انکشاف و صلح » اساس و سالوده پروگرام های مطروحه آن سال قرار داده شد و پیرامون اهداف و نکات آتسی مباحث جامعی تحقق پذیرفت و تصامیمی اتخاذ گردید *

الف - تشویق اصل برابری و مساوات بین زن و مرد

ب- سهمگیری کامل زنان در فعالیت های انکشافی *

ج - شناسایی نقش و اهمیت زنان در تقویت صلح جهانی کمیسیون مذکور که تا سال ۱۹۷۵ دارای سی و دو عضو بود و مرکب از نمایندگان کشور های افریقایی ، آسیایی ، امریکای لاتین ، اروپای شرقی و اروپای غربی می باشد و از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای یک دوره چهار ساله برگزیده میشوند وظایف خود را بهمکاری دول جهان موفاته بسر رسانید ولی با آنهم میرمن « هلوی ال » سیلا معاون منشی کمیسیون رشد اجتماعی و مسایل انسانی موسسه ملل متحد ضمن صدور و ارسال پیام فوق العاده به خاطر سال جهانی در ۱۹۷۵ موضوع علم تساوی موقف زن و مرد را از نگاه جهانی بینی واصل پرنسپهای مرتبط آن چنین تحلیل و انتقاد کرد که :

« سالون شگوهمند مجمع عمومی ملل متحد



میرمن والتینا تریشکوا نخستین زن کیهان نورد و قهرمان در جهان ، فعلا عضو کمیته مرکزی و عضو شورای عالی اتحاد شوروی و رئیس سازمان دموکراتیک زنان آن کشور که بارها در کنفرانس های بین المللی نیز اشتراک ورزیده است (نفر سوم از طرف راست) وی میان عده ای از زنان قهرمان کشور خویش قرار گرفته و مصروف صحبت است .

همیشه جای برگزاری دیدار های متعددی به خاطر گفتگو و بحث روی مسایل مهم که طی آن راه دشوار گذار رسیدن با اهداف و اصلهای سازمان ملل متحد هموار گردیده بوده است . اما در زیر سقف آن نمایندگان فعلی از زنان حاضر بوده اند و ولی امسال این حادثه بسیار مهم و ارزنده ایست که گروهی از زنان برای اولین بار زیر سقف سالون مجمع عمومی در ماه فروری برای گفتگو دهمورد نقش زن پیرامون رشد نفوس گرد آمده اند ، گرچه این جلسه شکل یک جلسه سیاست سازی را نداشته ولی برای اولین بار در تاریخ بشری زنان از طرف یکدو هشت حکومت مختلف جهت و روده موسسه ملل متحد و مباحثه و ساختن توصیه نامه ها روی مسایل بسیار عمده آینده بشریت ، نامزد شدند *

سپس میرمن « هلوی ال سیلا » میرسنده که چرا زنان در جلسه های پیشین شرکت نداشتند ؟

آنگاه خودش حقایق را چنین اوزیابی کرده و با سخ میدهد که :

« طی سی سال گذشته در ترکیب هیاتهای شرکت کننده دگرگونیهای چشمگیری پدید آمده که این امر راه پیشرفت را درمورد تطبیق پرنسپها واصل های منشور آن سازمان که حقوق مساوی و مساوی لیتهای مساوی همه افراد را بدون در نظر گرفتن اختلاف ، خواهان میبایند ، به میان آورده است » وی میافزاید که :

« افزایش در تعداد اعضای آن سازمان (از ۵۱ به ۱۳۵) ، بکار بردن پنج زبان که در آینده یکی دیگر بر آن اضافه می گردد و همکاری نژاد های مختلف در سازمان ، نمایندگان این واقعیت است که مردمان جهان گاهی بلندی راجعت به میان آوردن امکانات مساعی برای همگان بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد ، زبان و ملیت برداشته اند »

برگزاری « روز بین المللی زن » که هر سال عیسوی بتاریخ هشتم مارچ تجلیل می شود مثل بر چسته دیگری در جهان معاصر است که ارزشمندی و برجستگی منزلت زن این یاران دلسوز مردان و بازوان نیرو مند پیکر اجتماع را نمایانگر می شود و یاد و بود های گذشته آن در مسکو ، برلین شرقی و دیگر مناطق جهان ، درخشان گیهای خیره کننده را بسوی آینده تابناک و شگوفان تری مژده رسان می شود و رفاه عمومی را در جهت سعادت حال و آتیه زنان متضمن می گردد .

در زمره چهره های درخشان زنان معاصر که نقش او نه تنها در جهان کیهان نوردی براندمی خاصی دارد بلکه در مجامع بین المللی همدریف مردان میاز از کلیه حقوق زنان بحیث عنصر سرسپرده دلاور کرده است یکی هم میرمن « والتینا تریشکوا » نخستین و یگانه زن قهرمان و فضا پیما است که در

د کارابین د سمندر کی اوسنی سیاسي او اقتصادي حالات

د کارابین د سمندر کی او ستر حالات چی په هغه کی د امریکي د متحده ایالاتو سیاستی او پوځی ځای خلی رول لری دی. پدی وروستیو ورځو کی یی د نړی مطبو عا تو جه خا ننه را ای و لی ده. دلایینی امریکي دملی آزاد دی بخینو نکو جنبشو نو غښتلی طوفان دینیریم یی یو زوی استعماری حکومت بنیادونه ږنگ کړل ۱۹۶۲ څخه تر ۱۹۸۰ پوری اتوټا پوگا نو د کارابین د سمندر کی اوده هیوادو پیا جنوبی امریکای خپلوا کی تر لاسه کړه چی تر ټولو وروستی نوژ آزاد شوی هیواد نه یی دویسنس اوگر ینادا په نامه یادیري. د استعمار دله منځه وړلو عملیه لاتر او سه پای ته نده رسیدلی ځکه چی څو ټا پوگان اوسیمی لادبر تا نښی، فرا نسی او هالنه تر لاسو لاندی ژوند تیروی چی د هغو څخه د مثال په توگه کوراکا، گوادیلوپ، مار تینیک، او بیلین یادو لی شو.

نوی خپلواک شوی هیواد نه د ډیرو سختو ستونزو سره چی د استعمار دوری نه ور ته پاتی دی مخامخ دی لکه: وروسته پای تی اقتصاد، فقر بیکاری، پیسو ادی او نوری سختی ټولنیزی او سیاسی ستونځی. د کارابین د هیواد اقتصاد د ډېر- مختیا له نظره بیلی بیلی سطحی لری اود اقتصاد په یو یا دوه شاخسو باندی ولاړ دی چی د لسکو نوگلو نو دپاره دپانگوا لی بازارو نو غوښتنو اوبدلو نو نو پوری تړلی ساتل شو. پدی سیمه کی اصلی او عمده پانگه اچوونکی د امریکي متحده ایالات، کانادا او بریتانیه دی چی دشمالی امریکي شرکتونه ټولو بهرنیو

ټول دسولوی اودیتانت «دکی کیچ کمپنیه» پر خوا اود نوی استعمار او نژاد پرستی پر ضد ولاړ دی.

دېر مختیا دلارو لټول :

د کارابین سیمي دو لټو نه ډېر- مختیا دپاره د خپلو خاصو لټونه کوی چی ددوی دملی مشخصاتو، محلی شرایطو او عنعناتو سره تړا- فقولری. دموکراتیک قوتو نه هم د نورو هیوادو او سیمو دتجر بو څخه کار اخلی. د مثال په ډول گیانیا اوجامائیکا سو سیالیستی جهت غوره کړیدی او د خپلو خلکو په گټه ټولنیز او اقتصادي اصلاحات ترسره کوی. په گیانیا کی د اقتصاد- دی تنظیم اصلی لارښو نه د حکومت په لاس کی ده، د هغو بهر نیو شر- کتونو شتمنی یی چی د هیواد داصلی ثروت یعنی باکسایت په معدنونو کی لگیا دی ملی کړه. د پرتالی دشرکی فابریکی او تصفیه خانی هم په عامه ملکیت پوری مربوط شویدی.

په جامائیکا کی دولت دباکسایت برصادرولو لوی ټکس لگولی اود بهرنیو پانگوالو د معدنونو د تال- سیمساتو په سلوکی یو پنځوس برخي «اسپام» یی اخستی دی. همدارنگه محلی صادرا تو یو مهم جز یعنی



د کارابین د سمندر کی سیاسي نقشه

یکی نور وجمهوریتو نو سره هم ای- ټکو ته پراختیا ورکوی. په ۱۹۷۴ کی د کارابین د سیمي ځینو هیوادو د کاریکوم په نامه خپل گډ بازار تاسیس کړ او دلایینی امریکي دیووالی په خاطر دلایینی امریکي اقتصاد دی سیستم سره یو ځای شول. دی هیوادو که څه هم د خپلو کورنیو ستونځو دحل دپاره بیلی بیلی لاری ټاکلی دی خو په نړیوالو سو موضوعا تو کی اکثر تر ټی یا سره ورته دریځونه لری. د امریکا دو نه

دورو سته پاتی والی او فقر پر ضد اود بهرنی پانکی د تسلط دپای ته رسولو دپاره یو پروگرام تنظیم او پکار واچوه. په گریانیا کی صنعت بنسټ کینشو دل شو، د کور جوړو- لو کار پراختیا مو می اود نوو کارو نو دپیدا کو لو دپاره ځای رولای دی. نوی حکومت دمحلی فیوډالانو او بهرنیو مالکانو د مخکو ویش ته پیل کړیدی.

د کارابین د سیمي هیوادو نو که څه هم د خپلواک پر مختیا لار غوره کړیده خو تر اوسه لاجبور دی چی د ځینو ستونځو سره جگری ته دوام ورکړی. د سیمي لاس قوتو نو خپلی وسلی ندی ایښی اود امریکا لیزم په مرسته هڅه کوی چی د لاسه و تللی مواضع لاس ته راو لی.

پدی سیمه کی د ځینو هیوادو رهبرانو لکه دپاربا دوس، تر- ینیداد او توپاگو چی ډیر تیل لری او صنعت دیبا ژوندی کو لو نښی نیانی بکی لیدلای شو. د کاراگرو پر گټو په گټه هڅکار ندی شوی انفلسیون مخ پر زیاتیدو دی او ورځ په ورځ خلک خپل کارو نه د لاسه ورکوی. د انارو غی د کارابین د سیمي په ډیرو نورو هیوادو کی هم لیدل کیدای شی.

سیاسي طوفانونه :

که څه هم استعمار گرانو خپلی پخوانی شتمنی د لاسه ورکړی پدی څو بیا هم ډیره هڅه کوی چی هغه ټولنیز اوسیماسی نظامو نه چی ددوی په گټه تمامیری وساتل او هغه سیاسی رهبران او گوندو نه چی پاور وړ- با ندی لری پر قراوساتی او پدی ډول د انحصار اوتو دگټو څخه ساتنه وکړی. دوی ونشو ای کړای چی د زاپی نظم پر ضد د غښتلی ولسی او توده ای اقداما تو مخه ونیسی. ددی جگری په بهیر کی نوی هیواد بال اوملی قوتونه د سیاست ډگر ته راوځی.

دومینیکا چی ۱۹۷۸ کال په- نوا مبر کی یی خپلواکی تر لاسه کړه ډیرو سیاسی طوفانو نو سره مخامخ شو. ۱۹۷۹ کال په فیما یی کسی ددی کو چنی هیواد خلک دپانگوا څارنیک جان د حکومت دظالمه سیاستو او دجنوبی افریقای نژاد پانگوا ټکی رژیم سره دهغه دایکریک پر ضد وپاریدل او په نتیجه کی صدر اعظم استعفا ته مجبور شو او دهغه پر ځای او لیور- سیرافین کیناست.

(نور بیا)

«آی خانم» یکی از شهرهای بی نظیر باستانی

پیوسته گذشته

بوسیله کدام ویا تاجری انتقال داده شده
نیز دارای اهمیت بوده و از این شهر باستانی یعنی
ای خانم کشف گردید که در تاریخ و گرونولوژی
این شهر تاجری میتواند کمک زیادی نماید
طوری که قبلا هم گفته آمدیم در این عصر معماری
و مهندسی ساختمانهای بزرگ به حد اعلی اش
پیش رفته بود چنانچه که وقتی مازیر پایه ها و
بازیر دل های ستون پایه های بزرگ راحتی
اگر توسط دستگاه تکنیکی مهندسی مدرن امروزی
مانند (بول) اندازه گیری نماییم موازنه سفوح

بیش از ۲۱ سانتی متر در آن فرقی ملاحظه
کرده نمیتوانیم و بهترین خصوصیات معماری
یونانی و یونانو باختری در این جاست که
قبل از اعمار ستون پایه های منازل بخصوص
قصرای خانم مهندسان و معماران قدرت یابین
و باز برین این زیر دل ها را که معمولا از سنگ
چونه و یا بعضا مرمر مانند به صورت چهار گوشه
ساخته میشد ، سنگ های دریایی و یا سنگ
های پر خچه شده را طوری استحکام می بخشیدند
تا مقاومت و فشار عمومی پایه ها و ساختمانهای
بالایی را به صورت متعادل حفظ نماید ، همانطور
یکه در اعمار دیوار هائیز سعی بعمل میاوردند
جالب اینکه ستون پایه های یکدست نبوده و از بند
های متعدد ساخته میشدند و توسط چنگک های
فلزی باهم پیوست داده میشدند . دو طرف
هر بند این ستون ها سوراخ های داشت که
در حین بالانودن آن کدام مشکل احساس نشود
و به صورت میواژن بالای هم قرار گیرند .

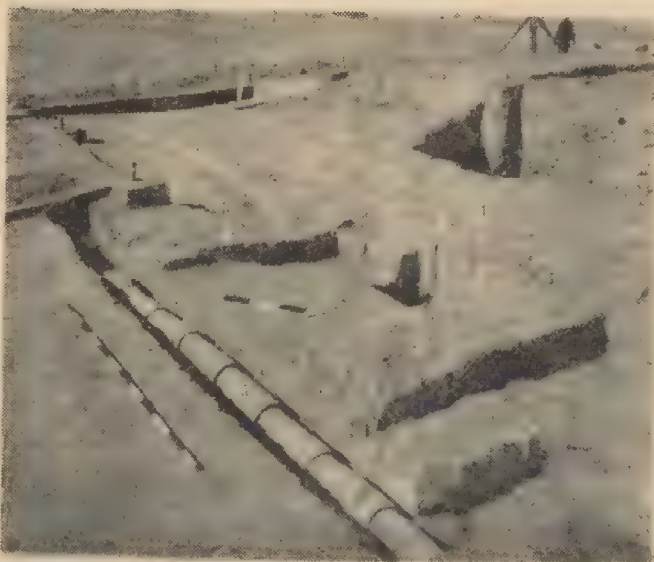
اندازه های بند ها از هم متفاوت بودند آنقدر
ستون های که ارتفاع آن زیاد بوده در ساختمانها
بند بند های ستون ها ارتفاع مراعات میشده و
بعضی از این ستون ها منظور از بند هایش
از ۴۰-۵۰ سانتی متر ارتفاع نمیداشت و بعضا از
۱۲۰-۸۰ سانتی متر ارتفاع آن میگذاشت .

بعضی از بند ها ارتفاع آن به اندازه فدیك
انسان ایكه قد آن ارتفاع نورمال میداشت ،
تجاوز نمیکرد . و البته این موضوع وابسته
به طرز العمل و معیار ساختمانی است . که
در این شهر باستانی مورد اجرا قرار میگرفت .
در مورد آثار منقول این شهر باستانی باید
گفت که تاکنون تعداد زیادی از سکه ها و آثار از
قبیل مجسمه ها و بخصوص قاب وپ النوع
سبیل بدست آمده که در مورد آن شرحی را
لازم خواهیم دانست .

ناتمام

ژوئنون

شده است چیزی مهتر ایكه هارابه یادسیستم
بخصوص ابرسانی ساختمانهای (کانتونم) در
باستان می اندازد و در یونان قدیم قبل به آن
مبادرت ورزیده اند . در شهر ای خانم بوسیله
لوله ها و بلور های انتقال آب توسط بلور های
تبرکی ساخته شده و از زیر ساختمانهای شهری
خانم میگذاشت و تعداد آنها از اندازه زیاد بوده
و یگانه روشی است که در این آبده قدیم بهشاهده
میرسد .



بلورهای تیکری آبرسانی شهر ای خانم .

برای بانی شهر که هویت آن بوسیله کتیبه
ظاهر شد و در آن هم همانا کی نی اس میباشد ،
معبدی درست نموده اند . و این معبد در حصه
وسط شهر جاه بیجا شده است که توسط حفاریات و
کاوش طبقات باستانی یعنی استرانیگرافی
بدست آمده است .

کتیبه های که در آن نصایح ذکر شده عین
نقل از کتیبه معبد دلف است و شاید متن آن

در این شهر باستانی یعنی ای خانم میتوان
بهترین نمونه های مواد معماری قدیم و همچنان
بزرگترین ساختمانهای را مشاهده کرد . بطور
مثال وقتی دیوار های حیطه قصر و معبد بزرگ
بانی شهر یکی (کی نی اس) را ملاحظه نمود ،
میتوان گفت که تاکنون هیچ يك از معابد
ساختمانهای تاریخی مان به آن مثال نبوده
و در واقع ابتکاراتی بوده که به اساس شرایط
محیطی و اقلیم منطقه بوجود آمده است .

تکتیک هنر موزائیک که در کشور سابقه

یونانو باختری زاده وابه بودیزم ثابت میسازد
و سکه های آن از اکثر ستوپه های بودایی بدست
آمده همانطور در سکه های مکشوفه اگاتو -
کلس آی خانم میتوان مجسمه از وپ النوع
(ویشنو) هندی را که با گرزو چکره مزین شده
و به رسم الحظ خروشتی نیز نام آن ثبت
است ، موجودیت ارتباطات کلتوری و مدنی
بخصوص درای خانم توسط اهالی باختر و
یونانی هارادر هندوستان و مراودات تجارتي
آنها را به هندوستان و از هندوستان به باختر
دراست کوبا آی خانم در واقع بهترین منطقه ویا
مرکزیت سایر مناطق تخار زمین بوده و منطقه
میخی استراتژیك نظامی و مدنی در تنگه بودریای
خروشان باختر به شمار میرفت و از اینجاست

که حدود ۸۰۰-۱۰۰۰
کیلومتر غرب و شمال غرب گسترده دانست زیرا
سروی تحقیقات اخیر یعنی از سالهای ۱۹۷۰-
۱۹۷۸ در ساحه چپ کوچکه - شهر وان دشت
ارچی اهلم صاحب که در این مناطق آثار و
علامه نفوذ و تاثیرات یونا باختری ، و سیح

بود و این مراکز مذکوره جزء از قلمرو شهرای خانم
به شمار رفت بطور مثال تپ بعضی ساختمان
های دفاعی ای خانم - زیر ستون ها - ستون
های به تکتیک معماری - باختر و بخصوص
ای خانم کشف گردید و خوشتر اینکه بعضی
مشکلات ساختمانی را برین دوره های کوشانی
و یا یونان بودی های بعدی و یونانو باختری حامل
مینماید . آتشکده های کو چکی
که بعضا در اتاق های دره ایش و هم خوابگاه
باشند درای خانم کشف گردید و نظیر آن را

میتوان در حفاریات ساحه اتحاد شوروی
سو سیا لیستی و عده هم مربوط به ساختمانهای
دوره هخامنشی مقایسه کرد .
با نظر داشت اینکه آی خانم صرف مربوط
به یک دوره تاریخی نیست بلکه دوران استیلای
امپراتوری هخامنشی هابند های یونانو باختری
ها و در مرحله اخیر کوشانی های اولیه - منسوب
و فرازی زیادی را گذرانده کنون به حیث یکی
از شهر های معروف یونانو باختری در جهان
معرفی گردیده است .



غلام «عریف»

پیوسته بگذشته

زندگی چه دلپسند کلمه ایست. استقلال، عدالت، رفاه، ترقی، صلح، آرامش، سلامتی، برادری، برابری، همکاری، غمخواری، دوستی، اعتماد، صمیمیت، دلگرمی، تقوی، صفای معنوی ... اجزای لاینفک آن است.

تأمین زندگی سعادتمند، پیشرفت اجتماعی، عدالت واقعی، رفاه مادی و معنوی خواست نخستین و عادلانه انسان های مولد و هدفمند رامیسازد. افسوس که در خیماں ستمگر باچنگال های پلنگ گونه و دندان های زهر آلود خویش راه زندگی را دردناک و متشنج میسازند، یابه کتمان واقعیت هابناه می برند و یا خایانه در برابر واقعیت زندگی اغماض میکنند اکثریت محروم سازندگان واقعی تاریخ و وارثان حقیقی ثروت های مادی و معنوی اند. راه زندگی را تضمین نینمایند و شکوفا نی زندگی را تأمین میدارند.

اقلیت های طفیلی در فرجام سخن دورا ز راه زندگی میشوند دیر یا زود سقوط میکنند و معدوم میگرددند و دیگر جای درپرو-سه زندگی به آنها نخواهد ماند.

راه زندگی دفتر خاطرات انسان هاست از بدو پیدایش تاکنون مد و جنس، خم و پیچ، شکست و پیروزی، قاطعیت و نرمش، تعرض و عقب نشینی ... صفحات آنرا میسازد.

نوشته ((راه زندگی)) که همین اکنون دوستان ارزشمند و گرانمایه خواهران و برادران مطالعه میفرمایند حکایتگر کلیه جوانب و پهلوهای زندگیست.

نوشته ((راه زندگی)) هنگام سلطه خونین ددمنشان امینی در شرایطی که خون پاک انسان های شریف و وطنپرست کشور نقش سنگفرش جاده هایمگردید، مخفی گاه ها، شکنجه گاه ها، قتلگاه ها، پولیکون، زندان، دشت و دمن، کوه و برزن بیاد انسان هد فمند جامعه مافریاد میکشید، به اداره جواز مطبوعاتی اطلاعات و کلتور تسلیم داده شد و در یکی از بخش های جواز سال (۱۳۵۷) گانده یل و بصورت اتفاقی مستحق جایزه مطبوعاتی گردید.

نویسنده

و، غول سرمایه، کارفرمایان کوچک و بزرگ و شکست میکند ... ارتش بیکاران و زیاد و سر انجام، در زندگی بود و نوازی، تیوری بحران، تیوری ورشکستگی، تجمع و تمرکز تولید، هرج و مرج تولید طرح شد ... و بالاخره، عدم تأمین پروتکتاریا ... تشدید فشار سرمایه داران، بحران عمومی مالی ... حدت دهشتناک بیکاری ... بیار آورد و سر انجامش در افلاس شد ...

و توسط انسان زحمتکش، فزای آن تحلیل شد ... نوید زندگی سازی پروتکتاریا را در سر زمین واحد و جداگانه سرمایه داری داد. ولی، اعتماد کنندگان ... دموکراسی پیش کش میکنند ... کدام دموکراسی؟ سرودم بریده، حافظ منافع خودش. اما، بود و نوازی باز هم، سیمای نو با لند زندگی جهان را مات داد

«جنگ عمومی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸» و، تاحدودی سد پیشرفت راه زندگی شد ولی، این سد دیری نپایید. سازمان متشکل ستمدیده گان (بلشویک ها). قصر تزار را شکست ... عقاب بلند پرواز قدرت زمان را بال برید، زنگ خطر را بصدا آورد و غار تگران را هو شیارانه اخطار داد تا بساط ستمگستری را باخود یکجا به گورستان تاریخ برند.

اکتبر پیروز ستمناش سوسیالیسم (۱۹۱۷) و، مفهوم دیکتاتوری پروتکتاریا، سیادت سیاسی پروتکتاریا، اسلوب سرنوونی سرمایه ... شکل خاص اتحاد طبقاتی پروتکتاریا عالینرین شکل دموکراسی ... و، مفهوم دماست اقتصاد نوین، تسلط پروتکتاریا بر صنایع، زمین، حمل و نقل، بانک ... قایم کرد.

و، مفهوم جامعه کامل سوسیالیستی، «پیوند صنعت با اقتصاد دهقانی» و، انقلاب سوسیالیستی، دهقانان را کشاند از طریق گورپراسیون به مجرای سازمان سوسیالیسم. رهبری موزون پروتکتاریا، بر تو ده های زحمتکش شهر و ده بکسان امحای استثمار فرد از فرد را ... تأمین کرد و امروز:

با شصت و یکمین سال خود، بسوی مرز ها وافق روشن راه زندگی با قوانین عینی را می پیماید.

بسوی زندگی، از هر کس طبق استعدادش بهر کس بنابر نیازش، از آنروز (اکتبر)، همه بیخاستند ... شست هارا پیوستند، بتک و داس وایکی غمشریک گفتند. بخاطر دفاع از راه زندگی، با پیوند خوشه ها، یکجا به پیگره گنیف ولاشه متفن استثمار و استعمار ناخن زدند. اکتبر دوس عبرت شد.

لحظه های غم انگیز در گوشه یی از راه زندگی رنگ و خون انسان هدفمند را جوشانده ولی:

انسان زندگی ساز حالات محرومیت را بسا عواطف واحساسات شریفانه با سایر پهلوهای زندگی اجتماعی تحلیل کرد. از آنروز (اکتبر)، در مرداگرد گشتی زندگی، قیام ها و ج گرفت ... آزادی باید ... دموکراسی نقش فعال بازی کرد ... استقلال سیاسی سر زمین های آسیا - افریقا و امریکا لاتین حصول شد، استثمار چهره مسخ کرد، استثمار تیپ جدید گشت، دهقان آزاد شد، کارگر آگاه ...

البته یاران همسنگ در یافت ... در کج و کنار تأریکی هارا شکست، روشنائی هارابه بار آورد.

انسان هدفمند:

با جنب و جوش سگرف صفوف نجات خود را فشرده ساخت ... هدا فعین خلق سه تن واحد شدند (همبستگی پرولتاری، سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش های آزادیبخش ملی) در نقاطی از دنیا، حملات خیال پردازانه اقلیت با مقاومت اکثریت خنثی پذیرفت.

در جایی:

اکثریت زحمتکش زندگی را با سکوت دلغراش و تنهایی خسته کن میگذراند، در حالیکه همه نعم و احتیاجات را می آفریند، ولی خویش بهره و خشنودی آنرا نمی بیند.

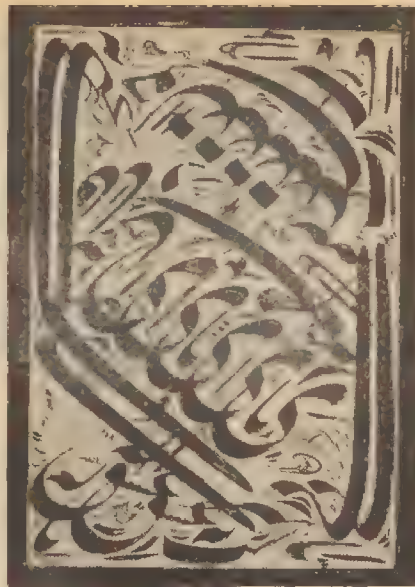
در گوشه دیگری زندگی، هیاهوی و کشمکش شادی گرانه گروه اقلیت زندگی اکثریت را شکنجه میدهد.

در حالیکه زندگی برای همه عزیز و گرامی است.

همچنان:

در هیجان پرس و و صدای دفاع از راه زندگی شیوه های متنوع دفاع پیش کش شد.

صلح پاریس (۱۹۱۹) ... جامعه ملل ... خلق سلاح، کنفرانس جینوا (۱۹۲۲)، ولی، زود خود بود و بالای تقسیم جهان، تا تمام



نمونه یی از خط سیاه مشق

بقیه . صفحه ۳۹

خط با تکامل بشر ..

قیمت و ارزش را دارد که یک اثر دیگری دارد در سیاه مشق زیبایی های وجود دارد که صاحبان نظریه آن را درک میکنند حالت های که در یک اثر سیاه مشق دیده میشود و دوش قلم و دیگر زیبایی ها در این نوع خط وجود دارد که برای خط شناسان همان لطف را دارد که یک خط زیبا می باشد.

برای خطاط نیز این نوع خط و روش خالی از دلچسپی نیست و شاید دیده باشید که بسیاری از خطاطان در پای سیاه مشق شان امضاء میکنند که این امر می رساند چقدر یک سیاه مشق برای خطاط با ارزش است . در یک اثر سیاه مشق انتخاب یک بیت شعر

و کلمات نمودن حرف همه و همه برای خطاط زیباست و برای خط شناسان نیز . در این

چا شما به سیاه مشق خوب دقت کنید ببینید شکل (ی) را که چقدر زیبا و همه بیک تناسب خطاطی شده که همه این ها بر پختگی و زیبایی یک سیاه مشق دلالت میکند .

«وقتیکه ما شین طاعت بوجود آمد ، آیا بنظرن بازاد خط و خطاطی را تحت تاثیر خویش قرار نداده است ؟

چرا تا اندازه ما شین طاعت تاثیر بر روی خط گذاشته است ولی آنطور که شما فکر میکنید نیست ، خط ، همیشه جای خود را داشته است ، و امروز از روی همین خطوط

است که حروف ریخته میشود . پس در هر صورت خط جای خود را دارد . ولی بازار خطاطان را چه عرض کنم در گذشته یک اثر خوب و زیبا از یک نو پسند و یا از یک شاعر برای خطاط آورده میشد تا آن را با خط زیبای خویش خطاطی کند ، این امر از یک طرف باعث تمرین و مشق خطاط میشد که طبیعی بود خطاط از خود شاگردانی می داشت و هم چنان دوز بروز این هنر انکشاف می

هنر های کشور ما مقام والایی داشته باید برای هر چه شگوفان تر شدن این هنرکاری های خطاطی بوجود بیاید ، خطاطان تشویق گردند ، هنر آنان قدر گردد ، تا جای امکان زمینه پرورش علاقمندان این هنر فراهم گردد تر تیب نمودن معا فل هنری ، به جواز گذاشتن آثار آنها همه و همه در امر شگوفانی این هنر دیرپا نقش قابل ملاحظه ای دارد .

اگر به تاریخ این هنر زیبا نظر بیاندازیم می بینیم که یگانه علت شگوفایی این هنر در ادوار کهن و گذشته ما تشویق از این هنر و هنرمندان بوده است .

ما تاریخ روشن و خیلی گویای از این هنر داریم ، پس برای حفظ و نگهداشت این هنر سعی و تلاش زیاد بخرج بدیم تا باشد که روزی باز هم هنر مندان مانند میر علی هروی میر عماد و امثال آن داشته باشیم .

«خوب در اخیر می خواهم اگر پیامی داشته باشی میتوانی بگویی ؟

پیام من به جوانان و نو جوانانی که نلاقند این هنر اند و می خواهند در آینده این هنر را پیش ببرند اینست که بگو شد تا این هنر اصیل و باستانی ما را زنده نگه دارند و این ما مول زمانی بر آورده میشود که مشق و تمرین نمایند و بکار خویش ایمان داشته باشند .

تکته را که می خواهم تذکر دهم اینست که مبتدیان این هنر و نو آموزان باید از روی یک اثر زیبا و پخته تمرین و مشق نمایند ،

فرقی نمیکند که این اثر از خطاط هم نام و یا مشهوری نباشد .

اسلوب خط را بشوید نو شدن را بدیستی

بیاورند و در این راه زحمت فراوان بکشند

زیرا بدون زحمت و تلاش هر گز نمیتوان

بجای رسید .

قرن یازدهم که زنان و مردان دستکول استعمال میکردند امروز نیز عده ای جوانان از دستکول استفاده میکنند . اما بدین تفاوت

که امروز جوانان ما این دستکول را با ظاهر گذاشتن کتاب و لوازم درسی استعمال میکنند حالیکه در گذشته بغاطر حمل سلاح ازان استفاده می نمودند .

دستکول های که امروز جوانان از آن استفاده میکنند بیشتر شکل خورچین را دارا است اما بزرگتر از خورچین های زنانه گذشته .

بهر حال با این مختصر گزارش در مورد سیر

تحول و انکشاف و تاریخ دستکول بیک مطلب

پی می بریم و آن اینکه دستکول و یا چیزی شبیه

آن از هزار سال به این طرف مورد استعمال

داشته و تقریباً از همان روزیکه مورد استفاده

قرار میگرفت تا امروز برای یک منظور قابل

استفاده بوده است و آن هم برای نگهداری

اشیای مورد ضرورت خانم ها

ژوئنون

« آیا کدام اثر خطاطی ات حایز جایزه شده است ؟

بلی ، در سال ۱۳۵۸ برای اولین بار چهار اثرم را به جایزه مطبوعاتی گذاشتم نه اثر نستعلیق ام حایز درجه اول شد و مستحق پا داش گردیدم .

یک اثر دیگرم که تقریباً یک ماه روی آن کار کرده بودم یکی از ذوقمندان آن را به مبلغ بیست و پنج هزار افغانی خرید ، بعد ها خبر شدم که این اثرم به مبلغ پنجاه هزار مارک بفروش رسیده است .

« فکر نمیکنی که فرهنگ غرب تاثری بر این هنر ما گذاشته باشد ؟

ماشین را نیز غربی ها اختراع کرده اند ، و این خود می رساند که چه تاثری بر این هنر ما گذاشته و قبلاً در این باره تذکر دادم اما هیچ وقت بصورت کل نمیتواند فرهنگ غرب به این هنر اصیل و سنتی ما تاثر وارد کند . امروز بعضی از نقاشان و برخی از خطاطان از روش های مدرن استفاده میکنند که آثار آنان بیشتر نقاشی است تا خطاطی ، اگر منظور تان این نوع خطاطی ها است

که بیشتر ریشه غربی دارد ، باید بگویم هیچگاه این نوع خطاطی ها جای خط زیبای کلاسیک ما را گرفته نمیتواند . و نخواهد گرفت .

« برای زنده نگه داشتن این هنر چه باید کرد ؟

خط زیبای دردی همانطوریکه ، سالیان دراز و حتی قرن ها مورد توجه بوده ، باز هم مورد توجه خواهد بود .

هیچگاه این هنر اصیل ما از بین نخواهد رفت و برای شگوفان ساختن هر چه بیشتر آن باید کارهای کرد و انجام داد . از آن جاییکه این هنر در پهلوی سایر

آمده بدین معنی که در ساختمان داخلی آن

تحوالاتی پدید آمده که بیشتر برای نگهداری

بول و جواهرات تسلیاتی فراهم گردید که

تا امروز این ساختمان ها تا اندازه حفظ گردیده

است .

داشتن دستکول یا چیزی شبیه به آن ، در آن

زمان از جمله لوازم فیشن و یکی از علائم مشخص

بودن زن ها بود . بدین لحاظ هر زنی که استطاعت

مالی نسبتاً بهتری داشت حتماً یکی از این

دستکول ها را می داشت و البته نظریه شرایط

اقتصاد خانوادگی آن وقت ، هر زن به اندازه

توان مالی خویش دستکول حمل میکرد و دستکول

می نمودند .

از شروع قرن بیستم تا امروز که در اواخر

آن قرار داریم اکثریت زنان از دستکول استفاده

آیا امید انید ..

میکند و امروز یکی از خصوصیات زندگی زنان دامن دستکول است . وقتی امروز زنی دستکول نداشته باشد فکر میکند که چیزی را غم کرده و شاید برایش مشکل باشد که بدون دستکول

به جای برود . البته باید متذکر شد که باز هم دو ساختمان دستکول ها تغییراتی

رونما گردید اما نه به آن اندازه که در اوایل

صورت میگرفت . این تغییرات و تحولات که

زاده شرایط عصر و زمان است و با مدرنیز شدن

زندگی طبیعی است که در تمام شئون حیات زندگی

تحولات پدید آمده ، که لباس و دیگر لوازم زن

نیز از این تحول بدور نماند و انکشاف یافت .

ناتخته نماند که مانند اوایل یعنی در اوایل

بقیه صفحه ۳۵

مادر

مادر: بلی اینخواهی مسره مفت و رایگان میگیرند واز اوکالتوس ساخته به عساکر میتن و آنها هم تاحدی که دارند آتش میکنند، بوری هر که که پیش آمد.

زن لباس سیاه: شوهرم به همین ترتیب کشته شد و فرزندم ره هم برده اند ۰۰۰۰۰ طرف خوده نه تم ۰۰۰۰۰ خانه میرم .

زنک کلیساها به صدار میاید یکی از زنان میگوید: رنگ پیروزیست .

مادر: بلی، مایر و میسیم ۰ ما قلدانی، دولچه و لکن چه خوده هیم و پیروز میسیم ۰۰۰۰ (باصادی امرانه) شما باید تصمیم بگیرین با طرفدار شکم و لباسی و خانه و کارتان هسین و یا طرفدار پیروزی تزاو ؟

یکی از زنان: توجه پرمیگی؟ بیشتر یکی ره تحریک کدی که دولچه خوده گرفت و رفت ۰۰۰ مقصدت چیست؟ چی می خواهی؟ آیا شما نمی - فهین که مابالای ظروف خودا میهن خود دفاع میکنم ؟

مادر: ظروف های شما (می بغشین) بی معنی س: شما می فهین که جنگ به نفع شما نیست ۰ فقط هوقف شما، شماره به چاپلوسی مجبور کنه شما با پیستاده شدن تان دری قطار و آوردن ظروف خود یکبار دیگر می خواهین وفاداری تانه به غلامی تزاو ثابت کنه بشین ۰ کدام مقصد دیگه نداین ۰ خطاب به زن کارگری که نیز در قطار ایستاده است میگوید: اینجا جای شما نیست ۰ برین ده فابریکه و اونجه صف شوهر و دوستان و همکاران تانه محکومتر بسازین ای چاپلوسی ها بدرد شما نمی خورده شما چیزی نداین که از دست بچن ۰۰۰۰ زن کارگر به قبر آمده از جایش برخاسته از صف خارج میشود و بطرف فابریکه میروه .

زن سومی خطاب به زنان دیگر: ای کیست که ایقه بر میگه و ماهه گپ یادیمته ؟ زن دیگری: نمی فهی که ای کیست ؟ ای یکی از زنان انقلابی س ۰ همه زنان دیگه به یک صدا: چی، انقلابی؟ بعدا یکی ای دیگری میگویند: ازی زن احتیاط کنین، خطرناکس ۰ زن مکاریست، از او احتیاط کنین .

مادر از قطار خارج شده در مقابل آنها میایستد: بلی ۰ ما انقلابی هستم ۰ اما شما قاتلین هستید و بالین عمل تان دوجنایت تزاو سبیم هیشین ۰ فرزندان شما از آغوش شما تنگ خواهند داشت شما جان ها ۰۰۰۰

یکی از زنان: همه حالی حق تره میتم، تو انقلابی انقلابی ۰۰۰

مامور: لطفا همراهی ظروف خود داخل شوین ۰

یکی از زنان قبل از اینکه داخل شود با ظرف

مسی دست داسته خود بفرق مادر میگوید ۰۰۰ زنان دیگر تف بروی او میاندازند و داخل دروازه میشوند ۰۰۰ یک زن جوان که بجایش ایستاده است بطرف مادر آمده میگوید: اینجا واقعا نفهم و وحشی هستند ۰۰۰ مه متاسفم اما راست بگویم نمی فهیم که حال مه چه کنم ۰۰۰ مه ای طرفه تم، به چی کسی کمک کدیم؟ ۰۰۰۰۰ گاهلا راهره نم کدیم ۰

مادر: بویه تنهایی هیچ نمیتانی ۰ امشب (به گوشش آهسته آدرس رامیگوید) بیا، دیگر کارگران هم آنجا هستند، همه باهم مشوره خواهیم کدکه چه باید بکنیم، اما آدرس برای هج کس نکوی ۰

سال ۱۹۱۷

صفوف اعتصابیون و تظاهر کنندگان در فابریکه

بقيه صفحه ۱۳

و یتیم در قلب ما

و یتیمی خود اعطاء نموده اند ۰ ملوانان اتحاد شوروی با تمام وسایط لازم جهت اعمازندی جدید و مقابله با تجاوز به بنادر و یتیم اعزام گردیدند ۰

انفال و متعلمین اتحاد شوروی کاغذ های باطله و آهواره هارا جهت بسته بندی کتب و ادویه و ارسال آن به جوانان و یتیم جمع آوری نمودند ۰

تاریخ و یتیم با خون آن کسانی نوشته شده که بغاظر استقلال وطن چنگیدند و احترام تمام جفا تیان را نسبت به وطن خود کماهی کردند ۰ ما در اتحاد شوروی احساسات مردم و یتیم را خوب درک می کنیم، زیرا ما هم مانند آنها مجبور بودیم اعزام نمایم و بچنگیم احیاء نماییم و دو باره از سر بناء کنیم ۰ رهبران و خلق جمهوری سو سیایستی و یتیم همیشه اظهار نموده اند که دوستی با اتحاد شوروی و معامله سال ۱۹۷۸ تضمین امنیت و پیشرفت و یتیم می باشد ۰

در حال حاضر بازن پکن می خواست و یتیم را تهدید نماید و بترساند ۰

این روز ها دو باره و یتیمی ها دو باره قهرمانی های نیا کان خود به مبارزه آن ها علیه اشقا لگران فیودال چین، به مبارزه که در قرن ده میلادی با ظهور دولت مستقل و یتیم به اوج خود رسید، اواز می خوانند ۰

کسی می تواند ملتی را که استعداد گران، ارتش امریکا را مغلوب نموده بترساند؟ منطق چنانکه اوانه، هژ مو نیست های پکن را به سادگی در اعمال شان جوان مشاهده نمود ۰ آنها با جلو گیری از ارسال کمک های اتحاد شوروی و دیگر کشور های دوست از طریق خاک چین، به مردم و یتیم به خیانت آغاز نموده، بعد آن ها به تجاوز آشکار

هاستحکم تر میگردد ۰

خانم والسوا نیز در بین اعتصابیون دیده میشود ۰

ایوان: وقتیکه از جاده (لی) میگذشتیم، چندین هزار نفر بودیم ۰ کارگران پنجاه فابریکه تاحال به پشتیبانی به اعتصاب دست زده اند ۰۰۰ همه مخالف جنگ و دولت تزاری هستند ۰

واسیل: در زمستان گذشته دو صلو پنجاه هزار کارگر اعتصاب کرده بودند یکی در زمان دیگر: مانشتر های نقل میدادیم که روی آن نوشته شده بود:

مرگ بر جنگ و جنگ طلبان، زنده باد انقلاب ۰۰۰۰

درفش انقلابیون رازن شصت ساله بنام مادر بدوش دارد ۰

یکی از کارگران میگوید: بیرقه به مه بته شاید بری تو مرگت باشد ۰۰۰

مادر حرف اورا قطع کرده میگوید: نی،

هنوز مانده نشدید هر وقت مانده شدم، پوت میتم، به هرچه که بیرشده ام ولی فراموش نکنید که من زن یک کارگر هستم و بغاظر بیایخستم که شکم یگانه فرزندم ره سیر نمیتانستم ۰

فرزندی ره که قهرمانانه از مواداع کد ۰۰۰۰ در اوایل مه بریش میقتم: ای کارها اصلا فایده نداره ۰۰۰ بعدا خودم بریش شبنامه بخش کردم ۰۰۰ و امروز بعضی اوو بغاظر حقانیت جنبش، درفش آزادی ره به افتخار به شانته دارم ۰۰۰۰ به صفوف گسترده و عظیمیکه در دنیال ماست نگاه کنید ۰۰۰ دین آنهار در سریان های

پاهای پیرو ضعیف مه، حیات خسته کسی ناپذیری ره دوباره خلق میکند ۰۰۰ ما مبارزه میکنیم و بازمه مبارزه میکنیم و پیروز خواهیم شد ۰۰۰ قدرت دولتی از آن ماکارگران س ۰۰۰ به این اعتماد داشته باشین ۰۰۰۰۰ به پیش ۰۰۰ حرکت ۰۰۰ به پیش ۰۰۰

نمام

مخا برانی یک قهر مصنوعی (یکی از پروژه همکاری شوروی - ویتنام) مردم ویتنام به تما شای پرواز مشترک کیهانوردان در صفحه تلویزیون قادر گردیده و بازی های اولمپیک مسکو را تماشا نمودند ۰

وظیفه که اکنون در برابر سازمان ما، انجمن دوستی اتحاد شوروی و ویتنام، قرار دارد عبارت است از انکشاف موثر همکاری بین کشور هایمان در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ۰ ماه دیگری از دوستی ما، هر بوط سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام سو سیالیستی آغاز شده است ۰

سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام چیزی بیشتر از یک حادثه صرفا ملی میباشد ۰ ما در اتحاد شوروی به شجاعت و کار مردم ویتنام افتخار می نمایم ۰ مطمئن هستیم که آینده روشنی خواهد بود ۰ رشته دوستی ما هیچگاه از هم نخواهد گسست ۰ اعضای انجمن دوستی شوروی - ویتنام و تمامی مردم اتحاد شوروی سی و پنجمین سالگرد ویتنام را قلبا تبریک می گویند و برای آنها دارای بهترین تمنیات می باشند ۰

بقيه صفحه ۴۰

در ضعیفگی زنان

به نفع حقوق کلیه زنان افغانستان و سراسر دنیای امروز بیانیه ایراد کرد و مصاحبه مطبوعاتی بی راهم انجام داد ۰

برخی زنان مشاور و متخصص در بعضی زمینه ای - - - - - بحث نمود د ا و

ارکانیک ملل متحد طور مثال چند چهره در

به ارتباط سهمگیری زنان در فعالیت های ارگانهای ملل متحد:

سال ۱۹۶۳ چهل و هشت بار دو رادور کره ارضی رادور نویدیدو درین فاصله کیهانی دو میلیون کیلو متر فاصله را موفقانه پیموده ۰

موصوفه که بار ها در کنفرانس های صلح و همبستگی بسویه بین المللی شرکت کرده است چند ی قبل در کنفرانس سرتاسر زنان

افغانستان منعقد روز جمعه هفتم ماه قوس ۱۳۰۹ (مطابق ۲۸ نومبر ۱۹۸۰) در کابل نیز

خنده خنده خنده

برادر شما انتخاب نموده ایم



شمار انشائی بدیکنند

و فیکه مو فع انجام مرا سم ازدواج از عروس ها و دامادها
آضی جدا جدا سوالاتی میکنند میگوید:
چند وقت است که با هم آشنا شده اید ؟
از ده مرد ۹ نفر شان جواب میدهند :
یکی دوسال . ولی عروس ها میگویند : دوسه سال .
این میرساند که دختر ها پسرها را درست یک سال پیش
از آشنائی رسمی زیر نظر میگیرند و برای بدام انداختن
نشانی میکنند .

زن اولی به دومی : خواهر جان شما فردا هم به عیادت شوهرتان
می آید ؟
بلی ! زیرا حرف ای امروز تمام نشده است .

رئیس صاحب اشتباه میکنی

کر فته ام .
- چطور میگی شش نفر را ..
در بین دو سیه ات نوشته
هفت نفر !
- بلی قاضی صاحب باید توضیح
بدهم . آخر من یک نفر از آن هفت
نفر را که میگی دو بار زیر موتر
گرفته بودم . !
را ننده بی را بیه محکمه جلب کرده بودند ...
رئیس محکمه دوسیه را ورق زد و سری تکان داد .
- واقعاً باعث تا سف است در عوضی یک نفر تو خودت
شش نفر را زیر موتر گرفته بی
را ننده با عجله حرف رئیس محکمه را قطع کرد .
- ببخشین قاضی ... اشتباه میکنی من فقط شش نفر را زیر



بدون شرح

خط سفید برای چیسب

و بی ترا فیک خانمی را که
بست او ر نشسته بود و به آرامی
موتور را در جهت مخالف خیا بان
برواند متوقف ساخت و از او
پرسید :
خانم مگر نمیدانی که خط
سفید وسط خیابان برای
چیسب
خانم را ننده با دقت تکانی
به خط وسط خیابان انداخت .

خیال من
است !



بدون شرح



بدون شرح



و فیکه هنر مند است طالب
سود .



بدون شرح

شاگرد بهانه گیر

معلم یکی از شاگردان را صدا کرد و گفت :

- چرا درست را نخوانده ای

مگر پدرت وقت ندارد شب ها

کمی بتو درس بدهد :

- نی آقای معلم . پدرم شبها

بسیار مگر فتاری دارد ... چون

مدتی است که پیشخدمت

ما قهر کرده و او مجبور است

ظرفها را بشوید . !!



حاضر نیست

من کاملاً بی گناه

هستم

مردی را به چرم سرقت کرد -
فته بودند ... آقا و خانم صاحب
خانه . هم برای دریافت اموال
مسروقه نزد رئیس محاکمه
رفته بودند ناگهان بین آقا
و خانم دعوی سختی در گرفت
و مرد رو به زنش کرد و پر خاش
کنان گفت !

زن احقر ... تمام تقصیر تو
بود که غفلت کردی و دزد انا تیه
را برد

زن با عصبانیت فریاد کشید
هر شب ، نیمه های شب مست
به خانه بر میگردد .

در این موقع دزد از موقع
استفاده کرد و گفت .

- آقا رئیس محاکمه ملا حظه
فرمودید که بنده در این میان
کاملاً بی گناه هستم !!



بدون شرح

نامزدی ام

برهم خورده

دودختر باهم گرم گفتگو
بودند ...

یکی از آنها رو ب دیگری کرد :

خوب تو خو قرار بود با امرت
ازدواج کنی و گفته بودی که

نامزد هستی ... پس چی شد؟
دختر دو می آهی کشید .

- بلی ... ولی یک هفته قبل
تا مزدی خود را با آن بهم زدم .

دختر او لی با حیرت پرسید:

- چرا ... برای چه ؟
- برای اینکه هر موقع که

یک چند دقیقه دیر تر سرو طیفه
میرفتم برا یم می گفت با یسد

نوشته یی از پدر و مادرت بیاری
که بگویند عذر تو معقول است !!

زن : الله خواهر جان زود حروف خود را تمام کنی زیرا در بیرون هر
زیاد استاده ، اگر نی قصه جنگ بی بی خورد و شیرین گل را برت می کردم .



بدون شرح

مشتوی بی ادب

مردی وارد رستوران مجلی
شد که مدیرش سخت پای بند
اداب و رسوم بود او سر میزی
نشست و دستمال سفره را بجای
اینکه روی پای خود قرار دهد ،
بگردن بست و با فریاد صدا
زد :

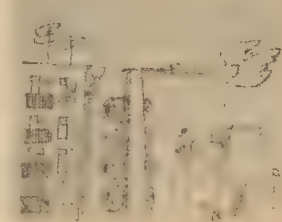
- هی ... پیشخدمت ... بیا
اسحا !

مدیر رستوران برای اینکه
مشتوی بی ادب را گواشمالی

دهد چند دقیقه بعد با تفاق یک
سلمان نزدش رفت و گفت :

- ببخشید قربان ... سرتان
را اصلاح میکنی یا ریشتان را

میترا شین ؟!



بدون شرح

چه تعداد نفر...

در کشور های انکشاف یافته يك سلسله مو سساتی ایجاد گردیده تا به وضع معیو بین رسیدگی گردد ولی این طرز بر خورد منحیت يك بر خورد خشك، رسمی، ومیخانیکي مورد اعتراض قرار گرفته است. در کشور های روبه انکشاف رشته محکم خانواده گی و تماس انسانی حفظ گردیده ولی به تاسیس و تدویر مو سسات شدیدا احتیاج حس میشود.

اکثرا معیو بیت زاده اختلافات جنتیکی میباشد ولی عوامل تصادف در انثای کار، و تصادفات ترافیکی و جنگ نیز مهم اند. ازینرو پیش گیری از وقوع حوادث و تدابیر وقایوی اهمیت زیادی دارد. معالجه مریضان و تهیه خدمات مکفی صحی برای ناداران و اطفال نیز داری اهمیتی بسزا است.

مشکل دیگر تهیه وجوه برای مو سسات مخصوص معیو بین برای تربیه پر سونل مورد ضرورت و برای معالجه است. مطالعا تیکه تاحال بعمل آمد حاکي از آنست که منابعی که صرف وقایه، معالجه و یا کمک به معیو بین میگردد، از نظر اقتصاد دی مخصوصا در دراز مدت موجه است.

برای بهبود موقعیت معیو بین در جامعه ابتکار و سهم گیری شخصی و خصوصی نیز يك عنصر لازمی

است. بنابراین منظور کیکیا اظهار میدارد: (بنده) علاقمندی اشخاص را به این مشکل در کشور های انکشاف یافته قابل تعریف میدانم. چنین ابتکار در کشور های مادر دنیای روبه انکشاف زیاد بنظر نمی خورد.

امید ما اینست که در کشورهای روبه انکشاف چنین علاقمندی تعمیم یابد، نه تنها علاقمندی موسسات و خانواده های معیو بین، بلکه علاقمندی عامه مردم!

در قسمت یافتن کارکنان متعدد و با کفایت ختی مو سسات دارای سابقه طولانی در کشور های پیشرفته دچار مشکل اند. این مشکل در کشور های روبه انکشاف طبعاً حاد و گسترده تر است. تربیت پیشرفته و تخصصی در علوم مستلزم کوششهای وسیعی است که بایست به مساعی حکومت براه انداخته شود چون در چوکات سال بین المللی معیو بین درین زمینه مستقیماً اقدام شده نمی تواند.

یکی از مشکلات دیگر عدم انسجام در مساعی مو سساتیست که وظیفه کمک با معیو بین را بدوش دارند. این مو سسات در مواردی بایک دیگر رقابت میورزند.

در کشور های مختلف مراجع و ادارات مختلف در ساحات مختلف صحت، فعالیت های اجتماعی، تعلیم و تربیت و استخدام فعالیت دارند. یکی از اهداف سال بین المللی معیو بین را تشکیل يك سازمان واحد و عمومی برای تامین ضروریات و حل مشکلات معیو بین تشکیل میدهد.

مردم اعم از کارگران، دهقانان روشنفکران انقلابی و وطن پرست تجار و سرمایه دار ملی روحانیون وطن پرست، اهل کسبه و غیره تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در يك صف واحد با هم و دست در دست هم کاروپیکار انقلابی و سازنده را براه می اندازند مردم دلاور و صلحجوی افغانستان که سال های متبادی رنج، استبداد و استثمار را کشیده اند با تشکیل جبهه وسیع ملی پسر وطن به همه آن رنج ها و آلام برای همیشه پایان می دهند و آینده تابناک و عاری از همه انواع ستم و استثمار را استقبال خواهند کرد. به پیش در راه تشکیل جبهه وسیع ملی پسر وطن این متحد کنند همه مردمان کشور ما.

دیدار از آسیای میانه

بدینسان هنرمو سینی در چار دیواری تنگ خانه ها زنده نمی گزید. ملت ترکمن تایش از انقلاب فقط چند تا ساز ساده محدود را می شناخت که آنرا گروهی دل به دریا زده می نواختند. امسال امروز از فیض انقلاب، ایرا، بابلت سمفونی را دارد و می شناسند. و این می تواند نشان شگوفانی و گسترش فرهنگ باشد. و این همه تغییر و دگرگونی بنیادین در چهل سال بدست مردم رزمند و ترکمنستان پدید آمده.

پرتگاه يك حادثه

دختری حاضر است باتو از دواج کرد، او هم همه این سخنان را به پذیرش میگرد و با من به رفتاری آغاز میکرد.

به رودی دیر آمدن ها شروع شد و بعد هم شب نيامدن ها، موس در قلبش لانه کرده بود تا آنجا که هیچ نیروی نمیتوانست و سوسه های اغوا آمیز شیطان را از احساسش بیرون کشد و او را برآه راست آورد. دوسا لبه همین شکل سپری شد، در این مدت چقدر عذاب کشیدم و چقدر رنج بردم فقط خدا میداند! همه نگونه که از اشک ریختن های پنهانی و شب زنده داری ها و بی آرامی هایم جز خدا نمیداند. این وضع نمیتوانست دوام آورد و دوام هم نیآورد موضوع جدایی مابه طرح آمد و بالاخر هم عملی شد در حالیکه دو کودک معصوم حاصل این پیوند زنا شوی بد فرجام بودند.

دست کود کانم را گرفتم و با دلی خاصی از هر آرزوی به خانه پدر رفتم، او وعده کرده بود که مخارج زندگی ما را بپردازد اما بی احساس تر از آن بود که چنین کند و نکرد و ما ماندیم دست خالی و مخارج زندگی.

با آنکه پدرم ماموری بودم تقاعد و جز معاش سالانه تقاعدی اش

جبهه ملی...

کارگران و دهقانان تشکیل می دهد و تمام طبقات و اقشار و گروه های ملی و دمو کراتیک، همه نیروهای اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری به خاطر منافع مان افغانستان انقلابی متحد می سازد.

آری جبهه ملی و وسیع پدر وطن در شرایط خاص جامعه ما ممکن ترین و عاملانه ترین راه اتحاد و بسیج مردم در راه دفاع از وطن و دفاع از دست آورد های انقلاب و دفاع از منافع توده های ملیونی مردم می باشد. درین جبهه همه



بېرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه با احساسات مشا بعت کنندگان در میدان هوایی بین المللی کابل پاسخ میدهند.

بقیه صفحه (۹)

یکسال در یک هفته

جمهوری دموکراتیک افغانستان که روز هفتم قوس ۱۳۵۹ بایانیه بېرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری

دموکراتیک افغانستان در تالار سلامخانه مقر شورای انقلابی دایر گردید، روز ۹ قوس با صدور قطعنامه پیروز مندان به پایان یافته و شورای مرکزی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بریاست دکتور اناهیتا رانیزاده اتفاق آراء انتخاب شد.

دهیواد شمالی سیمود و زلو بی داوودیمونو

ترمنخ د کال د معنی دوزلوبی ستری اودقهرمانی لوبی د قوس ۱۰ د افغانستان د دموکراتیک جمهوری است د انقلابی شوراد مرستیال او صدراعظم درستیال سلطانعلی کشتمند په وینا پیل شوی او د بدخشان ولایت دوزلوبی نیم دقهرمانی مقام وگاڼه.

سیمینار بین المللی زنان که تحت عنوان

وحدت همبستگی صفوف جنبش دموکراتیک بین المللی زنان ونقش آن در امر بسیج وتشکیل نیرو های مترقی جهان تحت ریاست داکتر اناهیتا واتب زاد عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عضو شورای انقلابی رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ورئیس کمیته صلح همبستگی و دوستی افغانستان در تالار هتل انترکانی ننتال لطفاً ورق بزنید



د افغانستان د خلک د موکراتیک گوند مرکزی کمیته عمو می منشی، دا نقلا بی شوراد رئیس او صدراعظم بېرک کارمل وروسته له هغی چی د صمیمیت په فضا کی یی دبا میانو ولایت د شریفو خلکو له استازوسره خبری د هغوی سره یو ځای د گران هیواد سمسور تیا له پاره دعا کوی.

دلکشاپه مانی کی ومنل اوله صمیمیت نه په
ډکه او دموکراتیک فضا کی یی له هغوی سره
خبری وکړی .
دقوس ۱۸:

دافغانستان ددیموکراتیک گوند د
مرکزی کمیټې عمومی منشی دافغانستان د
دموکراتیک جمهوریت دانتقلاپی شورا رئیس
او صدراعظم ببرک کارمل
د قوس ۱۷ د انقلابی شورا د مقبر
کلغاني په مانی کی دصافیوله شریفو او نجیبو
قومونو سره دیوی کتنی په ترڅ کی وویل:
لومړی دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت
دگوند او حکومت لخوا ستاسو خپل کورته ستا-
سودراتک له امله ښه راغلاست وایم ...

نخستین جلسه شورای مشورتي اقتصادي
کشور قبايل از ظهر ۱۸ قوس
تحت رياست ببرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان



دافغانستان ددیموکراتیک گوند دمرکزی کمیټې عمومی منشی دانتقلاپی شورا رئیس او
صدر اعظم ببرک کارمل دپامیان ولایت دزیارکښو خلکو له استازو سره روغېړ کوی .



ببرک کارمل دصافیوله شریفو قومونو یوتن سره روغېړ کوی .

یکسال در یک هفته

دایر شنه بودشام ۱۱ قوس باصنور قطعنامه
پایان یافت .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان ساعت دوی بعد ازظهر ۱۴ قوس روسا
معاونین ، مالکان اسپها ، چاپ اندازان وسایس
های تیم های بزرگشی صفحات شمال کشورادر
قصر دلکشا مقر شورای انقلابی پذیرفته وبا
ایشان درفضای کاملا دوستانه وصمیمانه صحبت
کردند .

دافغانستان ددیموکراتیک گوند دمرکزی
کمیټې عمومی منشی دانتقلاپی شورا رئیس او
صدر اعظم ببرک کارمل د قوس ۱۵ له غرمی
وروسته به دوو بجو د نورستان د پتمنو او
زیار کښو خلکو یو زیات شمیر استازی د



ببرک کارمل هوفیکه یکتن از مردم شریف
سچین بولدک رامورد نوازش قرار میبهند .



يکسال در يک هفته

رئيس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوري دموکراتيک افغانستان در قصر گلخانه شورای انقلابی دایر شد *

بیرک گادمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوري دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۸ قوس در اوج حساسات و ظنرستان مردم زحمتکش و شریف نور زایی مربوط ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار رادر قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفتند *



بیرک گادمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوري دموکراتیک افغانستان موقعیکه باهریک از جاب اندازان مصافحه و احوال پرسی می نمایند .

بقیه صفحه ۲۴

در پر تگاه يك...

چیزی نداشت با ما کمک میکرد و چراغ زندگی بر همین منوال می گشت .

زنی که در دوره زناشویی ما با همسر من رابطه داشت بالاخره با او ازدواج کرد و همین پیمان بود که یکبار او را از دو کودک معصوم من جدا ساخت . دیگر جز به این زن اندیشه نمی نداشت . از یاد برده بود که کودکانی دارد که نان می خواهند لباس می خواهند به دو ضرورت دارند و از همه مهم تر اینکه نیاز به پدر دارند و از یاد برده بود که نباید هوس و شهوت چنان بر او مسلط گردد که عطفه پدری را در وجودش خفه سازد اما او چنین شد .

کودکان هر روز از من او را می خواستند ، او را که شاید وجود آنها را هم از یاد برده بود دیگر نمی توانستم این نیاز عطفی جگرگوشه های مرا نادیده گیرم ، نمی توانستم شاید چشمان اشک آلود آنان در همه مواقعی باشم که کودک دیگر را فشرده در آغوش پدرش میدیدند ، نشستم و باخود اندیشیدم و تصمیم گرفتم که دوباره با او نکاح شوم در این زمینه مشورت هایی کردم و با بزرگان فامیل به شور نشستم تا بالاخره اقداماتی در این زمینه صورت گرفت و ما باردیگر پیوند زناشویی بستیم و او هم عهد کرد که همه بی

تو جیبی هایش را با مهر و عطوفت جبران کند .

حاصل این پیوند مجدد باز هم یکولادت دیگر شد بعد از این جریان او را هم سفر خارج گشت و ماه ها این دوری وجدایی به طول انجامید .

وقتی از سفر بازگشت باز هم همان شوهر بی محبت بود و پدر بی مهر ، بهانه جویی هایش با شدت بیشتری دوباره شروع گردید و به او چ خود رسید ، جوارو جنگل جای آرا منشی را گرفت و گریه حاجا یگرین نوش خند ما شد تا اینکه بزرگترین طفلم به بستر بیماری افتاد و او حتی در این مورد هم کمترین اعتنا نمی کرد و همچنان بی تفاوت ماند و بعد هم آخرین بهانه اش را گرفت و برای همیشه تر کمان کرد .

بقیه صفحه ۴

اتحاد کلیه...

قدرت ز حمتکشان در جمهوري دموکراتیک افغانستان متکی به جنبه وسیع ملی پدر وطن است که عناصر عمده این جنبه را کارگران ، دهقانان ، کسبه کاران ، کوچیان جوانان ، زنان ، نمایندگان تمام ملیت ها و اقوام و کلیه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه و تمام سازمان های اجتماعی دارای ماهیت وطن پرستانه در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بایک

اینک یک و نیم سال از آن روز که او خانه را ترک گفته است می گذرد ، شنیدم که از همسر دوم خود هم جدا شده و باز سردرپی دختری دیگر گذاشته است که قرار است سو مین همسری باشد در حالیکه من همچنان جوانی ام را فدای اطفال میسازم و دریای آنها پیر میشوم .

او اکنون کمترین تماسی با ما ندارد پوئی نمی فرستد خبری از کودکانش نمی گیرد و علاقه ای از خود نشان نمیدهد من نمیدانم چه کنم ، به کجا پناه ببرم ، از کی استمداد کنم و جواب کودکانی را که پدر می خواهند چه بد هم شما بگوئید ، شما را هنما یسم باشید و این گره کور را باز کنید .

برنامه عمومی و واحد تشکیل میدهد و آنها را قادر میسازد تا با اتحاد شکست نا پذیر از انقلاب و دست آوردهای انقلاب ثور میهن و مردم دفاع نمایند و به آرمان های والا و انسانی شان تحقق بخشند زیرا جنبه ملی پدر وطن برای هر قشر اجتماعی هر طبقه و هر صنف جا و مکانی دارد . که با تشکل و شمولیت آنها در همچون یک جنبه ، حاکمیت مردم نیرومند تر و زمینه خد متگذاری و امکانات خدمت بیشتر به مردم و میهن و عمران جا معه میسر می گردد . به امید نیرومند شدن پایه های اجتماعی جنبه وسیع ملی پدر وطن

بقیه صفحه ۲۱

نهم ژانویه

میدان بقصر رسید کرده بودند ، موج سیاه جمعیت که عده آنان بشمار نیمه صد سکت و آرا مینه به سینه سر بازار ایستاده بود . سرگروهانی با صدای آهسته گفت :

آقایان ! متفرق شوید .

او در امتداد خط جنبه راه می رفت سرش را بزر انداخته بود میگو شید تا قیافه مردم را ببینید . با دست و شانه آنها را از سربازان دور میکرد .

از او پرسیدند .

چرا ما را نه نمیدهند ؟

کجا ؟

پیش ترار .

سرگروهانی پس از چند ثانیه توقف با یاس و افسردگی فریاد زد .

ادامه دارد

مدیر مسؤول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری و اتب جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسؤول : ۲۶۸۴۹
تلفون ارتباطی دفتر : ۲۱
تلفون توزیع و شکایات : ۲۶۸۵۹

دولتی مطابع

دینا دین لودین کانون
کتاب پو لیس شمیره

شنبه ۱۳ جلدی ۱۳۵۹ - ۳ جنوری
۱۹۸۱
سال ۳۲
شماره - ۴۱
قیمت يك شماره - ۱۳۰۰

Sulaiman
۳۷